

## فصل دهم

### فامیل‌های ایبورد

حال که تا حد امکان از اوضاع و احوال و تاریخچه ایبورد مطلع شدیم ضروری ندارد که اسامی فامیل‌های این محل را نیز بدانیم باشد که نسل‌های حاضر و آینده گذشتگان و اجداد خود را بشناسند و چه بهتر که آنرا برای احتراز از قلم افتادگی بترتیب حروف الفبا ذکر نمائیم. توجه بفرمائید تا بعرض برسانم:

ایبوردی‌های شیراز اکثراً از اولاد شخصی بنام عربشاه هستند باین معنی که پسران عربشاه عبارت بوده اند از برخوردار، صفرشاه، علیشاه، ایمانشاه که هر یک از اینها خود سر سلسله خاندانی میباشند.

**فرزندان برخوردار:** کریم آقا حاجی حاتم بیگ، عبدالرحمن بیگ، رحیم بیگ.

**فرزندان صفرشاه:** علیمحمد، عوضعلی، محمد آقا، رحیم، سامی، عزیزخان، رحمن، خالق، قربانخان.

**فرزندان علیشاه:** مختار آقا، سبزعلی، طهماسب، قره خان، آزادخان، کربلائی عوضعلی، نوشاد، هدایت، امیرخان بیگ.

**اولاد ایمانشاه:** حیدری‌ها و معروف به بایقلی هستند که اسامی آنها بموقع ذکر خواهد شد.

نواده افراد بالا که جمع اهالی ایبورد را تشکیل داده اند هر خاندانی برای خود نام فامیلی اختصاص و بدان نام شناسنامه گرفته اند که بشرح زیر میباشند.

**ایبوردی، اخوان، انصاری، بیرامی، جمشیدی، جهانشاهی، جزغانی، حاتم پور، حاجی وندی، حسن بیگی، حیدریان، حیدری، خالقی، خشامن، خویاری، زمانپور، سامی، شجاعی، صائمی، صغری، عبداللهی، عربشاهی، علیشاهی، قهرمانی، کریم آقائی، محب پور، محبی، محمد آقائی، مرادی.**

**ایبوردی** - میرزا شاهرضا معروف به قوام دفتر پسر حاج آقا میرزا پسر حاج غلامرضا پسر حاج عبدالله پسر اسماعیل که

از اولاد حاج عبدالله بزرگ سر سلسله خاندان عبداللهی است و نام فامیلی ایبوردی اختیار نمود. مرحوم میرزا شاهرضا شخصی با سواد و محاسب و زارع بود شغل او منشی‌گری و باصطلاح فرد نویسنده خوانین قشقائی مورد احترام افراد ایل و در جنگ بین الملل اول در معیت مرحوم سردار عشایر و در جریان مبارزه با انگلیسها شرکت داشته. علاوه بر این موقعی که مرحوم سردار عشایر دهستان ممسنی را از حاج معین‌التجار بوشهری (پدر امیر همایون و آقایان بوشهری‌ها) اجاره مینماید امامقلی خان رستم و امیر و بهمن که از خوانین و افراد معروف ممسنی بوده و در پرداخت سهم مالکانه و مال الاجاره استنکاف داشته مرحوم قوام دفتر را مأموریت میدهند و به کمک ایاز کیخا کلانتر دره شوری امامقلی خان و اتباع و عشیره او را تحت انقیاد و اطاعت در می‌آورد و سهم مالکی مرحوم حاج معین‌التجار بوشهری مورد اجاره مرحوم سردار عشایر و همچنین سهم دیوانی را وصول و ایصال مینماید.

عیال مرحوم میرزا شاهرضا قوام دفتر صغری دختر مرحوم رضاقلیخان پسر مشهدی حبیب‌اله بود یک پسر بنام غلامرضا و پنج دختر بنامهای حاجیه ساراخاتون، قمر سلطان، ملک لقا، حاجیه بهجت و حاجیه طلعت دارد. غلامرضا خان با سواد و خوش خط مدتی منشی استانداری و کارخانه قند مرودشت در فن ماشین نویسی ماهر از هنر موسیقی خصوصاً ویلن بهره

مند است. همسر او خمار دختر مختارخان گرگین پور قشقائی فرزندان بنام دکتر سیروس ایبوردی تحصیلاتش در رشته کشاورزی، آسیب شناسی و بواسطه استعدادی که داشت بخرج دولت برای تکمیل تحصیل و طی درجه دکترا بامریکا رفت. فعلاً رئیس امورباغبانی دانشگاه پهلوی و در دانشکده کشاورزی مدارج استادی را طی میکند. همسر او هماخانم دختر سرهنگ نوازله جهانشاهی فرزندان بنام هاله و گلنار دارد. شاپور (فیروز) ایبوردی پسر دیگر غلامرضا خان دیپلمه و در اداره کل آبیاری فارس دارای شغلی حساس و علاوه بر این فعالیت صنعتی و زراعتی هم با دائی های خود حبیب اله خان و غلامحسین خان گرگین پور مشترکاً دارد. مهین تاج دختر غلامرضاخان همسر مشهدی عطا کیانی پسر حاج شیر علی بکیانی کامفیروزی است. فرزندان بنام بهادر، داریوش، مهران و ویدا دارد که بهادر همسری بنام محبوبه دختر عزت اله کیانی اختیار و حاصل این وصلت دختری است بنام یاسمن. دختران دیگر غلامرضاخان کیهان که در سال دوازدهم تحصیل و پریوش دیپلمه در دانشکده کشاورزی شاغل و با نصراله قهرمانی پسر دکتر محمود قهرمانی ازدواج نموده است.

حاجیه سارا خاتون دختر میرزا شاهرضا خان زنی است فاضله و طبع شعری هم دارد. سه بار بمکه معظمه مشرف شده. ابتدا همسر مرحوم میرزا ابوالفضل پسر حاج عبدالله تاجر بود بعد از او بعقد ازدواج مرحوم مختارخان گرگین پور در آمد (گردنه امامزاده اسماعیل که یکی از راههای صعب العبور سرحد چهاردانگه میباشد به همت و هزینه شخصی حاجیه خانم سارا خاتون ایبوردی ساخته شده و ماشین رو گردیده است). قمر سلطان دختر دیگر قوام دفتر همسر مظفر قهرمانی (نگارنده) میباشد. ملک لقا عیال محمدرضاخان عبداللهی پسر حاج شکراله است و حاجیه بهجت عیال حاج عبداللطیف عبداللهی و حاجیه طلعت عیال سعدیخان پسر حاج نوراله میباشد (حاجیه بهجت و حاجیه طلعت هر دو از هنر قالی بافی بهره کافی داشته و قالیچه های ظریف میبافند).

**اخوان -** مرحوم کاکاخان بیگ پسر جعفر پسر حسن بیگ پسر کریم آقا پسر برخوردار پسر عربشاه، اصلاً برخورداری و کریم آقائی است ابتدا نام فامیلی اقحوانی (که در لغت گل بابونه را معنی میدهد) اختیار کرده بود بعداً آنرا مبدل به اخوان نمود. مرحوم کاکاخان بیک مردی بود با سواد، فاضل و مطلع. اشعار شعرائی مانند مولوی و مخصوصاً قآنی را اکثراً حفظ داشت. در ابتدای تشکیل قشون اس- پی- آر وارد ارتش گردید بسیار شجاع بود، مدتی مأمور حدود کرمانشاه و نقاط مرزی غرب و پس از مدتی مستعفی و به فعالیت زراعتی و معامله گری پرداخت. اخیراً امور خیریه مرحوم حاج میرزا لطف اله محرر را در پرورشگاه کودکان اداره و مورد توجه و علاقه آقای فضل اله محرر بود. همسر او مرحوم حاجیه صغری دختر حاتم بود. فرزندان بنام منوچهر، کیامرث، فرامرز، بیژن، عفت، سلطنت، پروانه، روح انگیز، فرخ دارد. دختری هم بنام ژاله داشت که دختر خوبی بود و جوانمرگ شد. منوچهرخان افسر ارتش بسیار رشید و لایق و با سواد و صرف توجه فرماندهان میباشد. همسر او پریدخت دختر مرحوم نعمت اله جهانشاهی فرزندان بنام مهرزاد، بهزاد، شیوا دارد. فرامرز پسر کاکاخان بیک دیپلم در سازمان تأمین اجتماعی مشاغلی حساس دارد. همسر او زرین تاج دختر حاج محمدآقا محب پور فرزندان بنام محمدرضا و شهروز دارد. کیامرث پسر کاکاخان بیک در بانک صادرات مشغول و عهده دار امور کارپردازی است و بیژن برای ادامه تحصیل به انگلستان رفته است. خانم عفت همسر جمشید قهرمانی پسر معین دفتر و سلطنت همسر کریم کریم آقائی فرزند محمدامین خان. پروانه همسر فریبرز حسن بیگی

پسر مشهدی رسول، فرخ همسر جهانبخش پسر حاج محمدحسین کریم آقائی و روح انگیز همسر محمدخان حاجیوندی است.

**انصاری** - این فامیل از ایبوردیه‌های اصیل و معروف به اولاد حاج بصیر میباشند که پسران حاج بصیر امامقلی، کربلائی حسینعلی، حاج علی اکبر بود. پسر امامقلی حاج محمدقلی و پسران حاج محمدقلی احمد و محمود انصاری هستند. فرزند کربلائی حسینعلی، حسن خان پسران حسن خان حمید، صمد، حسین و ناصر، محسن و پسران حاج علی اکبر عبارتند از حاج غلامحسین، مشهدی محمدآقا، حاج دادرس. پسران حاج غلامحسین غلامرضا خان، قدرت اله، هدایت اله، و رسول آقا است. غلامرضا خان کارمند عالیرتبه و فاضل و دانشمند آموزش و پرورش همیشه دارای پست های حساس از قبیل نظامت دبیرستان ها و مدیریت داشته است فعلا بازنشسته میباشد. بسیار محبوب، مؤدب، متین، نسبت به فامیل مهربان و متعصب. اکثر جوانان ایبوردی از شاگردان او هستند و حق بزرگی گردن همه دارد. مرحوم حاج غلامحسین انصاری دو دختر هم دارد که یکی بنام خانم صفا همسر پسر حاج رضا عظیمی دوانی و دیگری عیال اردلان شمس است. مشهدی محمدآقا پسر حاج علی اکبر فرزندی بنام کرامت اله قهرمانپور دارد که مردی است بسیار خوب و مورد احترام. حاج دادرس پسرانی بنام نصراله خان بازنشسته ارتش و یداله خان عضو عالی رتبه بانک ملی و مهندس عبدالله و اکبرآقا دارد. مرحوم حاج دادرس دارای شغل تجارت قماش و در بذله گوئی و خوش مشربی معروف بود.

**جمشیدی** - این فامیل اصلا جرکانی هستند و از سالها قبل به ایبورد شیراز آمده سکونت اختیار و مواصلت نموده اند. از این فامیل میتوان قره خان و کربلائی علیرضا و کربلائی محمد حسین پسران کربلائی محمدرضا و ملک حسین را نام برد. قره خان فرزندان محمدرضا و محمد میرزا. کربلائی علیرضا دو عیال اختیار کرده که یکی مادر علی اکبر جمشیدی و غلامحسین بود و دیگری نازی خواهر حاج غلام زمانپور که دختری بنام حلیمه دارد و عیال محمدرضا پسر قره خان بود. علی اکبر درجه دار و همدریف افسر باز نشسته شهربانی. عیال او دختر کربلائی محمد حسین و پسری بنام محمد دارد که افسر ژاندارمری است و یک پسر هم بنام قاسم دارد دخترش هم همسر بهمن پسر یوسف خان سامی است. کربلائی محمد حسین پسرش حسن آقا درجه دار شهربانی و دخترش همسر علی اکبر جمشیدی است - ملک حسین جمشیدی فرزندی بنام کرامت، علمدار، اکرم، عبدالحسین دارد.

**جهانشاهی** - این فامیل را جهانشاوند هم میگویند. معروف است که اصلا از ایبوردیه‌های خلیج هستند ولی بیشتر احتمال داده میشود که جهانشاه جد اعلائی این فامیل نیز با صفرشاه و علیشاه و ایمانشاه برادر بوده باشد. بهرحال تا آنجا که اطلاع داریم نورمحمد بیک پسرش قره محمدبیک و پسر قره محمدبیک حاج شعبانعلی بوده. حاج شعبانعلی فرزندی بنام حاج مرتضی، کربلائی فتح اله، حاج احمدعلی، خاور، زبیده، خاتون داشته است. حاج مرتضی دو عیال اختیار کرده که یکی مادر حاجیه صغری عیال حاج حبیب اله خان و دیگری بنام سارا دختر حاج نور محمد صالحی حسن آبادی بوده است. کربلائی فتح اله پسر حاج شعبانعلی نیز دو همسر اختیار نمود یکی بنام معصومه دختر علی قلی بیک کلانتر که از او فرزندی بنام حاج حبیب اله، نوازله، رحمت اله، امیربهدار دارد و دیگری بنام حاجیه مریم دختر کربلائی یارمراد کهواده قشقائی که از او دختری بنام پریوش دارد.

حبیب اله خان جهانشاهی از افراد مطلع و با سواد و متدین قبلاً در نظام وظیفه کارمند و منشأ اثر بود و فعلاً نیز در فعالیت های اجتماعی از قبیل عضویت شورای داوری وجودی ارزنده است. پسری بنام ایزدبخش دارد برای ادامه تحصیل بامریکا رفته. بسیار متین و معقول و علاقمند به تحصیل میباشد. دختران حاج حبیب اله عبارتند از نسرين همسر حسن آقا محمد آقائی. پریچهر همسر نادر کریم آقائی (شاپور) و مهین عیال نادر عبداللهی و فرخ لقا عیال سردار زمانپور و مهوش عیال رحیم حیدری است.

سرهنگ نواز اله خان جهانشاهی فرزند کربلائی فتح اله بازنشسته ارتش از افسران لایق و شایسته مدتها در شهرستانهای مختلف فارس و اخیراً در مرکز شیراز رئیس نظام وظیفه و رئیس منطقه فارس بوده در فعالیت های اجتماعی مؤثر و چند دوره عضو انجمن شهر شیراز و هم اکنون بواسطه حسن شهرت از طرف مردم شیراز و اهالی ایبورد به نمایندگی دوره بیست و چهارم قانونگذاری مجلس شورای ملی انتخاب و وکیل مجلس میباشد. در دوران عضویت انجمن شهر مساعی و مجاهدت ایشان در پیشرفت عمران و آبادی ایبورد قابل تقدیر و تحسین است. همسر او بنام خانم تاج دختر شاهرضا بیگ حاجیوندی ایبوردی فرزندان بنام دکتر داریوش، مهندس کورش، خشایار، گیتی، هما، ویدا، میترا (گوهرشاد) دارد. دکتر داریوش متخصص در امراض زنان فارغ التحصیل از آلمان طبیبی است حاذق بسیار محجوت و مردمدار. عیال او دکتر پروین شجاعی دختر تیمورخان متخصص در امراض کودکان فرزندان بنام کسری و یاسمن دارد. مهندس کورش پسر سرهنگ جهانشاهی مهندس راه و ساختمان فعال و با هوش و پیمانکاری های عمده را قبول میکند. اخیراً در عملیات توسعه و نوسازی اطراف حرم حضرت رضا نقش مؤثر و وظیفه مهمی را بعهده دارد. عیال او پوران دختر حاج غلام زمانپور فرزندان بنام سارا و ساسان دارد. گیتی دختر سرهنگ نواز اله خان همسر مهندس عزیز جهانشاهی و هما همسر دکتر سیروس ایبوردی و ویدا همسر امیر عبداللهی و میترا همسر دکتر فرج اله دهقانی فرزند حسین از اهالی اباده طشت ارسنجان میباشد.

رحمت اله خان جهانشاهی پسر کربلائی فتح اله عضو عالی رتبه بانک ملی همیشه دارای مشاغلی حساس از قبیل ریاست بانکهای ملی شهرضا، یزد، آبادان، رضائیه بوده و هم اکنون که بازنشسته میباشد در بخش خصوصی عهده دار شغلی مؤثر است. مردی مهربان، باسواد و مخصوصاً در امور بانکداری و محاسبات استعدادی فوق العاده قوی دارد. همسر او محترم خانم دختر یشمودخان پسر کربلائی نادعلی خان شجاعی است. فرزندانش بهروز، مینو، مسعود، شعله، مینا، ژاله، ژیلا میباشد که همگی یا تحصیلات عالی دارند و یا مشغول به تحصیل میباشند. سرهنگ امیربهدادخان پسر کربلائی فتح اله بازنشسته ارتش از افراد لایق و شایسته رسته مالی بسیار مهربان، خوشخو، خنده رو، همیشه دارای پستهای حساس بوده وجودی ارزنده و دوست داشتنی است. همسر او مهین خانم دختر یشمود خان شجاعی فرزندانش شهرام، جهانگیر، بهنام و جمیله میباشد که تحصیلات عالی دارند. پریوش دختر کربلائی فتح اله همسر علی زمان زمانپور پسر حاج غلام است.

حاج احمدعلی جهانشاهی پسر حاج شعبانعلی مادرش حسنی جان از اهالی مثقان کوهمره است. در عشایر قشقائی مخصوصاً دره شوریهها معامله داشت. اخیراً در شیراز مغازه خواربارفروشی دارد. مردی است متدین همسر اول او فاطمه خانم دختر حاتم بیگ سامی وند و نوه دختری قباخ قلیخان است. فرزندان بنام سهراب، بهرام، شهلا، مهین دارد. همسر سهراب سعیده دختر آقا سید حسام الدین فالی است. بهرام فرزند حاج احمدعلی را فرهنگ هم مینامند. در آموزش و

پرورش از آموزگاران و دبیران فعال و خوب است. عیال دیگر حاج احمدعلی بنام قمر خانم خواهرزاده خانم تاج همسر سرهنگ جهانشاهی است. فرزند او غلامحسن میباشد.

نگهدار فرزندان حاج علمدار و کربلائی علیمراد. حاج علمدار دو عیال اختیار کرد یکی ربابه دختر کربلائی خان بابا و خواهر زاده مشهدی رضاخان (دختر عمه کربلائی شهربانو همسر کربلائی حیدرعلی حیدریان) و یکی هم بنام حاجیه مریم دختر کربلائی یارمراد کهواده قشقائی که بعد از حاج علمدار بعقد کربلائی فتح اله جهانشاهی در آمد. کربلائی علیمراد پسر نگهدار عیال او سکینه دختر علی قلی بیگ فرزندان بنام ناصر، منصور، محسن، یزدان بخش دارد. ناصر پزشکیار ژاندارمری و مدتها در دشمن زیاری بوده است. همسر او نصرت دختر نجفقلی خان سامی وند فرزندان نادر، شهدخت، پوران، آذر، همسر نادر دختر حاج دوستعلی کامفیروزی است و آذر عیال امامقلی آدمیت پسر زیادخان است. همسر منصور دختر کربلائی میرزا محمد شحنه احمدی شیرازی و فرزندان حامد، محمود، نگهدار، حمید، فخری است. محسن در سازمان تأمین اجتماعی همسر او پروین دختر نعمت اله خان جهانشاهی است فرزندان بنام فریده، فریبا، فیروزه، رقیه، علیرضا دارد که فریده همسر خداداد جهانشاهی فرزند مشهدی شهیدقلی است. یزدان بخش پسر کربلائی علیمراد درجه دار شهربانی همسر او قمر دختر مشهدی شهیدقلی میباشد. مجموعاً فرزندان کربلائی علیمراد افرادی مهربان، متین، و مؤدب میباشند. مشهدی شهید قلی پسر اله نظر پسر خدانظر فرزندان خداداد و قمر که خداداد دیپلمه و کارمند شهرداری است. جوانی بسیار محبوب و مؤدب و متین میباشد.

اله نظر (البته این اله نظر غیر از پدر مشهدی شهیدقلی است) پسرانش خدانظر و نعمت اله خان، خدانظر پسرش حاج نصراله در دانشگاه پهلوی اشتغال دارد. قبلا در ایل دره شوری معامله داشت و مورد احترام افراد این ایل میباشد. عیال او حاج حمیده دختر نعمت اله خان است. نعمت اله خان پسر اله نظر سه عیال اختیار کرده که اولی مادر حاجیه حمیده و دومی احترام خانم دختر طهماسب بیگ درمه ای قشقائی (خواهر الیاس دبیر بابکان) فرزندان بنام عزیز، پروین، پریدخت دارد. عزیز مهندس آرشیکتک راه و ساختمان فاغ التحصیل آلمان و در ذوب آهن ایران شغلی مهم و مؤثر دارد جوانی است متین، باهوش و با استعداد و مهربان همسر او گیتی دختر سرهنگ نوازاله جهانشاهی، پروین دختر نعمت اله خان عیال محسن خان جهانشاهی و پریدخت همسر منوچهر خان اخوان پسر کاکاخان بیگ است. نعمت اله از مادر حاجیه حمیده دختری هم بنام طلعت دارد که همسر نوراله جهانشاهی پسر کربلائی آقاعلی است و فرزندی بنام عبدالله دارد. عیال سومی نعمت اله خان جهان سلطان دختر کربلائی امیر حمزه کریم آقائی بود. اله نظر دو دختر هم داشت که یکی همسر نور محمد و پسرش علیمحمد جهانشاهی استوار شهربانی مأمور استانداری است (علیمحمد از درجه داران خوب و جدی و متین میباشد) و دیگری نرگس همسر حاج غلام زمانپور بود. مادر علیمحمد بعد از فوت نور محمد بعقد رحیم پسر باباخان صفرشاهی در آمد که پسری بنام عیدی محمد دارد.

کربلائی عیسی خان پسر هاشم خان از مردان متدین و خوب این محل و در قرائت قرآن کریم اجری جزیل میبرد. خواهرانی بنام زرافشان و مشهدی خیرالنسا داشت که مشهدی خیرالنسا فرزندان بنام اسفندیار و بهیار دارد هر دو از درجه داران خوب شهربانی هستند.

**چزغانی ها** - از اعقاب تیره هائی از ایبوردی هستند که از چزغان بختیاری آمده اند. کرمعلی فرزند محمد پسرش

محمدعلی نظری فرزندانش نظر، عظیم، حسین، علیرضا، نوروزعلی فرزندش عبدالعلی فرزندان او جواد، جمال، محمدرضا، عبدالرضا، اکبر، جانعلی فرزندش علی (شاه علی) لطف اله فرزندانش عبدالله، عباس.

**حاتم پور** - شهباز فرزندانش اله قلی، امامقلی و حاتم. مادرشان دختر ملاعبداله کریم آقائی و نوه حاج قهرمانخان بوده است. همسر اله قلی بنام حلیمه دختر کربلائی خان بابا و دختر خواهر مشهدی رضاخان فرزندش علی باز. همسر دیگر اله قلی از حاجیوندی ها بوده پسرش محمد قلی و پسر او بیژن. علی باز درجه دار بازنشسته شهربانی همسر او خانم بی بی دختر کربلائی حیدرعلی حیدریان فرزندانش هاتف، منظر، زیبا. منظر عیال حاتم حاتم پور و زیبا همسر سرگرد عبدالحسین محمدآقائی فرزند مرحوم فرج اله محمدآقائی است.

امامقلی فرزندش ضیاءالدین (زیادخان) بود که خیلی با سواد و مطلع و سیستم مدرسه را در ایبورد بنیان گذارده. عیال او کلثوم دختر حاج عبدالرحمن کریم آقائی فرزندانش حسام، نظام، امامقلی، عزیزقلی که همگی نام فامیلی آدمیت دارند. عیال حاج حسام بهجت دختر حاج آقا بزرگ اسکروچی شیرازی فرزندانش ضیاء، جاوید، جواد، آقارضا، پری گل، زهره، مینا، کفایت، مهوش، ماریا، مژگان. امامقلی پسر زیادخان استوار شهربانی است. عیال او آذر دختر ناصر جهانشاهی است. فرزندانش مهران و مهرزاد میباشد. عیال عزیزقلی نارنگیس دختر نور محمدباصری. حاتم فرزندان او زبیده و محمدصادق مردی بود اجتماعی و مهربان. همسر او جهان سلطان دختر کربلائی امیر حمزه کریم آقائی فرزند بنام حاتم دارد بسیار باهوش، فعال، و باذوق و بذله گو و در کار معاملات ملکی است. عیال او منظر دختر علی باز فرزندان بنام روانبخش، نوربخش، جمال، چونلی، امید دارد. زبیده دختر حاتم عیال خدانظر پسر کربلائی خان بابا. خان بابا پسر خدانظر پسر کربلائی خان بابا پسر اکبریگ پسر عبدالرحمن بیگ پسر برخوردار که در حقیقت از فامیل کریم آقائی محسوب است ولی شناسنامه حاتم پور گرفته (مادرش زبیده دختر حاتم خواهر محمدصادق بود) عیال او شوکت خانم دختر اسحق بیگ و فرزندانش امان اله، زبیده، هما، شکوه، مجید، رضا است. خواهر خان بابا فاطمه عیال فرج اله محمدآقائی (دختر خدانظر). کربلائی خان بابا دو دختر داشته که ربابه زن حاج علمدار و حلیمه عیال اله قلی مادر علی باز بوده است.

**حاجیوندی** - کربلائی غلامرضا فرزندانش شاهرضا بیگ، مسیح خان، عباس خان. فرزندان شاهرضابیک محمدخان عضو عالیرتبه حسابداری اداره کل مخابرات بسیار مطلع و مهربان و در کار خود جدی و فعال است. همسر او روح انگیز دختر کاکاخان بیک اخوان فرزندانش حمیدرضا، کامران، مه رخ، ماریا، لاله، لادن می باشند. حمیدرضا دانشجوی دانشگاه اهواز است. پسر دیگر شاهرضا بیک مصطفی خان میباشد. دختر شاهرضا بیک خانم تاج همسر سرهنک نوازاله جهانشاهی است. فرزندان مسیح خان خسرو و پرویز است که خسرو مهندس دانشگاه میباشد. دختر زاده شاهرضابیک بنام قمر همسر حاج احمدعلی جهانشاهی است (حاج نادرخان قهرمانی پسر گرجی خان نیز از فامیل حاجیوندی و با شاهرضا بیک عموزاده میشوند).

**حسن بیگی (کریم آقائی)** - حسن بیگ پسر کریم آقا پسر برخوردارپسر برخوردار پسر عربشاه فرزندانش محمدخان و جعفر. محمدخان همسر او بلورجان دختر حاج غلامرضا پسر حاج عبدالله فرزندان بنام حاج محمدحسین و

محمد و خیرالنساء داشت. حاج محمد حسین مردی متدین و باحمیت و مهربان و با غیرت و خیر بود. سه عیال اختیار کرد اولی بنام صغری دختر رحیم بیگ سامی وند از او دو دختر دارد بنام حاجیه خیرالنساء که همسر حاج محمد آقا محب پور است و یکی هم حاجیه باختر که عیال محمد آقا حیدریان میباشد. عیال دومی حاج محمد حسین زینب دختر کربلائی آقا محمد علمدارلو شش بلوکی قشقائی از او فرزندان بنام مرتضی، جهانبخش، جهانشاه، و مهرانگیز دارد. همسر مرتضی اختر دختر حاج غلام زمانپور فرزندانش پری سیما، محمد، مهدی، پرویز، نیلوفر میباشد. پری سیما دختر مرتضی عیال سعیدروشن ضمیر از اهالی بابل مازندران میباشد. جهانبخش پسر حاج محمد حسین دیپلمه و در اداره عمران استانداری اصفهان و محل مأموریت او فعلاً شهر کرد بختیاری است. همسر او فرخ دختر کاکاخان بیگ اخوان و فرزندان سیامک، فرانک، شبنم، ژاله میباشد. مهرانگیز دختر حاج محمد حسین همسر استوار مختار کریم آقائی پسر مشهدی حسن میباشد. عیال سومی مرحوم حاج محمد حسین فاطمه دختر عبدالمجید پسر حاج ابراهیم عبداللهی است فرزندان بنام بهروز (علمدار)، طیبه، ملکی جان، گلاب، فرح دارد که طیبه عیال دکتر گودرز محبی و ملکی جان همسر هوشنگ سامی و گلاب عیال علی آقا پسر مشهدی رسول است.

جعفر پسر حسن بیگ دو عیال اختیار کرده یکی بلورجان دختر حاج غلامرضا (پس از فوت محمدخان بلورجان بعقد جعفر در میآید) از او فرزندان بنام مشهدی حسن و مشهدی رسول داشت. عیال مشهدی حسن معصومه دختر عبدالمجید پسر حاج ابراهیم فرزندانش مختار، الیاس، طهمورث، اسکندر، فرید (جبار)، حوری جان، بی بی جان، تاجی میباشد. مختار استوار شهربانی بسیار مهربان و جدی و در اجرائیات دادگستری است. همسر او مهرانگیز دختر حاج محمد حسین فرزندان بنام شهلا، نارنگیس، تورج، نوربخش، فرشید، سهیلا دارد. الیاس پسر مشهدی حسن نیز درجه دار شهربانی و بذله گو و مهربان و علاقمند به موسیقی مخصوصاً موسیقی های محلی و ساز و نقاره است. همسر او گوهر دختر حاج علی اکبر حیدریان فرزندان فرح بخش، فرح زاد، بنفشه، محبوبه، زهرا میباشد. طهمورث در اداره کل آمار عمومی است. عیال او حلیمه دختر مشهدی رسول فرزندی بنام آریتا دارد. اسکندر پسر مشهدی حسن افسر ارتش در قسمت هوابرد بسیار با هوش و جدی و مورد توجه فرماندهان مربوطه است. عیال او مینو دختر جمشید قهرمانی (برادر نگارنده) فرزندان بنام بابک و بردیا دارد.

فرید یا جبار پسر مشهدی حسن در اداره هواپیمائی کشوری است. حوری جان همسر افراسیاب (آقا) پسر کربلائی نوروز محبی و بی بی جان همسر جعفر پسر مشهدی رسول و تاجی عیال حاج داراب علیشاهی است. مشهدی رسول پسر جعفر دو عیال اختیار کرده یکی بنام افروز دختر مشهدی فتح اله پسر محبعلی محبی از او فرزندان بنام جعفر، فریبرز و عرب دارد. عیال جعفر بی بی جان دختر مشهدی حسن فرزندان بنام کیان، همافر، و کیوان، شهسوار دارد. عیال فریبرز پروانه دختر کاکاخان بیگ اخوان فرزندانش بهمن، افسانه، فرزانه و دردانه میباشد. عرب (درجه دار شهربانی است) همسر او اقدس دختر کرمعلی چزغانی است. عیال دوم مشهدی رسول کربلائی اسبیه دختر حاج عبدالرضا پسر حاج غلامرضا میباشد. فرزندان بنام حلیمه، علی آقا، ماهجان دارد. حلیمه عیال طهمورث پسر مشهدی حسن و ماهجان عیال کربلائی رضاخان بیرامی پسر شاهرضا بیگ است. عیال علی آقا گلاب دختر حاج محمد حسین میباشد (این فامیل در حقیقت کریم آقائی برخوردار هستند که شناسنامه حسن بیگی گرفته اند چون جد آنها کریم آقای بزرگ است) و اما عیال

دیگر جعفر پسر حسن بیگ بنام فرخ دختر مشهدی حبیب اله (خواهر معین دفتر) بود که فرزندی بنام کاکاخان بیگ اخوان داشت که بموقع خود (اخوان) ذکر گردید.

**حیدریان** - حاج اسلام فرزندان حاج حسن، حیدر، حاج بابا، حاج علی پناه فرزندان حاج شاه عباس و علی عباس بوده. همسر شاه عباس خدیجه دختر مشهدی رضاخان و فرزندش حاجیه خانم عصمت که همسر حاج علی اکبر حیدریان میباشد. همسر علی عباس معصومه دختر جیران فرزندش غضنفر (نام خانوادگی صائمی اختیار نموده) عیال او زبیده دختر عزت اله پسر بیرامعلی پسر نجف فرزندانش وجیه اله و ذبیح اله و ماشاءاله است فرزندش حیدر نظرعلی عیال او گوهر دختر مشهدی حبیب اله پسر حاج عبدالله (گوهر از نظر خورشید خانم که مادرش بوده نبیره قهرمانخان میشود) فرزند او کربلائی حیدرعلی همسر کربلائی حیدر علی کربلائی شهر بانو دختر مشهدی رضاخان فرزندانش صفدرخان (جوانمرگ شد) و حاج علی اکبر، محمد آقا، خانم بی بی (مادر کربلائی شهربانو و خدیجه یعنی عیال مشهدی رضاخان شیرین جان دختر حاج غلامرضا پسر حاج عبدالله بوده است). کربلائی حیدر علی مردی اجتماعی و همیشه با رؤسای ایلات و طوایف خصوصاً خوانین دشتی و دشتستان دوستی داشت و هنگام جنگ بین الملل اول که میتوان گفت ارتباط شیراز و بنادر قطع بود از لحاظ تأمین مایحتاج دشتی و دشتستان و همچنین رسانیدن مال التجاره و قماش و قند و شکر از بوشهر بشیراز نقش مؤثری داشته است. بسیار صریح الهجه و حاضر جواب بود همیشه در خانه او تعداد زیادی از افراد ایل و بلوک مهمان بودند و با گرمی پذیرائی میشدند.

حاج علی اکبر فرزند کربلائی حیدر علی نیز مردی مهربان و فامیل دوست و متدین است. فعلا در کار تجارت قالی و فرش حیدریان (بازار بحرینی) شیراز مرکز فعالیت تجاری او میباشد. همسرش حاجیه خانم عصمت دختر شاه عباس و فرزندانش صفدر (نبیل آقا) و عباس آقا، طاهر، ظاهر، گوهر، ماهرخ، شکوفه می باشند. نبیل آقا فوق دیپلم و در اداره کل راه استان دارای شغلی حساس میباشد. عیال او منیژه دختر علی زمان زمانپور فرزندان بنام شاهرخ و شیدا دارد. طاهر افسر نیروی هوائی است. گوهر عیال الیاس کریم آقائی و ماهرخ عیال احمدعلی (اکسیر) پسر حاج امیر امیری ابیوردی بابائی است. احمدعلی امیری لیسانس شیمی و دبیر دبیرستان شاهپور است. همسر کربلائی محمدآقا حیدریان حاجیه باختر دختر حاج محمد حسین کریم آقائی (حسن بیگی) فرزندان بنام نظرآقا، صغری، حبیب، حیدر دارد. صغری عیال اشکبوس سامی پسر محمدعلی پسر کوچکعلی سامی وند است. کربلائی حیدرعلی عیال دیگری از فامیل معتبر تیره دوقزلوی شش بلوکی قشقائی داشت بنام پری از او دختری بنام زیور دارد که عیال حاج امیر پسر مشهدی قباد از بابائی سلمانی ابیوردی است. فرزندان بنام احمدعلی، زلیخا، کشور، پری، خاور، حمید، احد دارد. زلیخا با نوه حاج غلامرضا عالیشوندی فراشبندی ازدواج کرده و کشور عیال برادرزاده حاج امیر است.

خانم بی بی دختر کربلائی حیدرعلی (خواهر حاج علی اکبر) همسر علی باز حاتم پور میباشد. حاج بابا فرزند او عسکر و فرزندان عسکر حاج بابا و خانم سلطان است. عیال حاج علی پناه طاهر و ظاهر و ماه شکر که عیال حسنعلی خان شجاعی مادر آقا میرزا علی آقا شجاعی بوده است. عیال طاهر شاه منظر دختر حاج شاهمیرزا و عیال طاهر زینب دختر اله نظر بود.



**حیدری** - این فامیل بنام ایمانشاهی یا بای قلی معروف هستند و از اولاد ایمانشاه پسر عرب شاه می باشند. افراد

معروف آنها بشرح زیر است:

جانمحمد فرزندان حاج نصراله و کربلائی قربان. فرزندان حاج نصراله تقی و جعفر و فرزندان کربلائی قربان غلامحسین کارمند استانداری است. لطفعلی فرزندان فتحعلی و پنجعلی و میرزاقلی است و فرزند میرزاقلی بنام رضاقلی میباشد. کربلائی حیدر فرزندان نادعلی، غلام، اسفندیار و حسنی جان.

کربلائی حیدر چون دو عیال اختیار کرده بود یکی از آنها بنام جیران دختر خانجان پسر علیرضا (خواهر شاهر ضایبگ) بود که از او فرزندان بنام عرج، صفدر حاجیخان دارد. پسر نادعلی پسر حیدر حاج مسکور است که کارمند شهرداری است. دختر خود مهوش را به عظیم نصیری پسر صمصام داده است. حاج مسکور چند پسر هم دارد که به تحصیل مشغولند. پسر غلام پسر کربلائی حیدر سیاوش است که با دختر نجفقلی خان سامی ازدواج نموده. پسر حاجیخان کربلائی حیدر رحیم افسر ژاندارمری است که عیال او مهوش دختر حاج حبیب اله جهانشاهی است.

غنی از فامیل بایقلی و ایمانشاهی است پسرش معصومعلی میباشد. معصومعلی دو پسر دارد بنام مشهدی علی و کربلائی لصف اله، همسر مشهدی علی کربلائی خاتون دختر کربلائی مینا پسر کر معلی است (عیال کربلائی مینا حبیبیه بوده)

فرزندان مشهدی علی حاج سیف اله، حاج امراله، عین اله، حمایت اله، گل اندام. حاج سیف اله مردی است متدین و خیر و ایام ماه رمضان و سوگواری از اطعام مساکین و سفره دادن و بجا آوردن فرایض مذهبی اجری جمیل نصیب خود مینماید. برادرانش نیز در این امور خیر شرکت دارند. همسر حاج سیف اله خانم ناز دختر کربلائی لطف اله فرزندان طیبیه و حبیبیه میباشدند. عیال حاج امراله گوهر دختر معصومعلی پسر خدانظر مرادی و مادرش نزاکت است. عیال عین اله بدری دختر حاج ابراهیم مرادی است. عیال کربلائی لطف اله عذرا دختر احمد مرادی (ده باشی) فرزندان معصومعلی درجه دار بازنشسته ارتش و حسین و سهراب و حاج صمد، صفر، خانم ناز، ماه ناز، فلک میباشد. عیال معصومعلی جهان آرا دختر کربلائی ابوالفتح کریم آقائی فرزندان یوسف، عزیز، رقیه، پری تاج، شاهرخ، خرم تاج، شهلا، کورش است. عیال یوسف زهره دختر سرهنک حشمت اله کریم آقائی و عیال عزیز عالم تاج دختر جمشید پسر کربلائی ابوالفتح. رقیه عیال منوچهر پسر جلیل صفری. پری عیال پسر محمد پسر کربلائی خانمیرزا خالقی. خرم تاج عیال محمود پسر صفرخان پسر خانجان (بیرامی). عیال حسین دختر آقا سیدمصطفی پسر آقا سیدعلی و عیال سهراب مهین دختر محمد پسر کربلائی خانمیرزا است (سهراب در کار معاملات ملکی و چون در کار خود متبحر شده باو مهندس خطاب میکنند و این تیتیر مهندسی افتخاری را محلی ها باو هدیه کرده اند!). عیال حاج صمد دختر زکی خان گله زن. عیال صفر دختر ملا چوپانعلی کامفیروزی است. فلک دختر کربلائی لطف اله عیال علی حسین پسر عبدالخالق پسر مراد شاهسون است (گل اندام دختر مشهدی علی پسر معصومعلی عیال عطا پسر فتح اله پسر محبعلی محبی است). پسران سیدعلی بنام سید مصطفی و سیدمحمدعلی (سیدممل) سید مرتضی دارای نام خانوادگی سامی هستند و ضمناً با فامیل حیدری و بایقلی وصلت کرده اند. مشهدی علی و کربلائی لطف اله نام خانوادگی کریم آقائی اختیار نموده اند. (ماه ناز دختر کربلائی لطف اله عیال جلیل پسر عبدالرسول صفری است).

**خالقی - محمدآقائی - صفری -** اولاد صفر عربشاه هستند: اله وردی پسر صفرشاه پسر عربشاه فرزندان بنام محمد، قاسم، کاظم و علیمحمد داشته. محمد پسر اله وردی عیال او کربلائی گلستان دختر حاج عبدالله بزرگ (خواهر حاج غلامرضا بوده) پسرانش غلامحسین و عبدالحسین، عبدالحسین عیال او سمنبر دختر آزادخان دختر زاده حاج عوضعلی (سمنبر و زهره که عیال حاج ابراهیم پسر حاج عبدالله بوده هر دو خواهر بوده اند). فرزندان عبدالحسین فرج اله و حاج حسین و زلیخا و جهان افروز و خانم کوچک و نازا بوده است. فرج اله دو عیال اختیار کرده یکی شهربانو دختر حاج عبدالرحمن مادر حنیفه عیال مشهدی غلامحسین پسر حاج یارویس و عیال دیگر او فاطمه دختر خدانظر پسر کربلائی خان بابا پسر اکبر بیگ پسر عبدالرحمن بیگ پسر بر خوردار پسر عربشاه است.

مرحوم فرج اله محمدآقائی مردی بود مطلع باهوش و از بس حافظه تاریخی داشت به تاریخ ناطق معروف شده بوده. محلی ها برای اینکه بدانند اجدادشان کیست باو متوسل میشدند و او هم آنها را مایوس نمیکرد و در هر حال تا آنجا که حافظه اش اجازه میداد اطلاعاتی در اختیارشان میگذاشت. فرزندان بنام عبدالحسین، بهرام، پروین، رودابه، زری دارد. عبدالحسین افسری لایق و با استعداد و جدی و مطلع در نتیجه تلاش و کوشش تحصیلاتش را تا حد لیسانس رسانید. در حال حاضر قسمت اسناد و آمار تاریخ پنجاه ساله سلطنت خاندان پهلوی از وجودش استفاده مینمایند. همسر او زیبا دختر علی باز حاتم پور (دخترزاده کربلائی حیدرعلی حیدریان). فرزندان بنام فروغ، آرمان، بهنام دارد. پسر دیگر فرج اله بهرام که ایشان نیز افسر ارتش و دارای هوش و استعدادی خوب میباشد با دختر فقیه دشتستانی ازدواج نموده

فرزندانش سپیده و سیامک. دختران مرحوم فرج اله پروین همسر قلندر محب پور و رودابه عیال صفر علی علی قنبری و زری همسر داراب پسر حاج علیرضا خالقی است. حاج حسین پسر عبدالحسین دارای پسری بنام شیرزاد بوده که همسر او دختر طرلان دختر سبز علی پسر علیشاه پسر عربشاه بود بنام مریم و دختری داشت بنام ماه زینب که همسر غلامحسین پسر ملک حسن بود (ملک حسن پسر غلامحسین برادری هم بنام علی حسین داشته دختر علی حسین عیال رحیم و مادر حاج عادل خان و دختر غلامحسین عیال حاج علی پناه بود) قاسم پسر اله وردی پسر صفرشاه فرزندان عوضعلی و باباخان. عیال عوضعلی دختر محمد پسر اله وردی فرزندان حاج یارویس مردی مهمان نواز و با اکثر خوانین قشقائی خصوصاً عبدالله بیگ فارسیمردان و اولاد او ارتباط دوستی داشته. حاج یارویس دو عیال اختیار کرده یکی دختر مشهدی قربانعلی خوبیار از او پسری بنام مشهدی غلامحسین داشت. مردی متین و معقول بود عیال مشهدی غلامحسین حنیفه دختر فرج اله محمد آقائی فرزندان بنام شیروان، شیرخان، جواد، گل تاج، ماهرخ دارد. گل تاج همسر رحیم پسر حاج عادل خان و عیال شیروان دختر محمدرضا پسر قره خان جمشیدی است. شیروان دیپلمه و آموزگار فرهنگ است. عیال دیگر حاج یارویس دختر حاج ربیع فرزندی بنام هدایت دارد. پسر دیگر قاسم پسر اله وردی باباخان فرزندان کریم و رحیم و ایاز. فرزند کریم مشهدی باباخان فرزند او بیژن که با اشرف دختر غفارخان عبداللهی ازدواج نموده. همسر رحیم دختر اله نظر جهانشاهی فرزندی بنام عیدی محمد دارد. کاظم پسر اله وردی فرزندش کوراوغلی عیال او جهان افروز دختر عبدالحسین فرزندان سیمما، باختر، فاطمه، خیرالنسا، عسکر (نازا دختر عبدالحسین خواهر جهان افروز همسر ایازخان عبدالهی بوده است) سیمما دختر کوراوغلی بعد از فوت نازا با ایازخان ازدواج مینماید. باختر دختر کوراوغلی ابتدا عیال محمد ابراهیم پسر مشهدی علی اکبر کریم آقائی بوده و بعداً عیال حیدر محب پور میشود. خیرالنسا عیال ولی پسر رحمن خالقی بوده است. علی محمد پسر اله وردی فرزندان خالق و رحمن و گلنار و ماه ناز.

فرزندان رحمن، صفر، خانمیرزا، ولی، خانمحمد، نجات. فرزندان صفر، بلقیس و بشارت. فرزندان بشارت صفر، نگهدار، نازی. خانمیرزا دو عیال اختیار کرده یکی سمبیر دختر علی زمان (خواهر حاج غلام) از او فرزندی بنام حاج علیرضا و محمد دارد. عیال حاج علیرضا ماه نسا فرزندان داراب و حاجیه بی بی. عیال داراب زری دختر فرج اله محمدآقائی فرزندان شاهرخ، زلیخا، فرح، شهنام. عیال محمد پسر خانمیرزا گلندام دختر صدراله محبی فرزندان سیروس، حبیب، مصطفی، مهدی. عیال دیگر خانمیرزا بنام مطا دختر آقا میرزا سامی وند فرزندان سیاه و رضا. عیال ولی پسر رحمن پسر علیمحمد پسر اله وردی خیرالنسا دختر کوراوغلی فرزندان علی آقا و نوری جان. عیال علی آقا ماه صنم دختر مشهدی ابوالحسن سامی فرزندان لهراسب، وفادار، علمدار، ولی، مهرزاد، ناهید، زهره. لهراست که دیپلمه و کارمند گمرک میباشد عیال او سیمین دختر سعدی عبداللهی فرزندی بنام مازیار دارد. سیمین دختر علی آقا عیال علیمحمد پسر شکراله و ناهید عیال علی حسین علیمردانی است. فرزندان محبوبه و بابک. نوری جان دختر ولی عیال شکراله میباشد. همسر عسکر پسر کوراوغلی هما دختر خانمیرزا فرزندان بهروز و ثریا و خورشید و بهنام، جیفور، مهتاب. آفتاب عیال سیاه پسر خانمیرزا شهناز دختر حمزه و عیال رضا خدیجه از اهالی قصرالدشت است. خانمحمد دختری بنام سودابه دارد که عیال امان اله بوده. پسرش خالق است. نجات پسر رحمن فرزندی بنام شکراله و عیال شکراله نوری خان دختر ولی و فرزندش علیمحمد است که دیپلمه و در قسمت بهداشت کار میکند و طبع شعری هم دارد عیال او سیمین دختر علی آقا. فرزندان دیگر شکراله، اله وردی، نجات، برات و شمسی و قهرمان است. گلناز دختر علیمحمد پسر اله وردی عیال علی زمان اردکیان قشقائی بوده که ضمن فامیل زمانپور توضیح میدهم (اولاد محمد و قاسم و کاظم پسران اله وردی نام خانوادگی محمدآقائی یا آقائی و اولاد علیمحمد پسر اله وردی نام فامیلی خالقی اختیار نموده اند).

از اولاد صفرشاه یکی هم بنام خلیل بوده فرزندان بنام فتح اله و کاکاجان داشته است. فرزندان فتح اله نصراله و علی سینا. عیال نصراله رقیه دختر شیرزاد پسر علی بیک محمود بیک از طایفه پاشائی ایبوردی فرزندان بنام کریم و کمال دارد. عیال کریم بلور دختر شاه علی مرادی فرزندان نورمحمد و گل محمد، شیرمحمد، رقیه، نازیلا، سیمین، جانمحمد میباشد. عیال کمال پروین دختر کربلائی مصطفی پسر مشهدی اسمعیل (اقلیدی) فرزندان زری، مهوش، زهرا، مریم، فروزان، جمال، جاوید است. عیال علی سینا پسر فتح اله صغری دختر کاکاجان فرزندان بنام قریب و خلیل دارد هر دو در شهربانی هستند. قریب از درجه داران رشید شهربانی و نسبت به فامیل مهربان و متعصب است. فرزندان کاکاجان مرتضی (خیلی دلور و رشید بوده است) کوچعلی، عبدالرسول و عباس و صغری و معصومه.

فرزندان عبدالرسول جلیل و عباس که جلیل استوار شهربانی عیال او ماه ناز دختر کربلائی لطف اله و فرزندان زرین تاج، جانمحمد، کاکاجان، جواد، اصغر، مریم، حجت است که عموماً اولاد خلیل نام خانوادگی صغری گرفته اند. معصومه دختر کاکاجان پسر خلیل عیال رستم خان محب پور بود.

از اولاد دیگر صفرشاوند نجف پسر آزادخان بود پسرانش امان اله، هیبت اله، بیرامعلی. همسر امان اله عذرا دختر مشهدی حسن (برادر خلیل) فرزندان آقا حسین و حسن. عیال آقا حسین که بازنشسته شهربانی است گوهر دختر کربلائی علیمحمد خان پسر مشهدی علی اکبر کریم آقائی فرزندان حمید، امان، شهین، ژاله، ژیللا، فرح، فخری. عیال حسن عالم بها دختر ابوطالب گویمی میباشد فرزندانش بهبود، محمد، ماشاءاله، سعید و از عیال بوشهری داریوش و شیرین از عیال فسائی شاپور، اکبر، میترا. شیرین عیال محمد صغری پسر صفرخان.

هیبت اله پسر نجف دو عیال اختیار کرده یکی از فارسیمدانها که فرزندی بنام احمد دارد و عیال دیگر او از اهالی کشن است فرزندی دارد بنام محمود خیره که مدیر مغازه لذیذ شیراز است دارای فرزندی بنام رحیم و عبدالرحمن و مسعود میباشد. محمود خیره در مدیریت هتل ورزیده و مدتها در پارک سعدی و بعداً هم خود مستقلاً یکی دو هتل از قبیل هتل ساحل شیراز و بوشهر را اداره میکرد. فرزندان او نیز تحصیل کرده خارج و آلمان هستند.

بیرامعلی فرزند نجف عیال او رقیه فرزندی بنام عزت اله و خانم نسا داشت. عیال عزت اله ابتدا زهرا بود. از او دختری بنام زبیده دارد که عیال غضنفر پسر علی عباس است بعداً با کربلائی شهنواز ازدواج نمود پسری بنام احمد دارد. رقیه مادر عزت اله دختر ملالطفعلی برخورداری بعد از بیرامعلی با عسکر پسر بابک باصری ازدواج نموده پسری بنام حاج خیراله درجه دار بازنشسته شهربانی دارد. عیال حاج خیراله متعدد است که فعلاً بذکر یکی از آنها بیشتر نمی پردازیم و مقال هم گنجایش بیش از این ندارد. عیال او که ابیوردی است خاتون دختر عرج پسر ابراهیم خویباری میباشد. فرزندی بنام فتاح افسر شهربانی و بابک و عسکر دارد. عیال فتاح سیمین دختر علی زمانپور است (زهرا عیال عزت اله قبلاً همسر آقا علی پسر ملالطفعلی بوده است) (نجف که باو عمو نجف هم میگویند مردی ظریف و بذله گو بوده و معروف است که با لباس درویشی بین ایلات میرفته و هر کجا که میرسیده هوق گویان میگفته است: مولا یار عمو نجف).

ملک حسن پسر غلامحسین عیال او فاطمه دختر خدانظر مرادی (با عبدالمناف شجاعی خاله زاده هستند) پسرش غلامحسین. عیال غلامحسین ماه زینب دختر شیرزاد پسر حاج حسین پسر عبدالحسین فرزندی بنام محمدآقا، حسن آقا، شیرزاد (مهدی) دارد. حسن آقا درجه دار شهربانی بسیار فعال و جدی است در حین خدمت تحصیلات خود را پایه دیپلم رسانیده. عیال او نسرین دختر حاج حبیب اله جهانشاهی فرزندی بنام غلامرضا دارد. محمد آقا شغل آزاد دارد.

عیال او بنام ایران از اهالی حوالی طهران فرزندی بنام انوش دارد (انوشیروان). شیرزاد یامهدی دارای تحصیلات لیسانس و در بوشهر دبیر دبیرستانها میباشد. عیال او خجسته دختر سلیمانی ملایری است. فرزند او مانا شیرزاد ذوق و طبع شعر داشته اشعار جالبی از غزلیات و نوپردازی دارد. مجموعای بنام «بادها زوزه کشان میمیرند» بطبع رسانیده است. یکی از غزلیات او را در اینجا ذکر میکنیم:

(غزل)

بعد عمری غم سرخوردگی و دربدری	حاصل آمد فرجی بازگشادند دری
قسمت این بود که لطفی بکند از سر مهر	بر من سوخته دل چون تو بت سیمبری
دل به پیوند تو بستم چو بدیدم که تو نیز	بر من و زندگیم از همه دلبسته تری
باده سرخ لببت چونکه گشود عقده دل	گو فروشند بمن جمله بتان چوب تری
با گل روی تو همیشه بهار است اینجا	کاش کاین باغ تنت نیز بر آرد ثمری
خسرو قصرنشین هیچ ندانست ز عشق	که ز شیرین زده شد بست دل اندر شکری
گر همه شهر پرچهر شوند و بت مست	جز تو ای خوبترین یار نخواهم دگری
ای گرانمایه ترین گوهر یکدانه عشق	مثل من خوبتر این است که بی سیم و زری

مرحوم غلامحسین پسر ملک حسن خود نیز اشعار ترکی و محلی را خوب میسرود و طبع شعر داشته است و گویا این طبع شعر موروثی بوده باشد. پدر ملک حسن نیز غلامحسین بوده است.

**خشامن** - کاکاجان اصلاً از صالحی های حسن آباد چهاردانگه و باصری است و در اقلید سکونت داشته است. سالهاست اولاد او به ایبورد شیراز آمده. فرزندان محمدخان و داراب خان و ابراهیم و زیور. احمدخان نام خانوادگی او خشامن فرزندان بهرام و احمد و آذرمیدخت و فاطمه که بهرام مهندس تراشکار در شرکت نفت آبادان مردی متین و شایسته است. همسر او شهین دختر کریم آقا کریم آقائی و فرزندی بنام شهرام دارد. احمد عضو هواپیمائی کشوری است. آذرمیدخت عیال ناظمی اقلیدی و فاطمه عیال مهندس باقر سعدآبادی میباشد. داراب خان پسر کاکاجان نام خانوادگی او افشاری فرزندان سهراب لیسانس در هواپیمائی و محمود در شرکت نفت و عباس مدیریت کودکستان را دارد. ابراهیم پسر کاکاجان دختری داری که عیال گودرز پسر حیدر محب پور است و زیور دختر کاکاجان عیال حیدر محب پور بود.

**خوبیاری** - این فامیل معروف است که اصلاً چهارده چریک میباشد و از طوایف وایلات مهم که زمان قباخ قلیخان جزو جمع ایبوردی بوده است. محل زندگی آنان بلوک کامفیروز و در مورد قدرت و نفوذ افراد برجسته چهارده چریک چنین گفته شده هنگامی که در سنه ۱۲۳۴ هجری قمری فرمان ایلخانگیری ایل قشقائی از طرف خاقان مغفور فتحعلی شاه قاجار بنام جانی خان جد اعلائی خوانین قشقائی صادر میشود خان مزبور برای بسط و توسعه نفوذ خود ابتدا با دختر اسداله خان چهارده چریک که در کامفیروز دارای علاقجات ملکی بوده ازدواج مینماید که فرزندی هم بنام حسینقلی خان (حاج حسینقلی خان) از او بوجود می آید و چون چهارده چریکها هم خیلی مقتدر بوده اند و مطیع و منقاد قشقائیها نمی شدند بعد که جانی خان با نازلی بی بی خواهر محمدآقا و حسن آقا جد خوانین کشکولی ازدواج میکند با کمک کشکولیهها چهارده چریک را هم تحت انقیاد خود بیرون می آورد و آنها را بین طوایف قشقائی متفرق میکند از جمله خانوارهایی که در آموغ متفرق و هر یک به محلی میروند همین فامیل خوبیاری هستند که متدرجاً در محل فعلی اقامت گزیده اند و بشرح زیر است:

اله نظر فرزندان سلیمان و سلمان و برادران اله نظر یکی قربانعلی و دیگری علی نظر. فرزندان سلیمان عبارتند از اسکندر و علی نظر و علمیرزا. پسر اسکندر اله نظر لیسانس و دبیر میباشد جوانی معقول و متین و عیال او ملک تاج دختر علی میرزا است. علی نظر فرزند سلیمان سرهنگ دکتر جراح میباشد. طبیبی است حاذق بسیار مهربان و فامیل دوست همیشه طرف توجه اولیای ارتش بوده و میباشد. عیال او مهرانگیز دختر علی اکبر کامیاب و از طرفی هم نوه حاج شکراله پسر محمدرضا عبداللهی است. فرزندان سوسن، ساسان (در آمریکا تحصیل میکنند) و سیامک که به تحصیل اشتغال دارند.

مشهدی علمیرزا عیال او صفری (سارا) دختر کربلائی خانقلی فرزندان محمدرضا، آقارضا، سرونز عیال عباداله خوبیاری، ملک تاج عیال اله نظر، هما تاج همسر نسیم پسر ماندنی، گوهر تاج و قمر تاج میباشد. سلمان عیال او همایل دختر کربلائی بخشعلی (ازلرهای سی سخت) یک پسر بنام غلامرضا دارد که در آموزش و پرورش و جوانی است معقول و متین و یک دختر دارد (کربلائی بخشعلی یک دختر بنام خدیجه داشت و دو پسر بنام جعفر و صفر. ایشان در ایبورد مکتب دار و حق استادی به اکثر اهالی دارد).

ابراهیم پسرانش رضاقلی، حاجعلی، عرج که پسران رضاقلی تیمور استوار ارتش و صمد و صفر میباشد. عرج دختری بنام خاتون دارد عیال خیراله کریم آقائی است. امامقلی پسرانش میرزاقلی و بهزاد و خیرات و جعفر. پسر میرزا قلی مرحوم حاج محمد تقی زینت محراب و منبر بتمام معنی مردی پرهیزکار و متقی و خوش قلب در شادی و غم اهالی شریک بود (خدایش بیامرزد) دو عیال اختیار کرد یکی از اهالی سی سخت بویراحمد فرزندان بنام میرزاقلی و سکینه دارد که میرزاقلی صفات حسنه را از پدر میراث برده. عیال دیگر حاج محمدتقی نصرت دختر کریم پسر بختیار قرقلو (قرقلو از طوایف مهمی است که نادرشاه از این طایفه بوده و فعلا هم قسمتی از این طایفه در ایل قشقائی بهمین نام و کلاتر آن بابایگ از نواده زینلچی آقا میباشد) فرزندان او عبارتند از تاجی عیال اکبر آقا محبی پسر حاجی خان و مدینه و شاه عنبر و علی میباشد. بهزاد پسر امامقلی دختری بنام ماه زینب داشت که عیال الیاس گله زن بود و پسری بنام زکیخان دارد.

قربانعلی خویبیری عیال او دختر بس دختر حاج علی پاشا بوده که حاج علی پاشا پدر امیر قلی خان پدر امان اله خان پدر روح اله خان و عین اله خان و دکتر ایرج و صدراله خان قهرمانی است. فرزندان نادعلی و حاج بابا و کربلائی لیلا میباشد. نادعلی پسری بنام حجت دارد و حاج بابا فرزندان بنام قربانعلی و یعقوبعلی دارد. عیال یعقوبعلی زمان خانم و فرزندان ذبیح اله (فریدون) و وجیه اله و جهانگیر میباشد. ذبیح اله و وجیه اله هر دو از افراد فعال و شایسته فامیل و در شغل پیمانکاری هستند. عیال ذبیح اله دختر محمدقلی و عیال وجیه اله دختر اسکندر خویبیری است. حسینقلی فرزندان خانقلی، خداقلی، حسنقلی. پسران خانقلی حیدر، رجب، امراله، شکراله. فرزندان خداقلی مطلب، عباداله، گل جان است. عیال عباداله سروناز دختر مشهدی علیمرزا پسر سلیمان (عباداله در سازمان اتوبوسرانی است). حسنقلی فرزندان بهیه و مریم که بهیه همسر حیدر پسر کربلائی خانقلی است و مریم عیال میرزاقلی پسر حاج محمدتقی (مادر مطلب و عباداله فرزندان خداقلی از ایل دره شوری و مادر گل جان صفیه دختر علی پناه پسر محمدقلی خویبیری است). رجب پسر کربلائی خانقلی فرزندی بنام حسینقلی دارد. محمدقلی فرزندانش گرگعلی، علی پناه، علی برز. فرزندان گرگعلی محمدقلی و روح اله و اکبر که پسر اکبر بنام اصغر خویبیری از آموزگاران ممتاز و خوب و مدیر مدرسه راهنمایی در باجگاه است. فرزندان علی پناه سلطان و صفیه و فرزند علی برز حمزه میباشد. دختر محمدقلی پسر گرگعلی عیال امامقلی است فرزندان بنام ایرج و حسین دارد که عیال ایرج دختر مشهدی شهیدقلی جهانشاهی است.

**زمانپور** - علی زمان از طایفه اردکپان قشقائی با گلناز دختر رحمن پسر علیمحمد پسر اله وردی صفر شاوند ایوردی ازدواج نموده فرزندان بنام حاج غلام و کربلائی همت علی و نسیم (درویش) و زینب دارد. حاج غلام دو عیال اختیار کرد یکی بنام نرگس دختر اله نظر جهانشاهوند (جهانشاهی) که از او فرزندان بنام سردار، علی زمان، احمد و اختر دارد و یکی هم بنام شمسی خانم دختر حاج عبدالخالق نجات شیرازی که از او هم فرزندان بنام خسرو، تیمور، فرج، محمود، توران، ایران، زری و پوران دارد. عیال سردار فرخ لقا دختر حاج حبیب اله خان جهانشاهی فرزندانش دکتر قباد، جواد، حسن، حسین، بهرخ، ماهرخ میباشد. بهرخ عیال سرگرد ستوده پسر ملا چوپانعلی کامفیروزی است و ماهرخ عیال غلامحسین پسر حاج امان اله دولت محمدلو قشقائی (نوه مهدی خان عبداللهی) است. عیال علی زمان پریش دختر کربلائی فتح اله جهانشاهی فرزندانش منیژه، بهمن، سیمین، شراره میباشد که منیژه همسر نبیل آقا (صفدر) حیدریان و سیمین عیال ستوان فتح پسر حاج خیراله کریم آقائی است. عیال احمد پسر حاج غلام پروین فرزندی بنام محمدعلی دارد. عیال

تیمور فاطمه دختر حاج خلیل نجاتی فرزندش آرش میباشد. عیال خسرو و مهشید دختر دکتر حسین وجدانی (نوه دختری آقای صدرزاده وکیل اسبق مجلس شورای ملی) فرزندش طرلان و عیال فرج صدیقه دختر دکتر عبدالرحیم نجات فرزندانش میتا، بابک و عیال محمود باربارا آمریکائی و فرزندش مارک است. زری دختر حاج غلام عیال محمد مغیثی قاضی دادگستری فرزندانش داراب، لاله، لادن و پوران دختر حاج غلام عیال مهندس کورش جهانشاهی است فرزندانش ساسان و سپیده و ایران دختر حاج غلام عیال مهندس رسول شهلائی فرزندش مسیح و اختر دختر حاج غلام عیال مرتضی پسر محمد حسین کریم آقائی.

کربلائی همت علی پسر علی زمان (برادر حاج غلام) فرزندانش حاج عزت اله و مشهدی اسد و هیبت نام دارند. فرزند مشهدی اسد نصیب اله عیال او صغری دختر ماندنی است. نسیم (درویش) پسر علی زمان فرزندش ماندنی که پسری بنام نسیم دارد. عیال او هماتاج دختر مشهدی علی میرزا خوبیاری و یک دختر دارد بنام صغری که عیال نصیب اله پسر مشهدی اسد است. نازی (زینب) خواهر حاج غلام عیال کربلائی علیرضا جمشیدی است.

**سامی** - اولین خاندانی که در محل ایبورد شیراز ساکن شده و بنیاد خانه گذارده اند سامی وندها بوده اند (۱۲۹۳ هجری قمری). جمعه فرزندانش حاج نور علی سلطان، حاج خیرعلی، حاج شاه محمد، کربلائی یارمحمد و برادر جمعه که حاج جانمحمد بوده است.

فرزندان حاج نورعلی کربلائی صفیه (کربلائی دلبر) عیال کهندل خان اعتمادنظام پسر حاج علی کرم خان شجاع نظام و کربلائی کوکب عیال نجفقلی خان سامی و پسر حاج نورعلی شکراله خان بوده است. حاج خیرعلی پسرش پیرمراد پسر پیرمراد سرگرد علی شجاعی از افسران رشید و در ضمن با ذوق و بذله گو. حاج شاه محمد عیال او گلابتون دختر مشهدی علی اصغر بر خورداری فرزندانش روح اله و حاجیه زیور که فرزندان روح اله دادرس (نوشاد) عضو شهربانی و ایرج و روح انگیز. عیال دادرس جیران دختر کربلائی ابوالفتح کریم آقائی و روح انگیز عیال قهرمان پسر محمد امین خان کریم آقائی است. حاجیه زیور دختر حاج شاه محمد همسر حاج مسیح سامی میباشد.

حاج جانمحمد برادر جمعه عیال او سکینه از اهالی دشمن زیاری فرزندانش کربلائی حبیب و کربلائی رسول و نورمحمد و گل عنبر. عیال کربلائی حبیب عطری دختر بختیار قرقلو. فرزندش عزت اله عیال عزت اله گوهر دختر ملاحمه (ابتدا نصرت دختر کریم پسر بختیار عیال عزت اله بود) فرزندان او حبیب، رسول، سارا، عطری، بدری، هما میباشد که عطری عیال مراد کریم آقائی است. عیال کربلائی رسول عطری بود (بعد از فوت کربلائی حبیب عطری با کربلائی رسول ازدواج نموده است) پسرش محمد آقا سامی همردیف افسر شهربانی است. گل عنبر دختر حاج جانمحمد عیال محمد امین خان کریم آقائی میباشد. محمدبیگ بنام آقاجان وکیل باشی از طایفه سامی وند است که با این فامیل ابتدا در ایبورد خانه ساخته است.

حاج اسدبیگ فرزندانش کربلائی غلامحسین و رستم خان و جهانگیر. فرزند کربلائی غلامحسین عبدالحمید اسدی عضو عالی رتبه راه آهن عیال او ملوک خانم دختر محمدحسن خان سالار مسعود قهرمانی فرزندانش ایرج افسر ارتش و جمشید و مجید، منوچهر اسدی است. جهانگیر عیال او فاطمه دختر نادعلی خان شجاعی فرزند بنام عشرت دارد که همسر یوسف خان سامی است.

محمد رفیع فرزندش حاج خداوردی سامی فرزندانش عیدی محمد، قدرت اله، عزیز. عیال عیدی محمد حبیبه دختر عوض پورمندی فرزندانش حسین، حاج حسن، عباس. عیال قدرت اله گوهر دختر ملاحمه (بعدها با عزت اله سامی ازدواج نموده). حاج حسن پسر عیدی محمد در شیراز خیابان زند خواربارفروشی معتبری دارد.

غلامرضا بیگ فرزندانش علیرضاییگ، رحیم بیگ. فرزندان علیرضا بیگ یوسف، ابراهیم، اسماعیل، خانم بلقیس. یوسف خان سامی از کارمندان عالی رتبه آموزش و پرورش علاقمند به مطبوعات با سواد و فعلا هم که بازنشسته است ارتباط خود را با فرهنگ و دانش قطع نکرده نمایندگی جراید مرکز را در بوشهر دارد و همچنین نماینده هواپیمائی ملی است. عیال او عشرت خانم دختر جهانگیر بیگ سامی و نوه کربلائی نادعلی خان شجاعی از بانوان فاضله و عضو سازمان زنان است. پسران یوسف خان بهمن و شهریار و سیاوش و اباذر و غلامرضا و دختر او فاطمه که عیال شاپور کامیاب میباشد. ابراهیم پسر علیرضا بیگ مدتها رئیس دبیرخانه دانشکده حقوق طهران بسیار فعال و جدی است. اسماعیل خان پسر علیرضا بیگ عضو عالیرتبه آموزش و پرورش دارای مشاغلی حساس میباشد. خانم بلقیس دختر علیرضا بیگ عیال مرحوم شجاع نظام بود. بعداً هم با غفارخان پسر عبدالمجید عبداللهی ازدواج نمود. رحیم بیگ سامی از توپچی های معروف و قدیم ایبوردی در بوشهر بود. پسرش مجید سامی پزشک ژاندارمری و صغری دختر رحیم بیگ عیال حاج محمد حسین حسن بیگی برخوردار و دختر دیگر رحیم بیگ همسر قاسم خان پسر کربلائی محمد علیخان شجاعی بود.

رئیس نبی سامی وند فرزندانش محمود، خداکرم، مراد، کوچکعلی، صالح فرزندان محمود نبی و حاج مسیح. عیال حاج مسیح حاجیه زیور دختر حاج شاه محمد فرزندانش محمود، سعدی، احمد، زیبا، هادی، علی پناه، اختر، زکی. محمود سرپاسبان شهربانی در واقعه ای ناگوار شهید شد.

عیال محمود فخری دختر منصور جهانشاهی فرزند بنام سروش دارد. فخری بعد از محمود با سعدی ازدواج نمود. فرزند او رامین است. عیال احمد پری گل دختر حسام آدمیت فرزندش الیزابت. زیبا دختر حاج مسیح عیال قباد پسر زیادخان مرادی و اختر عیال دادرس (نوشاد) پسر مشهدی روح اله پسر حاج شاه محمد. دادرس عیال دیگری هم بنام جیران دارد. فرزند او از اختر بنام حسین است. هادی پسر حاج مسیح دانشجو و در امریکا تحصیل مینماید. فرزند نبی پسر محمود علی میباشد.

خداکرم پسر رئیس نبی عیال او کربلائی صغری دختر حاج عبدالرحمن برخوردار (خواهر علی قلی بیگ) فرزندش نجفقلی خان همسر او کربلائی کوب دختر حاج نورعلی خان سلطان فرزند او هوشنگ و نصرت و دختر دیگری که همسر سیاوش حیدری است. هوشنگ پسر نجفقلی خان از کارمندان عالی رتبه آموزش و پرورش به ادبیات علاقمند و اکثراً اشعار شعرا را حفظ دارد. مردی است متین و مهربان نماینده آموزش و پرورش مرودشت میباشد. عیال او ملکی جان دختر حاج محمد حسین کریم آقائی است. نصرت دختر نجفقلی خان همسر ناصر جهانشاهی پسر کربلائی علیمراد میباشد.

کوچکعلی پسر نبی عیال او عطری دختر بختیار قرقلو فرزندش محمدعلی است. فرزند محمدعلی اشکبوس است که همسر او صغری دختر محمد آقا حیدریان میباشد. صالح پسر رئیس نبی پسرش حاتم بیگ همسر او زبیده خانم که



فامیل او را بنام قزی خانم مینامیدند. در اینجا چون اجداد این بانو به قباخ قلیخان پسر بابا علی بیگ ایبوردی منتهی میشود که پدر زن نادرشاه افشار بوده و از شخصیت های مهم می باشد لذا نسبت نامه بانو زبیده را مشروحاً بیان مینمائیم: محمدعلی بیگ ملقب به قباخ قلیخان پسر باباعلی بیگ پسرش حاج بیرم شاه خان پسرش عرب شاه خان ایل خانی (حاج بیرمشاه خان را محمد صالح خان هم نوشته اند). عربشاه خان فرزندان بنام سعدی خان، حاج قهرمانخان، آقاخان یا عربشاه دوم، نعمت اله خان و هیبت اله خان داشته (اولاد حاج قهرمانخان را ضمن فامیل قهرمانی ذکر مینمائیم). فرزندان آقاخان محمد علیخان (معروف به خانه شهری) حسنعلی خان، علیخان، مصطفی قلیخان، و سه دختر آقاخان. عیال محمدعلیخان حاجیه بی بی پسرش علی قلیخان قباخ قلیخانی مدتی ضابط و ایلخانی ایبوردی بوده بعداً که این ایل رو به ضعف می رود از ایلخانیگری دوری جسته به مباشرت کارهای میرزا احمدخان مؤیدالممالک بیگلربیگی میپردازد و باحتمال قوی مدتی مؤیدالملک سمت سفیر ایران را در پاریس داشته و سفر علی قلیخان بفرانسه که قبل از سال ۱۳۱۲ هجری قمری اتفاق افتاده و موجب شده که هفت سال در آنجا بماند برای معاونت سفیر بوده است. علی قلیخان مردی روشنفکر و در دوران خود متجدد بوده است. عیال او فاطمه بی بی دختر محمد شریف بیگ پسر رضاخان پسر مسلم بیگ پسر غلامرضاییگ باصری که مادر فاطمه بی بی هم شاه عنبر خاتون دختر محمد صالح بیگ کلانتر طایفه صالحی باصری بوده است. پسر علی قلیخان محمد صادقخان و دخترانش بلقیس خانم و زبیده خانم بوده که عیال همین حاتم بیگ سامی وند بوده است. محمد صادقخان نیز مدتی ضابط و خان ایبوردی بوده بعداً وارد دستگاه سردار عشایر (صولت الدوله) میشود و چون ابراز لیاقت مینماید همین امر باعث میگردد که در بلوا و فتنه عسکرخان عرب محل زرقان را که ابوابجمعی مرحوم صولت الدوله بوده بعهدده محمد صادقخان بسپارند تا از تاراج در امان باشد و نامبرده بخوبی از عهده این کار بر می آید و عسکرخان عرب را شکست سختی میدهد و عسکرخان فرار را برقرار ترجیح داده و بدون اینکه بتواند از جدول زرقان پا را فراتر بگذرد بسواران خود دستور عقب نشینی میدهد. مرحوم محمد صادقخان مدتی هم با مرحوم حاج میرزا لطف اله محرر در امور زراعتی زرقان همکاری داشته است.

فرزندان حاتم بیگ عبارتند از خانم زمان همسر حیدرخان مؤمن خانی پسر نایب نوروز فراشباشی فرزندش ناصر و افسر خانم همسر اسحق بیگ کریم آقائی و حاجیه صغری خانم عیال کاکاخان بیگ اخوان و فاطمه خانم عیال حاج احمد علی جهانشاهی و رباب خانم همسر مرحوم حاج میرزا لطف اله محرر پسر آقا میرزا فضل اله پسر حاج میرزا محمود پسر حاج ملا احمد مجتهد پسر مشهدی محمود پسر حاج خلف پسر حاج شیخ عبدالله دورقی از طایفه بنی کعب. مرحوم حاج میرزا لطف اله از دانشمندان و فضلا و خوشنویسان و مردان نیکوکار و خیر بود. پرورشگاهی برای اطفال یتیم و بی سرپرست تأسیس که مدیریت آن بعهدده مرحوم کاکاخان بیگ اخوان بود در حال حاضر با همت فرزندش فضل اله محرر اداره میشود. فضل اله خان محرر و فرزند حاج میرزا لطف اله از مردان با دانش و فضیلت و تحصیلکرده و ادیب و خوش ذوق میباشد از شعر و موسیقی دارای بهره وافیه و همسرش از خاندان محترم جوکار و فرزندان بنام فریدون و مهرداد و فرشته و مینا دارد (فریدون و مهرداد در انگلستان به تحصیل اشتغال دارند) مقاله ای از آثار ایشان ذیلا درج میگردد.

## شکست

بود روزی که مرا بخت همی یاور بود  
ندیش و نوش و خوشی و رنج بشاط آور بود  
اندر آن اوج سعادت دلم از یأس شکست  
فارغ و عالمی از عشق نهان در سر بود  
ناگهان باد زمانه ورق عمر مرا  
پشت و رو کرد چو پایان شکوه و فربود

مسافری که در شیراز باروبنه اش را پیچیده و پاسپورتش را آماده کرده عازم لندن بود سر انجام آماده حرکت بطهران شد و قصد داشت چند روزی در طهران بماند چون دست تقدیر برایش در آنجا صحنه ای ترتیب داده بود. او می خواست برای آخرین بار در طهران بخت خود را بیازماید و با همه شکست هائی که در عشق خورده بود، چون در موارد دیگر زندگی بر شکست غلبه کرده و خود را شکست ناپذیر!! میدانست و معتقد بود که در مورد عشق هم بالاخره بر شکست غلبه خواهد کرد! از این رو از اینکه چند روزی برای این کار در طهران میخواست بماند اندکی احساس شادمانی میکرد. ولی در این احساس یک حالت بهت و تردید و تعجب و یأس وجود داشت و پیوسته از خود می پرسید: چطور این زن با شرایطی که من دارم حاضر بزنگی با من شده است؟! مسلماً اگر این توقف چند روزه در طهران عملی نشده بود این مسافر مسیر زندگیش همان مسیر و رویه شکست ناپذیر باقی می ماند. اما دفتر حیاتش ورق خورده و فصل جدیدی آغاز شده بود که این توقف مقدمه آن بود و می بایست حتماً عملی میشد. در طهران، در کینگز هتل برایش اطاق رزرو شده بود. این مسافر بطهران رسید و به هتل رفت و به سویت اش راهنمائی شد ولی هرگز نمیدانست که با پای خود همچون یک قربانی داخل مذبح خود گردیده است و . . . . در همین محل بود که . . . تمام وسائل برای فنای شخصی شکست ناپذیر این مسافر فراهم آمد! او ندانسته باین محل آمد و در همین جا همه چیز خود را یکباره از دست داد این محل فرقی با جاهای دیگر نداشت ولی آنچه در خارج اتفاق افتاده نتیجه آن در اینجا بظهور رسید. این مسافر شکست ناپذیر در همین محل طعم شکست واقعی را چشید! او با یکدنیا اتکاء بنفس که حاصل یک عمر نبرد و ابراز شجاعت و شهامت بود و با آنچه که چکیده تجارت یک زندگی پر ماجرا بود! وارد یکی از سویت های این هتل شد و پس از شش روز هنگامی که از این سویت خارج میشد همه را باخته و از دست داده بود! او گول خورده بود و خود را محکوم به بی لیاقتی میکرد تا آنجا که زیر بار این ملامت شخصیتش خرد و متلاشی شد! او با همه چیز رفت با دست خالی برگشت و دیگر جنبنده ای بود ناطق. همین!!

اکنون هر وقت از جلو این هتل میگذرد زندگی گذشته اش را در نظر میآورد که همه را آنجا جا گذاشته خاطراتش از روزگار کودکی، رفقای مدرسه و نشست و برخاست ها و گشت و گذرها در آن محیط صمیمانه و بهار پر طراوت شیراز آنزمان، پس از ورود باجتماع زندگی ساده تحصیلی در طهران و دانشکده حقوق و بعد مبارزات و کشمکش های پی گیر، اراده تزلزل ناپذیر، ترقیات شگرف، شجاعت، تهور و بی باکیها تاپای جان برای عقیده خود، شهرت و افتخار، شبهای مهتاب و روزهای خوش خود، در زندگی آرام و محیط مزرعه، ابنیه و آثاری که از خود بوجود آورده، تجملات با شکوه و انواع وسایل تفریح از قبیل بهترین ماشین ها و اسلحه ها و قصر خود و بسیاری چیزهای دیگر که همه بی مصرف و بلا استفاده قرار گرفته بصورت افسانه در نظرش جلوه گر می شود و هرگز باور نمی کند که این موجود بی اراده کنونی

همان قهرمان افسانه ای است که روزی وارد کینگز هتل شد. این مسافر من بودم و این رازی است که برای همیشه سر پوشیده خواهد ماند!!

کار پروانه و من سوختن و ساختن است	همه شب تا بسحر در پی جان باختن است
راز این کار ز دیوانه پیرس آخر چیست	کاخ عمر از پی مقصود بر انداختن است
بخت چون یار نشد جان به فنا آماده است	چون بقا حاصل سازندگی و ساختن است

عیال مرحوم محمد صادق خان لیلا خانم فرزندانش معصومه خانم، خدیجه خانم، رقیه خانم. معصومه خانم قبل از رباب خانم همسر مرحوم حاج میرزا لطف اله محرر بود. خدیجه خانم زنی مومنه و متقی و بسیار نیکونهاد بود خدایش بیامرزاد. رقیه خانم عیال مرحوم میرزاخانی شیبانی از محترمین شیراز و مدتی هم رئیس انجمن شهر (بلدیه) و شهردار بود. از رقیه خانم فرزندی بنام هلی خانم دارد که همسر سرهنگ غلامرضاخان قهرمانی پسر مرحوم سالار مسعود است. رقیه خانم بعد از اینکه از آقا میرزاخانی شیبانی طلاق گرفت با مرحوم حسین آقا تاتار ازدواج نمود. محمد شریف بیگ پدر فاطمه بی بی عیال علی قلی خان (مادر محمد صادقخان) پسری هم بنام مصطفی بیگ داشت که او پدر طوبی خانم و سهرابخان باصری است که سهرابخان شهید ناکام شد. علی قلی خان از عیال طهرانی خود دختری هم بنام فاطمه خانم داشته است. در اینجا بد نیست اسمی طوایفی را که خوانین ایبوردی ایلخانگیری آنرا داشته ذکر نمائیم: اینانلو، اسلاملو، قره گوزلو، چهارده چریک (خوبیارها از این طایفه اند)، بهی یا بی (فامیل شجاعی ایبوردی بی هستند)، فارسی مدان، سلوکلو، سکز، نغز ال بکلو، قوتلی، میرحاج لو، حاجیوند، کریم آقائی، کمندی، سلمانی، چیان شیرازی، ازدهاکش، جزغانی، سامی وند، بابائی، تمبوئی، چلبی، قورد رحیم شمشیر.

حاج غلامرضا پسرش شاهرضا پسرانش کرم بیگ، پرویز، غلامرضا. آقا میرزا کرم بیگ از توپچی های خیلی رشید و شجاع ایبوردی بود. سه عیال اختیار کرد یکی بنام مشهدی سکینه دشمن زیاری دیگری بنام شاه صنم صفی خانی و یکی هم بنام مشهدی نازی از اهالی پای خاتون شیراز. از او فرزندان بنام کرامت اله گروهان ارتش، هدایت و فوزی دارد. کرامت پسرانی بنام حسین و اصغر دارد. فرزند هدایت اله عباس میباشد. گوهر دختر کرم بیگ عیال صفر پسر کربلائی بخشعلی (مکتب دار) و فوزی عیال محمد پسر حاجی بیگ فرزندان حسین و حاجی بیگ. عیال پرویز پسر حاج غلامرضا سامی وند جهان دختر مشهدی قلی بیگ شاهسون فرزندانش شاهرضا، فلامرز، کیامرث. عیال شاهرضا بانو سلطان دختر سیف اله علی قنبری (خواهر صفرعلی) فرزندان او غلامرضا، محمدرضا، خسرو، پرویز، فرخنده، شعله. عیال فرامرز زهرا دختر مشهدی کریم فرزندانش فریدون، داریوش، لیلا، مینا. عیال کیامرث مدینه فرزندانش حبیب، مسعود، کبری، علی. فرزندان آقا میرزا پسر حاج غلامرضا سامی وند طاهر میرزا و مطا، فرزندان طاهر میرزا، آقا میرزا و حجت، بیگم جان، سکینه. مطا دختر آقا میرزا عیال کربلائی خانمیرزا صفر شاوند میباشد از فامیل سامی وند مردی مؤمن و متقی و اهل محراب و منبر. مرحوم کربلائی اسماعیل پسر حاج رمضان بود. عیال حسین پسر عیدی محمد پسر حاج خداوردی شاه صنم دختر خانمیرزا بیرامی فرزندانش اسماعیل، محسن، پریوش، سوسن. عیال حاج حسن پسر عیدی محمد پسر حاج خداوردی سارا دختر عزت اله سامی پسر کربلائی حبیب فرزندانش جواد، طیبه و عیال عباس پسر عیدی محمد حاجیه دختر حاج دابری فرزندش افسانه.

غلامعلی پسرش شعبانعلی فرزندان ابوالحسن و غلامشاه. عیال مشهدی ابوالحسن حیا خانم دختر کربلائی جانمحمد باغ ارمی فرزندان شاپور، شهریار، رحیم، کورش، گودرز، بهزاد، شاه صنم، ماه صنم، دختر بس، فوزیه که کورش افسر ارتش و گودرز افسر ژاندارمری و رحیم دکترباشد. عیال غلامشاه خانم بی بی دختر کربلائی کریم برادر غلامعلی (عموی ابوالحسن) پسرانی بنام رحیم و لطیف دارد. ماه صنم دختر مشهدی ابوالحسن عیال علی آقا پسر ولی خالقی است.

**شجاعی** - این فامیل بهی یا بی و از طوایف مهمی بوده اند که با نادرشاه افشار بفراس آمده اند. شاه محمد صالح پسرش علی صالح خان فرزندان حاج علی کرم خان، نادعلی خان، محمدعلی خان، حسنعلی خان، حسینعلی خان، فاطمه خانم، شیرین جان میباشد.

حاج علی کرم خان مردی شجاع و رشید و دلیر و بی باک بود، در جوانی وارد خدمت توپخانه میشود با استعداد و لیاقتی که داشته مدارج ترقی را طی نموده و تا درجه میرپنجی (سرتیپی) درجه اول (این درجه از نوع عالی درجات توپچی ها و ارتش های آن زمان یعنی اواخر سلطنت مظفرالدین شاه بود) ارتقاء پیدا میکند. ابتدا حکومت بندر لنگه و بعد نایت الحکومه بوشهر و سپس بسمت حکومت بندر عباس منسوب میگردد. از طرف شاهنشاه ایران بواسطه ابراز لیاقت مورد تحسین واقع و به لقب شجاع نظام مفتخر و بهمین جهت فامیل و بستگان او نام خانوادگی شجاعی انتخاب و اختیار نموده اند.

مرحوم شجاع نظام در جنگ بین الملل اول و حمله کشتی های انگلیس مدبرانه طوری رفتار مینماید که قشون و نیروی دریائی انگلیس کشت و کشتار و آسیبی به بنادر وارد نمی سازند و حتی با وجودیکه قوای انگلیس زیاد بوده اند آنها را تهدید به مقابله و نبرد مینماید و پیاس این خدمت مورد توجه شاهنشاه وقت و دولت مرکزی قرار میگردد. در طول خدمت چندین مدال داخلی و خارجی از نوع عالی دریافت نموده.

در سال ۱۳۲۵ قمری در گیرودار مبارزه مجاهدین در راه اجرای مشروطیت که در شیراز ولار سید عبدالحسین لاری علیه دولت مرکزی قیام نموده و تقریباً خود را سلطان بی تاج و تخت میدانست یکی از ایادی او که حسین نام داشت و در نتیجه شرارت و قتل و غارت و کشت و کشتار و راهزنی در محدوده لار و بنادر لنگه و عباس به حسین کله کن معروف شده بود و مردم از دست او خواب و آرام نداشتند و از طرف سید اهرمی و سید عبدالحسین لاری تقویت میشد و باو لقب سپهسالار اسلام داده بودند با این وضع و حال مرحوم شجاع نظام با او به نبرد بر می خیزد و او را مغلوب کرده متواری میسازد و چند نفر از تفنگچیهای او را کشته جسدشان را برای عبرت سایرین در اسکله بندرعباس آویزان میکند. فرزندان شجاع نظام کهندل خان و جهان سلطان که کهندل خان نیز حکومت یکی از جزایر را بعهدده داشته و باو اعتماد نظام هم میگفتند. عیال او کربلائی صفیه (کربلائی دلبر) دختر حاج نور علی خان سلطان سامی وند بوده. جهان سلطان دختر شجاع نظام همسر آزادخان پسر حاصل بیک معروف به میرشکار بود فرزندانش تیمورخان، شمسی خانم، خانم کوچک. تیمورخان شجاعی پسر مرحوم آزادخان مردی دست و دلباز منیع الطبع و باسواد و مردمداراست بهمین جهت در امور تجارت نتوانست پیشرفتی حاصل کند و بلکه مواجه با شکست هم شد. در اداره کل اقتصاد بود فعلاً باز نشسته است. تیمورخان سه عیال اختیار کرد یکی بنام زینت خانم دختر سلطان احمد خان رفیعی تبریزی از او یک پسر بنام شاهرخ دارد که دارای تحصیلات عالی از خارج میباشد و یک دختر بنام دکتر پروین که همسر دکتر داریوش جهانشاهی است.

عیال دیگر تیمور خان دختر جلال الدین رئیس العلما بود فرزندان بنام مهندس خسرو و شیرین دارد. همسر دیگر تیمورخان از فامیل معمارباشی است که از او پسری بنام مهرداد دارد. شمسی خانم دختر آزادخان عیال یشمود خان و خانم کوچک همسر میرزا کریم خان پسر محمد حسینخان بود که محمد حسینخان برادر حاصل بیگ و عموی آزادخان میشد.

کربلائی نادعلی خان یاور توپخانه مدتی هم حکومت جزیره قشم را بعهدہ داشت. فرزندانش یشمودخان عضو عالی رتبه دارائی رئیس حسابداری شرکت خلار شیراز عیال او شمسی خانم دختر آزادخان فرزندانش محترم خانم همسر رحمت اله خان جهانشاهی و مهین خانم عیال سرهنگ امیر بهادر جهانشاهی میباشد [و دختران دیگرش اختر، افسر، اقدس، و ناهید میباشد]. مرحوم یشمود خان از عیال دیگرش فرزندی بنام بهرام دارد. جمشید خان پسر کربلائی نادعلی خان عضو عالی رتبه و بازنشسته دارائی است. همسر او دختر حاج علی کرم رحمت آبادی فرزند[انی]<sup>۱</sup> بنام غلام، [غلامرضا، ملک، شهلا، و مهناز] دارد.

عباس خان فرزند کربلائی نادعلی خان در اداره کل راه فارس است. رضاخان پسر کربلائی نادعلی خان بازنشسته آموزش و پرورش میباشد. فاطمه بی بی دختر کربلائی نادعلی خان همسر جهانگیر بیگ سامی [و پس از فوت او زن عبالمناف شد. فرزند دیگر نادعلی خان خانم بی بی که عیال عبدلواحد میباشد و فرزندان بنام افتخار و کیکاوس دارد] و زهرا بی بی همسر میرزا علی آقا شجاعی. محمد علیخان برادر شجاع نظام در توپخانه درجه سروانی (سلطانی) داشته. فرزندان قاسم خان عضو عالی رتبه بازنشسته بانک ملی ایران و جعفر میباشد. حسنعلی خان سلطان توپخانه عیال او ماه شکر دختر حاج علی پناه عموی نظر علی پدر کربلائی حیدر علی فرزند او آقا میرزا علی آقا شجاعی از صاحب منصبان عالیقدر وزارت دارائی همیشه دارای پستهای حساس و در شهرستانهای فارس و بنادر سمت ریاست دارائی و امانت مالیه داشته قبلاً نیز در اکثر نقاط جنوب رئیس گمرک بوده در موقع اختلافی که حیات داودی بر سر جزیره خارک وجود داشت آقا میرزا علی شجاعی مأموریت حل اختلاف را پیدا کرد و بالاخره جزیره خارک بتصرف دولت در آمد. مردی است ادیب و دانشمند، علاقمند به تاریخ و شعر و ادب نسبت به فامیل مهربان و متعصب است. عیال او زهرا بی بی دختر کربلائی نادعلی خان بود. فرزندان بنام اصغر آقا و کورش دارد. اصغر آقا عضو مؤثر شهربانی علاقمند به شعر و موسیقی عیال او دختر مرحوم روح الامین خائفی قاضی دادگستری (عمومی پرویز خائفی شاعر معروف) میباشد. کورش تحصیلات خود را در اطریش و سوئیس انجام داده. یکی از دخترهای آقا میرزا علی آقا بنام فرنگیس همسر عبدالصمد شجاعی پسر حسینعلی خان است و یک دختر دیگر او روح انگیز عیال نوشیروانی بهمن بیگی قشقائی عضو گمرک بوشهر میباشد. دختر دیگر میرزا علی آقا گیتی عیال محمد جلالی ثابت بوشهری است.

حسینعلی خان شجاعی برادر شجاع نظام در توپخانه درجه سلطانی (سروانی) داشته بعداً وارد خدمت گمرک گردید. فرزندان هادی خان، عبدالصمد، عبدالحمید، نصراله، محمود، [کبری و پروانه]، فرزند هادی خان افراسیاب و فرزندان عبدالصمد مهندس همایون و مهندس سعید، [فروغ، فروزنده، و فرزانه] میباشد. عبدالصمد شجاعی از کارمندان دانشمند و عالیقدر شهربانی و رئیس کارگزینی و فعلاً بازنشسته است. همسر او فرنگیس دختر آقا میرزا علی آقا است. فاطمه

۱ - تمام کلمات و اسامی آمده شده در [ ] جزو کتاب نیستند و توسط آقای عبدالصمد شجاعی در حاشیه کتاب گنجانده شده.

خانم دختر علی صالح (خواهر شجاع نظام) همسر حاج عبدالرحمن برخوردار و مادر علی قلی بیگ بوده. از شجاعی ها همدم پسر او علی میرزا فرزندان احمدخان عضو دانشمند و خوش ذوق و مهربان گمرک عیال او از اهالی و محترمین تبریز دخترش همسر کاوس خان پسر عبدالواحد شجاعی است. پسر دیگر علی میرزا عبدالمناف هم نیاز فرزندان [سهراب و] داریوش عضو اداره کار و بهرام دندانساز است. احمدخان و عبدالمناف و عبدالواحد پسران علیمیرزا میباشند. همدم پسر دیگری بنام علی بیگ داشت که فرزند [ان] او [عبداله و] آقا میرزا عبدالعلی خان عضو عالی رتبه گمرک بسیار با سواد خوش خط و متین و مورد احترام است. [وی از همسر اول خانم بهاء دارای] فرزند [انی] بنام منوچهر، [سیروس، پرویز، و بهزاد] میباشند. [از عیال دیگرش زمان کریم آقائی فرزندان بنام های شیرین، بهروز، فریده، و محمد میباشند.]

**عبدالهی** - این فامیل از ایوردیه‌های بابائی و جد آنها عبدالله پسر اسماعیل پسر عبدالله پسر اسماعیل معروف به حاج عبدالله بزرگ. بیلاق آنها حسن آباد و لاله گون سرحد چهاردانگه (شهرستان اقلید) و قشلاق آنها بلوک جره و فامور و حسین آباد سر مشهد.

عیال حاج عبدالله بنام پتر بود. فرزندان حاج غلامرضا، حاج اسماعیل، مهدی حبیب اله، حاج ابراهیم، گلستان، اصلی خانم. حاج غلامرضا عیال او گلستان از فامیل جهانشاهی ها فرزندان حاج شاهمیرزا، حاج آقا میرزا، محمد میرزا، محمدرضا، اصلی خانم، خانم جان، شیرین جان. عیال دیگر حاج غلامرضا فاطمه از صالحی های باصری حسن آبادی فرزندان او آقا رضا، عبدالرضا، علی میرزا، حاج نوراله، رحیمه، ملکی جان، بیگم جان، بلورجان، جانجان، بلقیس، گلشن. محمدرضا پسر حاج غلامرضا عیال او خاور دختر حاج اسماعیل فرزند او حاج شکراله مردی بود وارسته و نیک نفس و خوش سیرت زاهد و متقی عیال او عذرا دختر حاج آقا میرزا فرزندان محمدرضا، بهرام، احترام. محمدرضاخان در کار گاراژداری است مدتی محاسب مرحوم معمارباشی بود مردی است خوش طینت و مهربان. عیال او ملک لقا دختر میرزا شاهرضاخان قوام دفتر فرزندی بنام شکوفه دارد.

بهرام خان پسر حاج شکراله عضو عالی رتبه دارائی مردی است مهربان و مؤمن و بی ریا فعلاً بازنشسته بهداری (از دارائی به مبارزه با مواد مخدره منتقل شد). عیال او آسیه خانم دختر میرزا نصراله خان قهرمانی (معین دفتر) فرزندی بنام فرهاد دارد. احترام خانم دختر مرحوم حاج شکراله عیال علی اکبر کامیاب از صاحب منصبان عالیقدر دارائی مدتها در نقاط مختلف فارس مخصوصاً کازرون دارای پستهای حساس و اخیراً رئیس دارائی ممسنی بود. بافتخار بازنشستگی نائل شده مردی است دانشمند و علاقمند به مطبوعات و تاریخ و ادب و شعر است. نسبت به فامیل مهربان و خنده رو و بذله گوست. پدر علی اکبر کامیاب محمد حسین و مادرش منور خانم دختر مهدی جعفرقلی جعفرآبادی بیضائی است. پدر کامیاب با خواهر مرحوم جواد آزادی نماینده مجلس و مدیر روزنامه عصر آزادی نیز ازدواج نمود. پسری بنام هوشنگ دارد که عضو عالیرتبه بانک بازرگانی است و دو دختر دارد که پروین عیال آقا اسمعیل اسمعیل بیگی و دیگری پارس دخت عیال دکتر تویسرکانی بود. کامیاب بواسطه همین نسبتی که با مرحوم آزادی دارد به مطبوعات و جراید علاقه پیدا کرده میتواند گفت قفسه ای از کتابهای ارزنده برای خود فراهم آورده است پسرانی بنام حسین و حسن و کورش و دخترانی بنام مهرانگیز (مهری خانم) و زهرا دارد. حسین در رشته برق و الکترونیک در دانشگاه های امریکا مدارج عالی را طی می کند و حسن هم دانشجوی دانشگاه امریکاست. کورش بادامه تحصیل مشغول و مهرانگیز همسر سرهنگ علی

نظر خوبیاری و زهرا مشغول تحصیل است. هوشنگ برادر کامیاب از مردان نیک و دوست داشتنی است. حاج شاهمیرزا عیال او خاور فرزندان زبور و شاه منظر. زیور دختر حاج شاهمیرزا عیال ظهراب بابائی فرزندانش مشهدی میرزا علی، علی آقا، اکبر، هاجر. فرزندان مشهدی میرزا علی مشهدی قره، جهانشاه، جهانبخش، زیور، نازبس، ماهجان. عیال مشهدی قره (ظهراب). مرصع دختر تقی فرزندانش شوکت و فرج اله، عشرت، علی داد، ماه زینب. عیال جهانشاه صدرخان دختر حاج نوراله فرزندانش عصمت، عفت، حیدر، بهمن، حسین، حسن. فرزندان علی آقا قریب و مراد و زلیخا، علی قربان. فرزند اکبر صاحب جان. هاجر دختر ظهراب عیال نعمت اله پسر کربلائی داراب فرزندی بنام منظر دارد. شاه منظر دختر حاج شاهمیرزا ابتدا عیال طاهر پسر حاج علی پناه بود. بعداً عیال کربلائی داراب فرزندانش مشهدی عزت اله، قدرت اله، خاور، مرضیه. عیال مشهدی عزت اله ابتدا کبری دختر عابس از اهالی جره کازرون بود فرزندان بنام عزیز و کرامت و سلطنت دارد. همسر عزیز آذرمیدخت دختر غضنفر قهرمانی فرزندان بنام انوشیروان و علی دارد. عیال کرامت عالم بها دختر قدرت اله و سلطنت همسر مشهدی هادی پسر جانی خان بابائی است. عیال دیگر مشهدی عزت اله زیور دختر مشهدی میرزا علی فرزندان بنام محمد، شیرزاد، هوشنگ، شیر دست، گلنار، گلرخ، گل تاج دارد. عیال نعمت اله هاجر فرزندش منظر و عیال قدرت اله هم خانم دختر علی ذوالفقار محبی فرزندان بنام داراب، سلیم، قزی، عالم بها دارد که عیال سلیم ناهید دختر مشهدی عبدالرحیم عبداللهی است. خاور دختر کربلائی داراب عیال غلامحسین پسر علمیرزا و حاجیه مرضیه همسر مرحوم محمدقلیخان پسر رضاقلیخان است.

حاج آقامیرزا عیال او قمر دختر حاج اسماعیل فرزندانش زبیده عیال حاج فضل اله پسر حاج عبدالله و شاهرضا قوام دفتر که شرح فرزندان او ضمن فامیل ابیوردی داده شد و عذرا عیال حاج شکراله پسر محمد رضا. محمد میرزا پسر حاج غلامرضا عیال او گلستان دختر مشهدی حبیب اله فرزندی بنام میرزا اسداله داشت با سواد و خوش خط و دارای طبعی سخی در دستگاه خوانین علی قلیخانی قشقائی (غلامحسین خان کهندل پور) قرب و منزلتی بسزا داشت. عیال او فردوس دختر رضا قلیخان پسر مشهدی حبیب اله فرزندی بنام مسعودخان دارد دیپلمه با سواد با هوش سریع الانتقال و مهربان در آموزش و پرورش رئیس دبستان و مدرسه راهنمایی است. همسر او اصلی خانم دختر نبی خان پسر حاج محمد قاسم است فرزندان بنام شهرام، شهریار، شهلا، شعله، فردوس، شهر آشوب، رؤیا، محبوبه، گلستان دارد که همگی نام فامیلی قهرمانی دارند. شعله دختر مسعودخان با محمد پسر عبدالله علیزاده از محترمین بندرلنگه ازدواج نموده. محمد علیزاده دانشجوی دانشکده پزشکی است.

اصلی خانم دختر حاج غلامرضا عیال مرحوم علی قلی بیگ کلانتر پسر حاج ابراهیم و شیرین جان دختر حاج غلامرضا عیال مشهدی رضا فرزندان بنام خدیجه و شهربانو داشت که خدیجه ابتدا همسر شاه عباس پسر مشهدی حسن بود و بعداً با شاهر ضابگ بیرامی پسر خانجان حاجیوند ابیوردی ازدواج نمود (شاهرضا بیگ، میرزاجان، خانمیرزا، صفرخان، جیران، فرزندان خانجان پسر علیرضا از طایفه حاجیوند ابیوردی هستند). شاهرضابگ فرزندی بنام رضاخان بیرامی درجه دار بازنشسته شهربانی دارد. همسر رضاخان ابتدا سلطنت دختر کاکاخان بیک اخوان بود. از او فرزندی بنام میمنت دارد. بعداً با ماهجان دختر مشهدی رسول حسن بیگی ازدواج نمود فرزندان بنام شهزاد، علیرضا، مازیار، شاهرضا، فیروز، بهرخ، خدیجه دارد. شهربانو دختر شیرین جان همسر کربلائی حیدرعلی حیدریان بود.

آقارضا فرزند حاج غلامرضا همسر او رقیه فرزند بنام بلقیس دارد که عیال کربلائی ابوالفتح پسر مشهدی علی اصغر برخوردار کریم آقائی است. عبدالرضا فرزند حاج غلامرضا عیال او صاحب جان دختر حاج ابراهیم دخترانی بنام کربلائی اسیه و زینب دارد. اسیه ابتدا عیال ابوطالب پسر مشهدی علی اصغر کریم آقائی بود بعداً با مشهدی رسول حسن بیگی ازدواج نمود. علی میرزا پسر حاج غلامرضا فرزند بنام غلامحسین داشت. همسر او خاور دختر کربلائی داراب و مادر خاور شاه منظر فرزند بنام علی دارد که نام خانوادگی فرزانه اختیار نموده عضو شرکت ملی نفت ایران است. بسیار با هوش و فعال و خود ساخته است. عیال او زهرا خانم دختر جعفر علی محمدی از اهالی طهران فرزندان بنام پیروش، پریچهر، پریدخت، فیروز، غلامحسین، پروانه دارد.

حاج نوراله پسر حاج غلامرضا عیال او زلیخا دختر تقی بیگ کلانتر گرائی سعدیخانی فرزندان بنام سعدی، عبدالرحیم، اسماعیل، رستم، حسنی جان، زینب، خانم بی بی، صدرجهان دارد. عیال سعدیخان حاجیه طلعت دختر میرزا شاهرضاخان قوام دفتر فرزندان نسرين، نوراله، سیمین، میمنت، فرخنده، خجسته، حجت اله، فریدون. نسرين دیپلمه در کادر آموزش و پرورش با علی بصیری پسر مشهدی حسن از اهالی حنا سرحد چهاردانگه ازدواج نموده که علی بصیری جوانی متین و مؤدب و در همافری خدمت مینماید. نوراله پسر سعدیخان همافر فنی عیال او افسر دختر عبداللطیف عبداللهی پسر حاج فضل اله جوانی است جدی و با هوش و فعال. سیمین همسر لهراسب خالقی پسر علی آقا. سعدیخان عبداللهی فعالیت زراعتی دارد. مردی است مهربان و فامیل دوست و متعصب. همسر مشهدی عبدالرحیم پسر حاج نوراله ماه نسا دختر ابوطالب کریم آقائی فرزندان ناهید همسر سلیم پسر قدرت اله درجه دار ارتش است. فرزندان بنام ماریا و گیتا دارد. ملک حسین پسر مشهدی عبدالرحیم برای ادامه تحصیلات به امریکا رفته است مدتی در دبیرستان دانشگاه کارمند بود. فرزندان دیگر مشهدی عبدالرحیم بهزاد، پرویز و ژاله میباشند. عیال رستم عبداللهی پسر حاج نوراله بتول خانم دختر حاج عطاء اله محب پور فرزندان کیانوش، کی منش، شراره، وحید. رستم عبداللهی درجه دار شهربانی است. عیال اسمعیل (هوشنگ) عبداللهی پسر حاج نوراله پریچهر (رقیه) قهرمانی دختر مظفر قهرمانی است. فرزندان فرهمند، ثریا، خسرو، قباد، زلیخا، رضا (فرزاد) که به تحصیل اشتغال دارند، فرهمند دارای تحصیلات دبیرستانی است. اسمعیل در مؤسسه ژئوفیزیک اشتغال دارد. حسنی جان دختر حاج نوراله عیال نبی خان پسر حاج محمد قاسم. زینب عیال مشهدی سهراب صالحی باصری حسن آبادی پسر مشهدی الیاس فرزندان بنام الیاس، ماهجان، حمید دارد. عیال الیاس زبیده دختر مشهدی صفدر است. خانم بی بی عیال جمشید کریم آقائی پسر کربلائی ابوالفتح و صدر جهان همسر جهانشاه پسر مشهدی میرزا علی بابائی است.

مرحوم حاج نوراله دختر دیگری بنام بلورجان داشت که همسر غفارخان عبداللهی پسر عبدالمجید بود. رحیمه دختر حاج غلامرضا عیال مرحوم عبدالمجید عبداللهی پسر حاج ابراهیم و بیگم جان دختر حاج غلامرضا عیال مشهدی علی اصغر برخوردار و بلورجان دختر حاج غلامرضا عیال محمدخان حسن بیگی بود بعداً با جعفر برادر محمدخان ازدواج نمود. جان جان دختر حاج غلامرضا عیال کرملی و پسری بنام محمدعلی دارد. بلقیس دختر حاج غلامرضا عیال کربلائی داراب بابائی دختری بنام خانم داشت که همسر صادق پسر حاج علی همت بابائی بود. فرزندان بنام علی همت و مهدی و جهانگیر دارد (علی همت فوت نموده است) صادق دختری هم بنام حنیفه دارد که عیال یداله پسر محمد همتی است.



یداله پسرانی بنام نصراله و فتح اله دارد که نصراله جوانی است فعال و محبوب در کادر آموزش و پرورش بخدمت اشتغال دارد. گلشن دختر حاج غلامرضا عیال حاج عبدالله پسر حاج اسماعیل بود.

حاج اسماعیل پسر حاج عبدالله عیال او همن خواهر حاج علی همت بابائی ایبوردی فرزندان بنام حاج عبدالله، حاج محمد قاسم و قمر و خاور داشت. حاج عبدالله بنیان گذار امور تجارتي در فامیل ایبوردی است. مقارن با بنیاد محل فعلی ایبورد (۱۲۹۳ قمری) خانه ای در محله سنگ سیاه شیراز خریداری مینماید. این خانه که در کوچه حسینیه کردها واقع است بعداً توسط حاج عبدالله تجدید بنا و با سبک بسیار عالی از معماری سنتی اطاقهای ارسی (تالار) گوشواره، نمازخانه، پنجدری و سه دربی که اکثر اطاقهای آن مخصوصاً ارسی دارای نقاشی سقف و آینه کاری زاویه ها و نوشتن ادعیه با خط بسیار زیبا (بد نیست بگوئیم که این ادعیه را خطاطی مینوشته که فاقد انگشتان دست راست و بهمین جهت باو محمد علی مکل یا مچل میگفته اند. قلم نی درشت را محکم بدست می بسته و با آن خط های زیبا مینوشته است که الحق هم باید باو آفرین گفت و هم بدرگاه هنر آفرین سر تعظیم فرود آورد که چه استعدادهایی بوجود می آورد و اگر خدا «ز حکمت به بندد دری زرحمت گشاید در دیگری» بهر حال مرحوم حاج عبدالله از همان موقع که زندگی عشایری را مبدل بزندگی شهری مینماید و از نظر شغل هم تجارت اختیار و تکیه بر جای بزرگان میزند همه اسباب بزرگی را نیز آماده میکند. از نظر تجارت کسب آبرو و اعتبار مینماید و از لحاظ مراوده با ارباب فضل و دانش و علما برای خود و فامیل ایبوردی تحصیل شهرت و افتخار میکند. عیال او گلشن دختر حاج غلامرضا فرزندان بنام محمد اسماعیل (حاجی آقا)، محمد جواد، حاج فضل اله، میرزا ابوالفضل، حاج محمد، فاطمه، سکینه، رقیه داشت. مرحوم حاجی آقا یعنی محمد اسماعیل با سواد و بسیار با ذوق بوده و صوتی خوش داشته. عیال او کلثوم دختر حاج ابراهیم فرزندان عبدالله، عنایت اله، هدایت اله، شمس الضحی، حنیفه، بلقیس، عبدالله و عنایت اله در بحبوحه جوانی فوت مینماید. مرحوم میرزا هدایت اله در خط و ربط و سواد و محاسبات لایق و ممتاز و منیع الطبع و سخی بود. در دستگاه عزیز آقا نمازی برادر آقا مهدی نمازی سناتور و در تجارتخانه او اشتغال داشت. عیال او خانم عصمت دختر مرحوم ابوالقاسم عبداللهی و فرزندان شمس الضحی (جوانمرگ شد) بدرالدجی دیپلمه مامائی عیال دکتر صمد حمیدی استاد دانشگاه اهواز فرزندان ابوریحان، بوعلی، آلبرت، افسونگر، آشوبگر که همگی دارای تحصیلات عالی هستند.

حنیفه دختر حاجی آقا عیال عبدالحمیدخان عبداللهی و بلقیس عیال مهدی خان پسر حاج محمد قاسم بود.

آقا محمد جواد پسر حاج عبدالله مردی اجتماعی و مهربان بوده است. همسر او اختر سلطان دختر رضاقلیخان (بعداً همسر حاج فضل اله میشود). حاج فضل اله پسر حاج عبدالله مردی مهربان و متدین و فعالیت زراعتی داشت. عیال او ابتدا زبیده دختر حاج آقا میرزا و فرزندان بنام عبدالحمید و مریم دارد.

عبدالحمید خان مردی با ذوق و سریع الانتقال و با هوش و اجتماعی و مهربان است. پس از فوت عموی خود و مرحوم میرزا ابوالفضل تجارتخانه او را بنام تجارتخانه عبدالله زاده در سرای قوامی اداره میکرد. عیال او ابتدا حنیفه دختر حاجی آقا و بعداً با حاجیه زینت دختر محمدخان شش بلوکی پسر علیخان بیک (از کلانتران) ازدواج نمود. مادر حاجیه زینت کربلائی عالی از اهالی امامزاده اسماعیل ابرج است. این محل چون مدفن حضرت امامزاده واجب التعظیم اسماعیل بن امام موسی کاظم میباشد باین نام نامیده شده بقره مبارکه اش مطاف حاجت طلبان ایلی و دهاتی حدود ابرج و سرحد چهاردانگه است در انتهای تنگ تیره باغ قرارداد. بنای بقعه را به سلاطین صفوی مخصوصاً شاه اسمعیل نسبت میدهند.

بعداً هر کس از روی اخلاص تعمیرات و کاشی کاری آنرا مباشرت نموده که از آن جمله همین عبدالحمید خان هم در بعضی از تعمیرات آن سهمی بسزا دارد. گردنه ای صعب العبور از اینجا به سر حد چهاردانگه حد فاصل است که بوسیله اسب و قاطر و چهارپایان بسختی از آن امکان عبور میسر میشود. حاجیه سارا خاتون دختر میرزا شاهرضاخان قوام دفتر که عیال مرحوم میرزا ابوالفضل پسر حاج عبدالله بود با هزینه خود و از محل میراثی که از شوهر باو رسیده بود مبالغ قابل توجهی خرج کرد و این راه را بصورت ماشین رو ساخت (از این طریق شیراز باصفهان ۸۰ کیلومتر نزدیکتر از جاده فعلی است) در قریه امامزاده اسماعیل کاروانسرائی است که اشعار زیر برآزاره و دیوار آن حجاری شده و حکایت دارد که از بناهای جانی خان ایلخانی قشقائی است. (مصراع آخر بیت ماده تاریخ بنای کاروانسرا میباشد).

آن سمی خلیل صاحب شان	فخر دوران ظهیر دولت و دین
زینت افزای ملک هندستان	افتخار زمانه ابراهیم
عقده ها باز کرده از دل و جان	ناخن موج بهر همت او
که نویسم بروی لوح بیان	سال تاریخ جستم از سامی
گفت آرامگاه خلق زمان	با سر انبساط سال بنا
نام بانی او جهانی خان	سال اتمام چیست گفتم گفت

فرزندان عبدالحمیدخان نادر، بهادر، امیرحسین، نادر خان عضو انجمن شهرستان آباده فعالیت زراعتی دارد. بذله گو و شوخ است عیال او حاجیه مهین دختر حاج حبیب اله جهانشاهی فرزندش علیرضا میباشد. بهادر دیپلمه در کادر آموزش و پرورش قرار دارد در ضمن در امور کشاورزی نیز فعالیت میکند. عیال او ایران خانم دختر حاج امان اله معصومی شش بلوکی (دوست محمدلو) فرزندانی بنام عبدالله، ماریا، زبیده، اسماعیل دارد. امیر حسین تحصیلات خود را در رشته مدیریت اقتصاد در آمریکا بمرحله عالی و فوق لیسانس رسانیده عیال او ویدا دختر سرهنگ نوازاله جهانشاهی است. مریم دختر مرحوم حاج فضل اله عیال مرحوم هاشم خان عبداللهی پسر حاج محمد قاسم بود (مریم قبلا عیال مرحوم آقا محمد کریم بود که از او دختری بنام ماه سلطان داشت) همسر دیگر مرحوم حاج فضل اله اختر سلطان دختر مرحوم رضا قلیخان پسر مشهدی حبیب اله و فرزندانی بنام حاج عبداللطیف خان دارد اهل ذوق، مهربان، ادیب و عارف مسلک است. در سرحد چهاردانگه فعالیت زراعتی دارد. عیال او حاجیه بهجت دختر میرزا شاهرضا خان قوام دفتر فرزندانی بنام پریدخت، فضل اله خان، عباس آقا، افسر، یوسف آقا دارد. پریدخت عیال داود خان عبداللهی پسر هاشم خان است. فضل اله خان لیسانس اقتصاد و در سازمان برنامه اداره طرح و برنامه استان اصفهان است. همسر او آزاده دختر غضنفر قهرمانی پسر معین دفتر فرزندانی بنام رامین و فرزین دارد. فضل اله خان در شغل خود جدی و طرف توجه اولیای متبوع میباشد. عباس آقا در امریکا تحصیلات خود را در حد عالی در رشته کشاورزی ادامه میدهد. دوره وظیفه خود را که در تعاون روستائی فارس انجام میداد طرز کار و فعالیت و اخلاق او مورد رضایت مدیران کار بود. عیال او مینا دختر دکتر محمود قهرمانی فرزندانی بنام صوفیا دارد. افسر دختر عبداللطیف خان عیال نوراله خان پسر سعدی خان عبداللهی است. مرحوم میرزا ابوالفضل پسر حاج عبدالله از تجار معروف و معتبر و خوشنام شیراز اکثراً با تجارخانه های مهم تبریز و اصفهان مبادله تجارتنی داشت. عیال او حاجیه سارا خاتون دختر قوام دفتر بود.

مرحوم حاج محمد پسر حاج عبدالله در بازار وکیل شیراز با تجارتخانه برادر خود همکاری و اخیراً هم به کار زراعتی اشتغال داشت. مردی مؤمن و خیر بود عیال او خانم حاجیه دختر آقا شیخ حمزه پسر حاج محمد قاسم فرزندان بنام لطف اله و نیره دارد. عیال لطف اله خورشید دختر مظفر قهرمانی است فرزندان بنام فاطمه و محمد و عزیز و سیما و خشایار دارد که به تحصیل مشغول هستند. نیره خانم دختر حاج محمد عیال ستارخان پسر مرحوم عبدالمجید عبداللهی است. حاجیه فاطمه نسا دختر مرحوم حاج عبدالله عیال مرحوم حاج شیخعلی مجتهد فرزند مشهدی حبیب اله و سکینه عیال مرحوم محمد کریم پسر حاج محمد قاسم و حاجیه رقیه ابتدا عیال مرحوم خانجان و بعد از او عیال مرحوم حاج جهانگیر خان پسران حاج ابراهیم شد.

حاج محمد قاسم پسر حاج اسماعیل دو عیال اختیار کرده یکی بنام شاه سلطان دختر مشهدی حبیب اله فرزندان بنام ابوالقاسم، آقا شیخ حمزه، محمد کریم و هاشم خان داشت. ابوالقاسم در دستگاه مرحوم محمد علیخان سالار مظفر از خوانین قشقائی معروف به آب باریکی و مردی مطلع و باسواد بود. عیال او شاهزاده بیگم دختر حاج محمد علی (حاج ملی) فیلی فرزندانش خانم عصمت، قاسم آقا، خانم زمان، خلیل آقا، خانم عزت میباشد. خانم عصمت عیال هدایت اله خان پسر محمد اسماعیل (حاجی آقا) عبداللهی قاسم آقا در امور زراعتی است و معاملات ملکی دارد عیالی از فامیل میراب نهرا عظم اختیار نموده که طلاق داد. خلیل آقا در اداره کل کشاورزی و در قسمت امور مالی و کارپردازی است. عیال او مریم خانم دختر حسین بهشتی شیرازی فرزندانش ساسان، سامان، اشکان میباشد. قاسم آقا و خلیل آقا هر دو دارای هوشی سرشار و استعدادی خوب میباشند مخصوصاً قاسم آقا بذله گو و شوخ طبع است. خانم عزت عیال حاج مهدی علیمحمدی بوشهری است دختری بنام نصرت دارد.

آقا شیخ حمزه پسر حاج محمد قاسم فقیه و حقوقدان نزد دایی خود مرحوم حاج شیخعلی مجتهد علوم فقه و اصول را بحد عالی رسانیده قریب الاجتهاد بود. در دادگستری قبول وکالت مینمود. عیال او ربابه دختر حاج جهانگیر خان پسر حاج ابراهیم فرزندان بنام محمد حسین و خانم حاجیه داشت. آقا میرزا محمد حسین مردی با سواد مطلع و خوش خط در دستگاه مرحوم حاج غلامعلی بهبهانی که پدر آقایان محمد علیخان و محمد حسن خان و محمد کریم خان بهبهانی بود بشغل حسابداری اشتغال داشت. مدتی وکیل ثبت اسناد و مدتی هم در دستگاه خوانین قشقائی علیقلیخانی و در جره امور ملکی آنها را اداره مینمود. دخترانی بنام حلیمه، دلور (سکینه) و هما دارد. حلیمه همسر غضنفر قهرمانی پسر معین دفتر است. هما عیال آقا رضا محقق از محترمین داراب میباشد که در کادر آموزش و پرورش دارای مشاغل حساس و مردی مهربان و مؤدب و منیع الطبع است فرزندان بنام ویدا، نیما، پوپک دارد.

عیال مرحوم میرزا محمد حسین خدیجه دختر محمد کریم پسر حاج محمد قاسم میباشد. خانم حاجیه دختر آقا شیخ حمزه عیال حاج عبداللهی پسر حاج عبدالله میباشد. مرحوم محمد کریم پسر حاج محمد قاسم مردی شجاع و رشید بوده در تنگ تیره باغ بدست اشرار کشته میشود. عیال او سکینه دختر حاج عبدالله که از او دختری بنام خدیجه عیال میرزا محمد حسین دارد (مریم دختر حاج فضل اله نیز بعد از سکینه عیال مرحوم محمد کریم بوده که دختری بنام ماه سلطان داشته است).

هاشم خان پسر حاج محمد قاسم مردی ادیب، فاضل و اجتماعی بود. اشعار شعرا را بحدی در حفظ داشت که هر موقع مصراع و یا بیتی خوانده میشد نام شاعر آنرا میگفت و غزل یا قصیده را هم تمام میخواند. عیال او مریم دختر حاج فضل

اله پسر حاج عبدالله فرزندان بنام شاه سلطان، ایرج، داود دارد. شاه سلطان تحصیلاتش خوب و زبان انگلیسی را مثل زبان مادری میخواند و مینویسد. عیال دکتر محمود قهرمانی است. ایرج خان پسر هاشم خان لیسانس زبان و دبیر دبیرستان های شیراز دارای مشاغلی حساس و استعدادی سرشار است. فعالیت اجتماعی و زراعتی او قابل تحسین میباشد. همسر او فریده خانم دختر مرحوم سید عنایت اله خان دبیری (حسام دفتر) و فرزندانش هومان، مریم، الهام میباشد.

داود خان پسر هاشم خان لیسانس ادبیات عضو عالی رتبه بانک کشاورزی ایران که همیشه در شهرستانهای مختلف دارای مشاغلی حساس بوده و مردی است اجتماعی و فعال. عیال او پریدخت خانم دختر حاج عبداللطیف پسر حاج فضل اله فرزندان بنام نیلوفر، بهمن، رزیتا، میترا و هاشم دارد. ایرج خان و داودخان از لحاظ فضیلت و ادب و استعداد از پدر بهره وافر دارند. عیال دیگر حاج محمد قاسم دختر بس دختر حاج فتح اله صالحی حسن آبادی (باصری) فرزندان او حاج محمد کاظم، نبی خان، مهدی خان بود. مرحوم حاج محمد کاظم مردی بود مورد احترام و در امور زراعتی متبحر. دو عیال اختیار کرد یکی مشهدی درنا دختر بهزاد کرمی و دیگری شمس الدوله دختر حاج محمد خان باصری (خواهر پرویز خان کلانتر). حاج کاظم متأسفانه فرزندی نداشت. عیال نبی خان پسر حاج محمد قاسم حسنی جان دختر حاج نوراله فرزندان بنام ناصر، اصلی خانم، اعظم، سلطنت دارد. عیال ناصر سریه دختر یداله پسر حاج نور محمد فرزندان بنام فریبا، سیاوش، سیامک دارد. اصلی خانم دختر نبی خان عیال مسعودخان قهرمانی. اعظم عیال علی رحیمی پسر مشهدی احمد شیرازی است. فرزندان بنام احمد، رضا، فرح دارد. سلطنت همسر کربلائی نوراله پسر حاج امان اله معصومی دوست محمدلو فرزندان بنام فرشاد، سیروس، میترا، افسانه دارد. عیال مهدی خان پسر حاج محمد قاسم بلقیس خانم دختر حاجی آقا (محمد اسماعیل) پسر حاج عبدالله است. فرزندان بنام پروین، علی اکبر، هوشنگ، تیمور، پریوش، مهوش دارد. حاجیه پروین عیال حاج امان اله دوست محمدلو است. فرزندان بنام غلامحسین، داریوش، کیهان، امان، ایران، توران، امین اله، اردوان، اردشیر، کورش دارد که غلامحسین دیپلمه و داماد سردار زمانپور پسر حاج غلام است و ایران همسر بهادر عبدالله میباشد.

علی اکبر عبداللهی پسر مهدی خان تحصیلاتش در رشته کشاورزی و در اداره کل کشاورزی مشغول و در ضمن فعالیت در امور دامداری و کشاورزی هم دارد. مجموعاً مردی فعال و با هوش و زرنگ است. عیال او مهران خانم دختر سلیم امیری فرزندان بنام آرزیتا، نازیلا، مهدی، حمیده دارد. پریوش دختر مهدی خان عیال حاج محمد علی امیدی باصری حسن آبادی پسر مشهدی احمد پسر امید علی میباشد (با سیف اله علی قنبری پدر صفر علی پسر عمو هستند) محلی ها باو حاجی ممی میگویند و دلیل آن هم این است که چون پدرش او را خیلی دوست میداشته بر حسب متداول ممی خطاب میکرده و این نام بروی او باقی مانده و اصولاً این رسم در جاهای دیگر هم معمول است. مثلاً طهمورث را طمراس و سیاوش را سیا و کیامرث را کیا و در زنهای صغری را صغی و کبری را کبی و ثریا را ثری صدا میزنند. بهر حال حاج محمد علی امیدی مردی است مهربان و در بلوک چهاردانگه مرحوم پدرش مشهدی احمد و بعد از او خودش در مهمان نوازی و مردمداری معروف هستند. فرزندان بنام احمد، سهیلا و رضا دارد و از عیال دیگرش که فوت نموده پسری بنام لطفعلی و دختری بنام عصمت دارد که لطفعلی در کادر آموزش و پرورش است. قمر دختر حاج اسماعیل عیال حاج آقا میرزا و خاور عیال حاج شاهمیرزا پسر حاج غلامرضا میباشد.

مشهدی حبیب الهه فرزند حاج عبدالله بزرگ عیال او خورشید خانم دختر ملا عبدالله پسر کریم آقا پسر برخوردار (مادر خورشید خانم ماه نسا خانم دختر حاج قهرمانخان ایلخانی ایل اینانو بوده) فرزندان بنام شاه سلطان عیال حاج محمد قاسم رضا قلیخان، گوهر عیال نظر علی پسر حیدر، حاج شیخعلی مجتهد، هما عیال حاج جهانگیر خان پسر حاج ابراهیم، فرخ عیال جعفر پسر حسن بیگ برخوردار فرزند او کاکاخان بیگ اخوان، میرزا نصراله (معین دفتر پدر نگارنده)، گلستان عیال محمد میرزا پسر حاج غلامرضا و خیرالنسا داشته است. رضاقلی خان مهتدی بنور هدی مردی ادیب و دانشمند و خوش خط و متدین بوده است. بوستان سعدی را با خط خوب نوشته که نزد اولاد او باقی است. عیال او طاوس دختر حاج ابراهیم فرزندانش محمد قلیخان، صغری، اختر سلطان، محمد قلیخان دارای هنر عکاسی، نقاشی، ملیله دوزی و مردی متین و خوش قلب بود. عیال او حاجیه مرضیه دختر کربلائی داراب بابائی فرزندان بنام سرهنگ دکتر افراسیاب (حبیب الهه) جراح حاذق دارای تخصص از دانشگاه پهلوی و طهران مردی رؤف و مهربان عیال او حاجیه حوری نسا خانم دختر حاج ابوالقاسم ستوده و خواهرزاده میرزا عبدالوهاب خان حمزوی از مستوفیهای شیراز. فرزندانش بهنام دانشجو، کامران، آرمان، پسر دیگر محمد قلیخان رضاقلیخان فوق دیپلم متبحر در امور بانکداری و در بانک سپه دارای مشاغل حساس و مورد احترام. عیال او رودابه دختر نصراله قهرمانی معین دفتر فرزندانش سیاوش، فروزان، آرش میباشد. محترم خانم دختر محمد قلیخان عیال ابراهیم معماری از اساتید فن معماری پسر مرحوم استاد ملک کارزونی در شیراز و طهران ساختمانهای مهم و زیبایی به سلیقه و بدست او ساخته شده فعلا در انگلستان بسر میبرد. فرزندان او کیوان، کامبیز، کاوه، پیمان، ناهید میباشد که همگی به تحصیل مشغول هستند.

صغری خانم دختر مرحوم رضاقلیخان عیال میرزا شاهرضاخان قوام دفتر و اختر سلطان عیال مرحوم حاج فضل الهه عبداللهی بود. مرحوم رضا قلیخان پسر مشهدی حبیب الهه عیال دیگری بنام زری از فامیل فروتن اقلیدی داشت که از او دختری بنام فردوس عیال مرحوم اسداله خان پسر محمد میرزا و پدر مسعودخان قهرمانی داشت. حاج شیخعلی مجتهد شمس آسمان معقول و منقول پسر مشهدی حبیب الهه نام اصلی او یعقوبعلی بود. هنگامی که مرحوم حاج عبدالله پسر حاج اسماعیل ساکن شیراز میشود هنوز مشهدی حبیب الهه عموی او با فرزندانش زندگی ایلیاتی و چادر نشینی داشته اند. همانطوریکه گفتیم مرحوم حاج عبدالله در شیراز و محله سنگ سیاه کوچه حسینیه کردها خانه ای خریده و بمبادی زندگی اعیانی شهری خو گرفت. به طلاب و وعاظ و اهل محراب و منبر و علما ارادت میورزید و معاشرت میکرد. برای فرزندان خود آرزوی طی مراحل و مدارج علمی مینمود و بهمین جهت طبق معمول و مقتضیات وقت برای آنها که عبارت بودند از حاجی آقا و محمد جواد و حاج فضل الهه و میرزا ابوالفضل و حاج محمد، معلم خصوصی آورد. شخصی بوده است از اجله سادات شیخ هابیلی و از فامیل دبیری ها بنام سید محمد تقی فوق العاده با سواد و فاضل و عالم به علوم عربی و فقه و اصول. مرحوم مشهدی حبیب الهه عموی حاج عبدالله که او هم مردی علاقمند به ترقی فرزندان بوده که باسواد بشوند اطلاع پیدا میکند که برادرزاده اش این چنین معلمی برای فرزندانش انتخاب نموده یعقوبعلی (شیخعلی) را با خود از ایل بشیراز میآورد و به برادرزاده اش حاج عبدالله میگوید برای خاطر رضای خدا و بااحترام من که عموی تو هستم ترتیبی بده که یعقوبعلی هم باتفاق فرزندان نزد آقا سید محمد تقی بهره ای از سواد ببرد و بلکه چیزی یاد بگیرد. حاج عبدالله از تقاضای عمو حسن استقبال نموده و یعقوبعلی را نزد خود نگهدارند و از آن تاریخ که شاید همان حدود سالهای ۱۲۹۰ قمری و یعقوبعلی (شیخعلی) هم هشت ساله (تولدش ۱۲۸۲ هجری قمری

میباشد) بوده در زمره شاگردان سید محمد تقی محسوب میگردد. با این تفاوت که نه تنها در برابر پسران حاج عبدالله شاگردی بصورت مستمع آزاد و چندان مورد توجه نبوده بلکه پر واضح است آقای معلم هر وقت فرمان کوچه و یا آب و قلیانی هم داشته بعهد او محول مینموده بنابراین قاعدتاً نمی بایستی توقع داشت که این چنین شاگرد از لحاظ تحصیل و فرا گرفتن درس بیای ولی نعمت های مکتب دار برسد. اما پس از مدتی درست نتیجه معکوس این تصور ظاهر میشود و آقا سید محمد تقی می بیند هر چه را درس داده و از فرزندان حاج عبدالله میپرسد یعقوبعلی (شیخعلی) بدون اینکه مجال و فرصتی بدیگران بدهد پرسش ها را بی کم و کاست و صحیحاً جواب میگوید. آقا سید محمد تقی که مرد خوش باطنی بوده تحت تأثیر استعداد یعقوبعلی یا آقا شیخ علی قرار گرفته و موضوع را با مرحوم حاج عبدالله در میان میگذارد و پیشنهاد مینماید که او را در سلک طلاب علوم دینی وارد نمایند. حاج عبدالله آقا شیخ علی را نزد مرحوم حاج شیخ عبدالجبار جهرمی فقیه و مجتهد که از علمای اعلام و فحول مجتهدین عصر و مدرسین والامقام بوده میبرد و باو می سپارد. حاج شیخ عبدالجبار هم که مدتی با قریحه و استعداد و نبوغ آقا شیخ علی سروکار پیدا میکند می بیند این چنین استعدادی حیف است که بعد کمال نرسد بنابراین از مرحوم حاج عبدالله میخواهد که آقا شیخ علی را برای تکمیل تحصیلات و مدارج اجتهاد به عتبات عالیات و نجف اشرف نزد مراجع عالی تقلید اسلامی بفرستد. با این ترتیب مرحوم حاج عبدالله ابتدا در سال ۱۲۹۸ هجری قمری دختری خود حاجیه فاطمه نسا را بعقد ازدواج او در می آورد و پس از اینکه مدتی هم در حوزه درس مرحوم شیخ محمد حسین مجتهد محلاتی تحصیل مینماید در سال ۱۳۰۶ و در سن ۲۴ سالگی عازم عتبات عالیات شده نخست در سامرا در خدمت مرحوم حاج میرزا حسن شیرازی که مرجع تقلید عموم علمای شیعه بوده به تلمذ می پردازد و به اخذ اجازه اجتهاد از آن مرحوم موفق میشود و بعد از وفات او به نجف اشرف نزد مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی که مرجع تقلید و جانشین آیت اله شیرازی بوده میرود و در حلقه تلامذه مرحوم آخوند خراسانی در می آید سالها به تحصیل علام فقه، اصول، معانی، بیان، حکمت، فلسفه و تفسیر میپردازد و بالاخره سرآمد اقران خود میگردد. معروف است مرحوم آخوند خراسانی مرجع تقلید شیعیان جهان اسلام به دو نفر از تلامذه خود که هر دو بنام علی بوده اند، یکی مرحوم آقا سید علی کازرونی مجتهد و دیگری آقا شیخ علی ایبوردی، بقدری علاقمند بوده که هر وقت برای مباحثه علمی مطلبی پیش می آمده که خیلی مشکل بوده فوراً بانگ میزند «علیین» بیایند و از میان شاگردان این دو نورین نیرین بر میخاستند و برای حل معضل و جواب دادن به سئوالات استاد آماده میشده اند (این مطلب حتی بعد از آنکه مرحوم آقا سید علی کازرونی و آقا شیخ علی بشیراز هم آمده بودند بارها اتفاق افتاده که اشخاصی از لحاظ مضایق و مشکلات مسائلی دینی و شرعی از نقاط مختلف ایران به نجف اشرف رفته و حل مشکل و غوامض خود را از مرحوم آیت اله خراسانی تقاضا مینموده اند باین اشخاص میفرموده است مگر علیین در شیراز نیستند که زحمت طی اینهمه راه را تحمل نموده و نزد من به نجف آمده اید؟)

بهر حال مرحوم حاج شیخعلی مجتهد مسلم و جامع الشرایط فرزند مرحوم مشهدی حبیب اله از خاندان حاج عبدالله بزرگ از ایبورد شیراز بعرضه وجود آمده که نام او در زمره مفاخر عالیقدر علمی ایران و خصوصاً فامیل ایبوردی است در اجرای مشروطیت نقش مفید و مؤثر و غرور آمیز دارد از طرف علمای عالی مقام نجف اشرف و عتبات عالیات خصوصاً آیت اله آخوند خراسانی باو مأموریت و حکم داده شد که در این امر خطیر و مهم ملی بر اساس موازین شرعی بایران آمده قیام و اقدام نماید و بنابراین در سال ۱۳۲۴ هجری قمری در میان استقبال با شکوهی که از طرف قاطبه اهالی

شیراز و با شرکت مرحوم حاج مهذب الدوله فسائی حاکم فارس و علمای اعلام، حجج اسلام، طلاب، اعیان، اشراف، بازرگانان و کسبه از ایشان تا باغ جنت شیراز بعمل آمد بشیراز وارد شد. در اینجا حکم و دستخط مرحوم آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و همچنین عین مفاد پرسش و استفتاء علما و مردم شیراز از مرحوم حاج شیخعلی را که درباره مشروطیت شده و جواب مرحوم حاج شیخعلی که در صدر آن نوشته اند درج مینمائیم:

بسم اله الرحمن الرحیم شیراز ۵ شهر صفر ۱۳۲۷، جناب مستطاب شریعتمدار ثقه الاسلام آقای آقا شیخ علی مجتهد دامت برکاته، البته بعموم ملت فارس و اهالی شهر و ایلات و قصابات و غیرها حکم لازم را برسانید که عموم مسلمین را بتکلیف اسلامی خود متنبه فرمائید، ایوم همت و غیرت و اتحاد کلمه در استیفاء حقوق ملت و استحکام اساس مشروطیت و اقامه مجلس شورای ملی و سلب فعالیت مایشاء از ظلمه و جائزین ازاهم تکالیف نوع مسلمین و موظف غلبه حفظ ممالک اسلامی و صیانت دماء و اعراض و اموال مسلمین بمنزله جهاد در رکاب مبارک امام زمان ارواحنا فدا است. الان وقت همت است حالا وقت بذل غیرت و حمیت اسلامی است مسلمانان تمام شدند ممالک اسلامی می بینند در چه حال است نصرکم الله تعالی جمیعاً نصره الدین و ایدکم و ثبت اقدامکم و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته من الاحقرالفانی محمد کاظم الخراسانی.

و این است متن استفتاء علمای اعلام شیراز و وجوه معتمدین محل از مرحوم حاج شیخعلی:

(بحضور مبارک حضرت مستطاب حجه السلام آیه اله فی الانام آقای آقا شیخ علی متع اله المسلمین بطول بقائه معروض میدارد که غالب ایلات و عشایر مملکت فارس مقلد حضرت عالی هستند حال چنین معروف شده که حکم بوجوب مشروطیت دولت و حرمت اداء مالیات بطرفداران استبداد فرموده اید بلکه خود حضر تمستطابعالی در کمال سعی اقدام در ترویج مشروطه وارد شده حامل احکامی از طرف حجج اسلام عتبات عالیات در این باب هستید چنانچه این نسبت مقرون بصحت است در صدر عریضه مرقوم و بخاتم مبارک مرسوم فرمائید.)

دستخط مرحوم حاج شیخعلی در صدر این استفتاء چنین است:

بسم اله الرحمن الرحیم، فانی همین است که اشاره رفته و چون در این ازمنه حفظ و قوت هر دولتی بتصدیق تمام عقلا و اهالی روی زمین و متبحر به حال سایر دول منوط بمشروطیت است همین طور دول اسلام هم حفظ و نجاتی الزم دارد بناء علیهذا طلب حقوق ملت و سعی در تحصیل آن بمنزله جهاد فی سبیل اله است. حرره الحقر علی (مهر علی مع الحق) مرحوم حاج شیخعلی با این ترتیب در تأسیس حکومت مشروطه ایران کسب افتخار نموده و با سایر علما و رجال و آزادیخواهان و مشروطه طلبان هم آهنگی داشته و مجاهدت نموده است. پیاداش این خدمت در دوره دوم قانونگزاری (۱۳۲۹ قمری) از طرف مردم شیراز بسمت نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب و اغلب قوانین مملکتی منطبق با موازین شرع و عرف که بتصویب مجلس شورای ملی آنزمان رسیده نتیجه اجتهاد ایشان بوده است. مرحوم حاج شیخعلی چندین کتاب عربی و فقه و اصول و حکمت و معانی و منطق و رساله در قوانین و احکام شرعیه از جمله رساله ذخیره العباد فی یوم المعاد و کتاب مناسک حج تألیف و به اکثر کتب و رساله علما و فقها نیز حاشیه مرقوم داشته است. در خط نسخ و نستعلیق و شکسته خوش نویس درجه عالی در دوران خود بوده که چندین جلد قرآن مجید بخط نسخ نوشته در نزد فامیل موجود است. کتاب بهرام نامه و چند کتاب و قطعات شکسته که با اسلوب و شیوه خط درویش عبدالمجید

خوش نوبش معروف نوشته گواه صدق این مقال است. در شعر و شاعری طبعی غرا و استعدادی عالی داشت و بمناسبت اسم پدرش حبیب اله در اشعار تخلص حبیب مینمود و برای خود و فرزندان نیز نام خانوادگی حبیب اختیار نموده است. دیوان اشعار آن مرحوم توسط مرحوم نصراله قهرمانی برادرش (پدر نگارنده) بنام «کنز النصایح یا گنج سعادت» تدوین و با همت مرحوم محمد کریم اردبیلی معروف به آقا داداش مدیر کتابخانه احمدی رحمت اله علیه که از عرفا و محبان مرحوم حاج شیخعلی بجهت تسمیه ایشان بنام علی بود بطبع رسید و منتشر گردید که باید حقا در اینجا ذکر خیری از آن مرحوم نموده و در نهایت صدق و صفا بگوئیم خداوند مرحوم آقا داداش تبریزی را بیامرزاد.

از هم دوره های مرحوم حاج شیخعلی در دوره دوم مجلس شورای ملی میتوان مرحوم حاج شیخ یوسف حدائق مجتهد عالیقدر پدر جناب ابن یوسف و مرحوم حاج آقای شیرازی و مرحوم مدرس اردکانی را نام برد، مرحوم حاج شیخعلی در شیراز و در مدرسه هاشمیه مدرس بود و تلامذه بسیاری داشت. مشتاقان و طلاب علوم دینی علاوه بر این در حیاط بیرونی خانه ایشان واقع در محله سرباغ نیز از بحر فیاض و موج او استفاده و استفاضه مینمودند. در ابتدای سلطنت مرحوم اعلیحضرت رضاشاه کبیر به اعتقاد و فتوای جناب میرزا علی اصغر خان حکمت وزیر معارف بمرحوم حاج شیخعلی اختیار داده شده بود که از اشخاصی که قصد استفاده از عمامه و لباس روحانیت دارند امتحان بعمل آورد و پس از داشتن صلاحیت از این کسوت استفاده نمایند و چنانچه این قبیل اشخاص اجازه نداشتند حق استفاده از لباس روحانیت هم نمی داشتند.

مرحوم حاج شیخعلی سه عیال اختیار کرد یکی حاجیه فاطمه نسا دختر مرحوم حاج عبدالله تاجر که از اولادی نداشت. دیگری خانم بزرگ دختر آقا میرزا لطف اله از مستوفیهای شیراز که خواهر میرزا عبدالوهاب خان حمزوی بود (مرحوم میرزا عبدالوهاب خان از وکلای درجه اول دادگستری و فرزندان بنام دکتر هوشنگ و دکتر صادق حمزوی دارد که از تحصیلکرده های عالی قدر خارج هستند) فرزندان بنام نزهت الشریعه عیال میرزا مرتضی شکراللهی و آقا میرزا صدرالدین (مهندس حبیب) دارد. فرزندان نزهت الشریعه شهرزاد، فرزاد، بهرام، شهرام، شهناز است که شهناز عیال جمشید دیلمی است و جمشید دیلمی فرزندان بنام آریتا و علیرضا دارد. مهندس صدرالدین حبیب آرشیکتک بسیار با هوش، فاضل، مطلع و خوش ذوق و بذله گو است. عیال او مونس خانم دختر تغابنی رشتی فرزندان بنام علی (فرشید) فرشته، فرح، فرشاد دارد که هر یک باقتضای سن مدارج تحصیلی طی میکنند. عیال دیگر مرحوم حاج شیخعلی عصمت الشریعه دختر شیخ عبدالعلی عرب خواهر حاج معتمد (شیخ محمد حسین) واعظ بود از او فرزندان بنام عمادالدین، عترت الشریعه و عزت الشریعه دارد.

عمادالدین اگر چه تحصیلات خود را ادامه نداد ولی دارای هوش سرشار و استعدادی خداداد است. در دادگستری بعنوان کارگشا قبول وکالت مینماید. روضه خوانی را نیز با صوتی خوش که دارد از دائی خود مرحوم حاج معتمد بارث برده است. فرزندان بنام شاهرخ، شهلا، شهین، شهناز، شیرین دارد که شهلا با بهمن بازوبند و شهناز با امیر حسین فرودغدیری و شهین با محمددب ازدواج نموده است. عترت الشریعه دختر مرحوم حاج شیخعلی عیال حسام الدین جباری نوه مرحوم حاج شیخ عبدالجبار مجتهد عالیقدر جهرمی میباشد. آقای جباری عضو عالی رتبه دادگستری فعلا بازنشسته و در شورای داوری است. مردی متین و موقر و با سواد و مردم دار و مورد احترام است. فرزندان بنام احمد، سیما، سوسن دارد.



عزت الشریعه دختر دیگر مرحوم حاج شیخعلی عیال مرحوم مرتضی جمشیدی از محترمین کازرون بود که با علی آقا حاج جمشید تاجر معروف نسبت نزدیک داشت. مرحوم جمشیدی در کار وکالت دادگستری با احمد نادری همکاری مینمود. فرزندان بنام سیمین، ایرج، رضا، کاظم، سرور دارد که سیمین همسر حسام جمشیدی کارمند ذی رتبه بانک سپه شیراز است فرزندان بنام مهرزاد و مهرداد دارد. مرحوم حاج شیخعلی قصیده ای بسیار عالی در وصف تخت جمشید دارد که از مجموعه اشعار انتخاب و بدرج آن مبادرت میگردد:

با نغمه چه خوش میگفت کای طرفه کهن ایوان  
کوجم که دهد فرمان کو درگه و کو دربان  
آن تارک و آن افسر با خاک شده یکسان  
سرخشت سرخم شد هان ای سرباهش هان  
کز فیل روی چرخ شه مات و سپه حیرانت  
دارائی شاهان بین هم زاینه شاهان  
باشد چه عیان عیب است پوئی ز پی برهان  
کاین نقش سنان و تیر طغراست بر این فرمان  
بر زندگی رهام جان باختن پیران  
مرغی است در این دربار خواند بهزار الهان  
نی آب بجر خون است نی دانه بجز ابدان  
از وی شنوی هر دم شرحی زغم هجران  
وان شرح غم بیژن زندانی جاویدان  
آن عشوه شورانگیز وان نرگسک فتان  
هردم زره پوزش سودند جهانبانان  
ثابت بخط میخی چون میخ که بر جدران  
هند و عجم و یونان سند و یمن و ایران  
هر جای ستود آن بین صدپند در او پنهان  
کیخسرو و کیکاوس طوس و پسر دستان  
کش گاه سبو سازند گاهی خم و گه گلدان  
آن آب رز سیوند وین نار و به سیدان  
از گیس فرنگیس این از خون سیاوش آن  
یاد آوردت هر دم از طشت کج گردان  
در کاسه فیروزی جز در قدح حرمان  
وارونه و پر گشتن خارج بود از امکان

در بارگه جمشید دی فاخته ای خوشخوان  
بر تخت درر ریزت در پایه دهلیزت  
جمشید که بر خورشید بر سود کلاه زر  
جم عبرت مردم شد افسر زسرش گم شد  
تصویر سپاه و شه با وضع سکون گوید  
جدران بنای او آئینه اسکندر  
خود روی برو گوید این آینه عیب تو  
ناموس طبیعت را از دست ازل حکمی است  
بنوشته در او با خون صدبار شرف دارد  
آن جانور پرداز کور است یکی منقار  
بر باز سپید روز بر زاغ سیاه شب  
چاهی که در آن صفه است چون گوش فراگیری  
وز بانوی ترکستان از چاه زرخدانش  
کوبار بدو شبدیز شیرین چه شد و پرویز؟  
این قصر که می بینی بر خاک درش بینی  
خوانی تو چه بتوانی دانی تو اگر خوانی  
ماراست ز گیتی بخش مصر و عرب و بابل  
سنگ زبر دخمه بردار و بچشم دل  
گوید بدل صدکی کی بود قباد و کی  
خاک سر کاوس است در صفحه فتح آباد  
مغز سر ضحاک است یا خون دل جمشید  
ریحان و گل سوری یاد آوردت دم دم  
این طشت زر نرگس جام جم کیخسرو  
کاین کاسه پیروزی روزی ندهد روزی  
طشت فلک خونین از خون نشود سیراب

گفتی که فلک فرمانفرماست در این کشور  
مامی است بسی خونخوار این چرخ نمی بینی  
در باغ کنارستی هردم بکنار خویش  
گردجله صفت تار است چون خاک کند بر سر  
خود دجله چو کر باشد هر دو زغم اشکانی  
ای دیده زغم دارا کر گیر بدان سیلی  
درانده و در اندرز در حسرت و در عبرت  
آن یاد کند از داد وین از ستم و بیداد  
از شاه جهان دارا برگشت جهانداری  
آنان که همه رفتند ای کاش نمی آمد  
این پند خموشان است گرپند زبان خواهی  
گوید که نشد یکدم بر مرگ ستمکاران  
کیخسرو گیتی دان آنکس که ورا داد است  
ایدون که فریدون نیست با زیب و فرایدون کیست  
آز و طمع انسان دردی است که بهر وی  
این درد کجا مردم بیرون بکنند از سر  
اخلاق بشر را میل هر لحظه بشر باشد  
خوش بود که خاقانی مانند «حبیب الحق»

فرمان بقضا رانده است فرمان فلک فرمان  
کز بس شفق از انسان خون خورده شده اینسان  
نیمی گل سوری ریز نیمی در اشک افشان  
این از غم نوزد شه وان از غم نوشروان  
وان راز کیان انده این راست غم از ساسان  
کز بند امیری چند هرگز نشود پیمان  
استخر و مداین را با هم تو برابر دان  
آن یاد زنوشروان وین از ملک یونان  
شد بخت مهی واژون شد تخت شهی ویران  
اینان که تو می بینی یک تن ز پی آنان  
رو آیه اورثنا از سوره قرآن خوان  
نی خاطر خور پژمان نی چشم فلک گریان  
کی خسروی از بیداد کشور کند آبادان  
انکش که بود نیکی وانکش که بود احسان  
عقل حکمای دهر درمانده پی درمان  
جز دیده شود پر خاک خالی شود از انسان  
این آیه بخوان کانسان همواره لغی خسران  
بر تخت نه بر کوفه تمثیل زند ایوان

همانطوریکه اشاره شد مرحوم حاج شیخ علی در اشعار حبیب تخلص مینمود. تاریخ وفات آن مرحوم ماه رجب ۱۳۷۵ و با تشییع و تجلیل مردم متدین و با محبت شیراز در بقعه متبرکه و در جوار مرقد مطهر حضرت علی بین حمزه بن موسی الکاظم بخاک سپرده شده است.

میرزا نصراله خان قهرمانی (معین دفتر) پسر مشهدی حبیب اله هر چند مختصری از شرح حال او در مقدمه کتاب و ضمن شرح زندگی نگارنده نوشته شده و لیکن چون آنچه را که شخصاً از آن مرحوم شنیده ام حاوی مطالب نسبتاً جالبی است لذا بی مناسبت نمیدانم که بذکر آن پردازم از زبان آن مرحوم بشنوید:

در ۱۸ ذی حجه ۱۲۹۲ هجری قمری در لاله گون سرحد چهارانگه متولد شده ام و هنگامی که پدرم مشهدی حبیب اله فوت نموده بود (جمادی الثانی ۱۳۰۷ قمری) در شیراز و خانه مرحوم حاج عبدالله تاجر ایبوردی بودیم آن مرحوم و آقا شیخ علی و رضاقلیخان برادرانم و عده ای دیگر از فامیل ایلاتی و آشنایان شهری در مراسم تشییع جنازه و تدفین پدرم که در قبرستان دارالسلام (شاه داعی الی الله) صورت میگرفت شرکت داشتند. من طفلی خردسال بودم تا بحدی که مرگ پدر را درک نکرده و در قبرستان با اطفال همبازی بازی میکردیم و خوب بخاطر دارم که بر پشت مجسمه شیرهای سنگی که در اکثر قبرستانها معمول و روی بعضی از قبور به نشانه شجاعت و رشادت متوفی (صاحب قبر) نصب میکردند

و در قبرستان دارالسلام (بزبان عامیانه در سلب) چند نمونه از آن دیده میشد سوار میشدیم. از هفت سالگی مرا به مکتب فرستادند که البته در لاله گون از مکتب دارهای دشتکی و امامزاده اسمعیلی استفاده میشد (کما اینکه تا چند سال قبل هم مرحوم حاج نوراله عبداللهی برای فرزندانش مکتب دارهائی بنام ملا محمد طاهر و یا کربلائی ابوطالب از قریه امامزاده اسمعیل اجیر کرده بود و معمولاً از این قبیل مکتب دارها که بآنها مختصر جیره و موجبی از قبیل گندم و جو و ذرت و مبلغی وجه نقد با پوشکهای مانند نمددوش (کپنک)<sup>۱</sup> آرخالق، ملکی بطور سالیانه یا سر خرمن داده میشد. علاوه بر درس دادن به بچه ها استفاده خدمتی آوردن آب از چشمه و هیزم از جنگل نیز میشد. بنابراین چندی که در نزد این مکتب دارها دروس مقدماتی را در لاله گون فرا گرفتم بشیراز آمده و من هم در خانه مرحوم حاج عبدالله پسر عمویم جزو شاگردان مرحوم آقا سید محمد تقی شیخ هایلی شدم و چون در آنموقع درد یتیمی و ضایعه مرگ پدر را که سایه بالاسرمان بوده کاملاً احساس میکردم و در من اثر کرده بود و میدانستم که با از دست دادن متکفل امور باید خود در صد زندگی مستقل بر آیم لذا با جدیت هر چه تمامتر به درس خواندن پرداختم. طولی نکشید هوش و استعداد خداداد هم کمک کرد از سواد عربی و فارسی و املاء و انشاء و خط بقدر لزوم روز بهره مند شدم مخصوصاً که دارای خط و ربطی خوب و در حد خود ممتاز شده بودم و بهمین جهت مورد توجه عموزاده ام مرحوم حاج عبدالله واقع شدم. ایشان مترصد شدند که در فرصتی مناسب مرا در جرگه منشی های دیوانی (دولتی) وارد نمایند زیرا در حقیقت و در آنزمان مستوفیها و منشی ها و فرد نویسان (دفتر دار و محاسب و سیاق نویس را فردنویس میگفتند) و مشیر و مشارها دارای مقام و قرب و منزلتی بسیار بودند و همینقدر در توجیه و توصیف میزان احترام آنان کافی است بگوئیم جائی که هیچکس بجر عده معدود از خواص و مقرب الحضرت ها حق مجالست و مؤانست در محضر حکام و ولات و بزرگان قوم و ایلخانیها<sup>۲</sup> نداشت مستوفیها و منشی ها با قلمدان و لوله کاغذی که بر روی شال کمر داشتند و همین خود بمنزله پروانه و جواز جلوس در محضر بزرگان بود. بمحض اینکه سلام میدادند و یا سری بعلافت تعظیم فرود می آوردند می نشستند و قلمدان و لوله کاغذی را جلوی خود میگذاشتند و منتظر دستور برای نوشتن فرامین و احکام میشدند و بعضی اوقات بلکه اکثراً نهار و شام را هم در خدمت حاکم و یا ایلخانی صرف مینمودند. بنابراین و از آنجائیکه به سواد و با سواد غیر از عده ای قلیل و در خانواده هائی متعین و متمکن و مستوفی زاده ها کمتر کسی دست می یافت و با این حال منشیان و مستوفیان و فرد نویسان نادر الوجود و کمیاب و خریداران زیادی داشتند. و در این جا باید اعتراف کنم که چون ممکن است یک تصادف و اتفاق ظاهراً کوچک در سرنوشت و آتیه کسی مؤثر واقع شود این واقعیت درباره من به سببی که

۱ - کپنک بر وزن دگنک تقریباً نوعی بالاپوش مردانه است که از پشم یا کرک تهیه میکنند و اکثراً چوپانها برای حفظ از سرما بر می پوشند.  
 ۲ - ایل خانی لقب سران مغول و آخرین ایلخان بزرگ مغول ابوسعید بهادرخان بود که شیراز نیز در قلمرو سلطنت او قرار داشت و سران ایلات متشکل از چندین طایفه را ایلخانی و فرزند ارشد او را ایل بیگی و رؤسای طوایف متشکل از چند تیره را کلانتر و رؤسای تیره شامل چند خانوار را کدخدا میگویند. در طوایف افرادی هم بنام ریش سفید وجود دارند که این عده اختلافات ایلی را بر اصول کدخدانمنشی حل و فصل می نمایند و در واقع کار شورای دآوری امروزه را انجام میدهند و رای آنان برای افراد طایفه و تیره لازم المیباشند. مقصرین و خطاکاران و احياناً سارقین هر موقع پای ادای سوگند به اعمه اطهار و قرآن کریم و مخصوصاً حضرت عباس و حتی قسم خوردن به سر خان و یا کلانتر بمیان بیاید حاضر به ادای سوگند دروغ نشده و از ترس عقوبت اخروی تن به شکنجه دنیوی میدهند و بخطای خود اعتراف نموده جرمی که مرتکب شده اند جبران و مالی که برده اند پس میدهند (از مال مسروقه مقدار و یا مبلغی بنام قلق سهم مأمور اجرای حکم است که باصطلاح همان خدمتانه باشد)

ذکر خواهد شد تحقق یافت باین معنی که مرحوم عبدالله خان ضرغام الدوله ایلخانی قشقائی فرزند داراب خان که با مرحوم حاج عبدالله تاجر ایبوردی عموزاده ام طرف معامله و مراوده و دوستی بود و اکثراً در مواقع لزوم از او پولی دستگردان میکرد اتفاقاً برای ادای مالیات دیوانی که در آن زمان بطور سرانه و خانوار از ضابطین و رؤسای ایلات به نسبت ابوابجمعی تعهد و سند جزو جمع میگرفتند. مرحوم ضرغام الدوله مبالغی بابت بقایای مالیاتی به دولت مدیون بود که او را مأمورین حکومتی و مالیه (دارائی) تحت فشار قرار داده بودند. ایشان برای حل مشکل خود به مرحوم حاج عبدالله مراجعه و ملتجی گردید که پرداخت این بدهی را تقبل نموده بعهده بگیرد و یا نقداً بپردازد. مرحوم حاج عبدالله با نهایت رغبت و بدون تأمل ترتیب پرداخت بدهی ایلخانی را داد و او را از این مخمصه نجات بخشید.

ضرغام الدوله برای اینکه این کمک حاج عبدالله را جبران کند به او گفت از من انجام مهمی را تقاضا کن تا بجا بیاورم. مرحوم حاج عبدالله از لحاظ مناعت طبع و از آنجائیکه مشکلی هم نداشته است که حل آنرا از ایلخانی بخواهد حاضر نمی شود که آنهم در این گیرودار توقعی از ایلخانی نکند. بالاخره پس از اصرار زیاد که از طرف ایلخانی بعمل میآید حاج عبدالله که مردی مال اندیش و با تدبیر بود و بی میل نبوده که برای بسط مراوده در دستگاه ایلخانی و تحصیل نفوذ بیشتر چه از لحاظ حفظ مصالح ایلی طوایف ایبوردی که با ایلات و طوایف قشقائی در اکثر نقاط فارس دارای نیلاق و قشلاق مشترک بودند و چه از نقطه نظر اینکه املاک و علاقجات فامیلی در قلمرو و مسیر ایلات قرار داشت و گاهی مورد تجاوز بعضی از افراد ایلات واقع میشد برای صیانت این علاقجات یکنفر را از خویشان و افراد فامیل خود در دستگاه ایلخانی داشته باشد. لذا فرصت را مغتنم دانسته و از طرفی هم برای احتراز از رد احسان ایلخانی مرا مناسب ورود بدستگاه تشخیص داده در جواب میگوید چنانچه جناب خان به نصراله عموزاده ام کار منشی گری رجوع فرمائید ممنون میشوم. بلافاصله مرحوم ضرغام الدوله تقاضای حاج عبدالله را پذیرفت و من از همان موقع که درست بخاطرم است ۱۳۱۶ هجری قمری بود وارد دستگاه ایلخانی قشقائی شده و در جرگه منشی ها و مستوفیها در آمدم و تا هنگامی که مرحوم ضرغام الدوله حیات داشت (۱۳۲۴ قمری) نزد آن مرحوم و بعداً هم نزد مرحوم اسماعیل خان سردار عشایر (صولت الدوله) منشی و یا منشی باشی و مباشر ایل بودم و در نتیجه درستکاری امانت و صداقت مورد وثوق و اعتماد و محبت کلیه روسا و کلانتران اکثر ایلات فارس خصوصاً قشقائیها واقع شدم و محبوبیت و احترامی بسزا کسب نمودم در عین اینکه از دوران همکاری با مرد وطن پرستی چون مرحوم سردار عشایر که صفحات تاریخ در مبارزه با بیگانگان گواه صادق رویه مرضیه و سجیه ایلیاتی او میباشد خاطراتی بس افتخار آمیز و غرورانگیز داشته و دارم. خوشوقتیم که چون آرزویم همیشه خدمت به ملک و ملت و شاهنشاه و میهن بوده در زمانی هم که حکومت قشقائی با اراده ملوکانه اعلیحضرت رضاشاه کبیر به عهده افسران ارتش مانند یاور محمود خان پروین و یاور رخشا تفویض و محول گردید توانستم همچنان بخدمت خود در مباشرت ایل قشقائی ادامه دهم و رضایت خاطر آنان را نیز فراهم ساخته مورد محبت قرار گیرم تا زمانی که کهولت سن دیگر اقتضا داد گوشه عزلت اختیار و به مطالعه و تدوین خاطرات دوران زندگی خود پردازم.

الحق و النصف خاطراتم همه مشحون و سرشار از شیرینی های زندگی معاشرت با مردانی نیک و همقطاران و همکارانی ارزنده و خوب با حمیت، شجاع و وطنخواه است. از همه کلانتران و کدخدایان و حتی افراد غیور ایل و کسانی که در

دستگاه ایلخانی و حکومت قشقائی و بلوکات بنحوی از انحاء با من تماس داشته اند و اولاد و فامیل آنها همیشه باید به نیکی یادکنم چه که آنهمه صفا، صمیمیت، خلوص، بی ریائی، مهمانیها، شکاررفتن ها، تفریح و تفرج ها، شوخی ها، خنده ها، بذله گوئیها در سفر و حضر و منازل و مراحل مختلف چه در نیلاق و چه قشلاق و چه در رحل و اقامت چیزی نیست که بشود از صفحه خاطر و لوح ضمیر محو و دور سازم و همینقدر شاد و شاکرم و با غرور و سرافرازی هر چه تمامتر ادعا میکنم که قلماً و قدماً و کتباً و لساناً خط و مشی من همیشه در طریق دوستی و مودت و خیر و صلاح و علاقمندی به قاطبه مردم بوده و همواره در مسیر وطن پرستی و شاهدوستی راه پیموده ام و گامی بر نداشته ام که غباری از کدورت و لکه ای از ننگ و بدنامی بدامنم بنشیند. خدای را هزاران بار شکر که اگر از مال و منال دنیا بهره ای ندارم دارای وجدانی آسوده و دوستانی پاک نهاد هستم که همین میراث و ذخیره هم برای اولاد و اعقابم بمنزله میراثی بس ارزنده و گرانبه است. اگر چه ذکر خیر و بردن نام کلیه یاران دیرین از حوصله این مقال خارج است ولی از آنجائیکه ذکر نام بعضی از این یاران صمیمی و دوستان گرامی برایم خود تجدید خاطره ای خواهد بود لذا نام آنها را ذکر مینمایم و چنانچه از بردن نام برخی غفلت شده باشد هم محفوظات ذهنی اجازه نداده و هم خود مستلزم کتابی جداگانه است که خوشبختانه نوشته ام. باشد که خدای تعالی به علاقمندان و کسانی که استطاعت چاپ و انتشار داشته باشند توفیق چاپ آنرا عنایت فرماید.

همینقدر باید بگویم که قشقائیها همگی از نژاد پاک آریا و از سجایای ایلی برخوردار بوده مرزداران وطن هستند که ایمان بخدا و حب شاه و میهن و احترام به پرچم مقدس ایران در وجود آنان با شیر اندرون شده و با جان بدر رود. کسانی که ذکر خیر آنان را بمیان میآورم میتوان گفت از نخبه رجال ایل و از طبقه ممتاز و دارای صفات عالی عشایری بوده و میباشند:

سهرابخان فرزند برومند مرحوم بهادرالسلطنه مردی رشید، شجاع، خوش محضر، شیرین گفتار، سریع الانتقال و حاضر جواب و بدیهه گو (در مورد خصوصیات یکی از بیمارستان های معتبر شیراز از او وقتی سؤال شد که چگونه است آیا مردم از آنجا راضی هستند یا خیر بلاتأمل جواب داد هنوز از آنچه مریض بانجا مراجعه کرده کسی مراجعت نکرده که بدانیم در آنجا از مریض چگونه پذیرائی بعمل میآید!) خوانین کشکولی بزرگ و کوچک محمد علیخان، محمدخان، حیدرعلیخان، جهانگیرخان، حمزه خان، الیاس خان، احمدخان، حاج فرج خان، از دره شوریهها اولاد ایاز کیخا و آقا کیخا مانند حسینخان، زیادخان، نصراله خان، زکی خان، جعفرقلیخان از فارسیمدانها اولاد عبدالله بیگ و فتح اله بیگ مسیح خان، زکیخان، ذوالفقارخان و از شش بلوکیها احمدخان، محمدخان، صفدرخان، حسینقلی خان و از بهمن بیگلوها حیدرخان، محمد حسن خان، ابراهیم خان، محمودخان، حاج ایازخان، اسکندرخان و مختارخان از کارگذاران دستگاه ایلخانی رضاقلیخان عبدالرحمن لو پدر حبیب اله خان رضازاده، فرزندان حسین بیگ جعفر بیگلو اسکندرخان و اسفندیارخان و امیرخان و عموی آنها حیدرخان، الیاس خان و خدرخان و فلامرخان و شیروانخان جهانگیری اردکپان، حسینعلی خان پسر قره محمد بیگ فولادی، خانجان خان و امیر خان بیگ شهبازی پسران علی باز بیگ کاکاخان خورشیدی میراخور (خدایش بیامرزاد بقدری اهل دل و با ذوق بود که دمام مرک به تبعیت از سلیقه حافظ علیه الرحمه وصیت کرده بود وقتی سر مزار او میروند بی می و مطرب نروند) از طبقه منشی ها و مستوفیهها جلال الدین بصیری حاج عماد الملک ناظم دفتر (وکیل دوره ۴ مجلس شورای ملی قشقائی) میرزا حیدر علی خان و فرزندش میرزا عبدالله خان

مشیر دفتر (صیبه مرحوم مشیر دفتر کوب الملوک عیال احمد علیخان فرزند معین دفتر است. مرحوم مشیر دفتر فرزندی بنام میرزا عباسخان دبیری دارد که قریحه و ذوق انشاء و خط و شعر را تا اندازه ای از پدر بارث برده است. میرزا عباسخان فرزندی بنام عبدالله دارد) میرزا شاهرضا خان قوام دفتر عموزاده ام، میرزا عنایت اله خان دبیری حسام دفتر که فرزندی بنام سرهنگ خلیل دبیری از افسران شایسته و لایق ژاندارمری و همایون و فرخ و فریدون و فرهاد دارد که دارای تحصیلات عالی هستند. حسام دفتر پسر میرزا حسینخان دارای خط و ربطی عالی و به منشات و شعر علاقمند و مردی متشخص و خوش محضر است. میرزا ابوالحسن خان عمومی او نیز دارای خطی بسیار زیبا و انشائی عالی بود. میرزا ابوالحسن دبیری فعلی و پسرش سیروس نیز از لحاظ حسن سیرت و خط و انشاء از مرحوم میرزا ابوالحسن خان تا حدودی بهره مند هستند ( دختر میرزا عنایت اله خان حسام دفتر منیژه خانم همسر دکتر قهرمان قهرمانی پسر معین دفتر و دختر دیگرش فریده خانم همسر ایرج خان عبداللهی پسر مرحوم هاشم خان پسر عمه نگارنده میباشد و همشیره زاده حسام دفتر سرهنگ حسن دبیری پسر حاج سید بهزاد از افسران شایسته و لایق ژاندارمری هم با هلن (ماهله) دختر احمد علیخان ازدواج نموده.

مرحوم غلامحسین خان قهرمانی و فرزندان آن مرحوم جوادخان و مصطفی خان از کسانی هستند که همیشه و در هر حال در سفر و حضر با من یار و همراه بوده اند. خداوند کسانی را که نام بردم هریک در قید حیات است سلامت بدارد و هریک هم روی در نقاب خاک کشیده غریق رحمت مستعان خود بفرماید.

در نامه هائی که همیشه بر حسب وظیفه منشی گری مینوشتم احساسات واقعی را با مطالب تواماً متجلی میساختم. من باب نمونه نامه ای است که در جنگ بین الملل اول از طرف مرحوم اسمعیل خان قشقائی به ناصر دیوان کازرونی نوشته شده در اینجا بی مناسبت نیست مفاد آنرا از نظر خوانندگان بگذرانم:

از غیرتمندی و رشادت شما و جوانان دلیر کازرونی بی اندازه خوشوقت و ممنونم و غیر از این هم انتظاری نداشته و ندارم. امروز روز ابراز غیرت و هنگام ظهور جوانمردی و رشادت است و روزی است که همه ما بایستی از ایثار مال و جان در راه وطن کوتاهی نکنیم. دنیا فانی است و برای هیچکی باقی نمی ماند و جز نام نیک یا بد پایدار نخواهد ماند. من بداشتن دوستانی همچون شما افتخار میکنم و بسیار مسرورم که ایران کهنسال در این زمان باز میتواند فرزندان رشیدی چون شما و رؤسای تنگستان بوجود آورد که زیر بار ننگ نروید. امیدوار چنانم که هر چه زودتر بمدد وطن پرستان حقیقی دست ناپاک اجنبی را از ساحت مقدس وطن عزیز کوتاه سازیم. دو روز دیگر بملاقات شما خواهم آمد. از شورا، اسمعیل قشقائی.

از خاطرات فراموش نشدنی من یکی هم مسافرت به منطقه بختیاری است موقعی که نصراله خان دره شوری با ایل خود از خوانین قهر کرده و به ایل بختیاری رفته بود. من با عده ای مأمور شدم و نزد مرتضی قلیخان صمصام بختیاری رفتم و ایل را به محل خود عودت دادیم. جوادخان و غلامحسن خان قهرمانی و اسداله خان همشیره زاده ام در این مسافرت با من همراه و همسفر بودند که در منازل مختلف و مسیر مسافرت فوق العاده خوش گذشت. از خاطرات جالب دیگر نیز مسافرت بطهران است موقعی که مرحوم عبدالله خان ضرغام الدوله از ایلخانیگری قشقائی معزول شده بود و ما این مسافرت را با اسب و قاطر و بار و بنه و آبداری و قبل و منقل طی کردیم و در خدمت ضرغام الدوله و همراهان خیلی

خوش گذشت هر چند که موقع رفتن بطهران حاکم معزول و در مراجعت منسوب بودیم و لیکن دارای روحیه ای قوی و در رفتن و برگشتنمان جز خنده و شوخی و تفریح چیزی مشاهده نمیشد.

مرحوم میرزا نصراله خان معین دفتر مدتی هم شخصاً ضابط ایل ایوردی بوده در انتظامات و وصول و ایصال مالیات دیوانی طوایف این ایل مداخله و اقدام مینموده است. فوت آن مرحوم ۲۶ فروردین ماه ۱۳۳۳ (سال ۱۳۷۴ هجری قمری) و در صحن مطهر حضرت علی ابن حمزه زاویه شمال غربی حیاط مدفون است.

حاج ابراهیم پسر حاج عبدالله بزرگ عیال او زهره دختر آزادخان و مادرش دختر حاج عوضعلی دارای فرزندان بنام حاج جهانگیر، خانجان، ایاز، عبدالمجید، صمد، مطلب، صدراله، طاوس، کلثوم، جهان سلطان، صاحب جان بود. حاج جهانگیر خان مردی رشید و خوش هیکل و در تجارت تبریز با مرحوم میرزا ابوالفضل پسر حاج عبدالله همکاری داشت و اخیراً هم در ایل عمله قشقائی معامله فروش قماش و قند و چای و خرید روغن و پشم و کتیرا میکرد. عیال او هما دختر مشهدی حبیب اله فرزندانش ربابه و سربیه (ثریا). ربابه عیال مرحوم آقا شیخ حمزه پسر حاج محمدقاسم و سربیه عیال اسد محبی بود.

خانجان نیز مردی شجاع و رشید و با سواد بود. عیال او حاجیه رقیه دختر حاج عبدالله فرزندی بنام صفیه داشت که همسر معین دفتر و مادر نگارنده بود (حاجیه رقیه بعد از خانجان با حاج جهانگیرخان ازدواج نمود). ایازخان هم شخصی متهور و بی باک بود. عیال او ابتدا نازا دختر عبدالحسین (از محمد آقائی ها) بود. از او دختری داشت بنام صفورا. عیال مناف پسر حاج قربان پسر قره خان پسر امیر خان بیگ پسر علیشاه فرزندی بنام امیر خان داشت. عیال دوم ایازخان سیما دختر کوراوغلی (عیال کوراوغلی جهان افروز دختر عبدالحسین بوده). از او فرزندی بنام ابراهیم آقا دارد که عضو ذی رتبه گمرک مردی مهربان و فامیل دوست مدتی در بندر لنگه و بندرعباس بود. عیال او شهدخت دختر غفارخان عبداللهی فرزندان بنام جهانگیر، افشین و سیما دارد.

عبدالمجیدخان پسر حاج ابراهیم طبع شعری داشت، بذله گو بود، در امور زراعتی با فامیل همکاری داشت و مهربان بود. عیال او رحیمه دختر حاج غلامرضا فرزندان بنام مشهدی معصومه همسر مشهدی حسن حسن بیگی کریم آقائی و غفار و ستار و فاطمه دارد. غفارخان عیال او بلورجان دختر حاج نوراله بود. فرزندان بنام صمد درجه دار شهربانی دارد که عیال او اصلی خانم دختر مشهدی نورعلی مرادی و فرزندان بنام سعید، حمید، عبدالرضا، علی، محبوبه میباشد و سردار فرزندش کبری و پسر دیگر غفارخان از بلورجان مجید بود که فرزندی بنام بلور دارد. عیال دیگر غفارخان گلجان دختر حاج شیرعلی کیانی کامفیروزی فرزندان علی محمود، شهدخت، اشرف که شهدخت عیال ابراهیم آقا و اشرف عیال بیژن پسر مشهدی باباخان است.

ستارخان فرزند عبدالمجید عیال او نیره دختر حاج محمد عبداللهی فرزندان کاوس، رحیمه، نسرین و زهرا است. فرزندان کاوس شهناز و مهناز است. رحیمه دختر ستارخان عیال حبیب اله قره غانی دره شوری است. عیال دیگر ستار طرلان دختر شیروان قره غانی (قره قوینلو) فرزندان بنام زرین تاج و عالمتاج دارد. فاطمه دختر مرحوم عبدالمجید همسر حاج محمد حسین کریم آقائی (حسن بیگی برخوردار) است. طاوس دختر حاج ابراهیم عیال مرحوم رضا قلیخان پسر مشهدی حبیب اله و کلثوم عیال مرحوم آقا محمد اسماعیل (حاجی آقا) پسر عبدالله و جهان سلطان عیال بهادر پسر

سبز علی و صاحب جان عیال حاج عبدالرضا پسر حاج غلامرضا بود. عیال صدراله پسر حاج ابراهیم خانم جان دختر حاج غلامرضا بوده است.

**عربشاهی** - حاج حاتم بیگ فرزند برخوردار فرزند عربشاه فرزندان بنام فرج اله خان و نعمت اله خان داشت. فرج اله خان هژبر نظام از توپچی های بسیار رشید و ماهر و با شخصیت ابتدا در دستگاه قوام الملک و بعداً وارد دستگاه مرحوم سردار عشایر میشود. فرزندان بنام آقا بزرگ خان و فرخ سلطان و طلعت خانم داشت. مرحوم آقا بزرگ خان مردی مهربان و فامیل دوست و هنگامی که در شیراز میکانیسن ماشین آلات بندرت یافت میشد آن مرحوم میکانیک قابل و مشکلات فنی را باسانی بر طرف میساخت. همسر او سلطنت فتحی دختر نعمت اله خان فرزندی بنام چنگیزخان دارد. بسیار مهربان، لایق، کاردان و سجایای اخلاقی را از پدر بارث برده مورد احترام محلی هاست. در شیراز و سایر شهرستانها پیمانکاری معتبر است و شرکت ساختمانی نماکار را اداره میکند و کارهای بزرگ و عمده را قبول و بنحو مطلوب انجام میدهد. عیال او فرخ تاج دختر اسماعیل خان کریم آقائی است فرزندان بنام مهرنوش و آقا بزرگ دارد. فرخ سلطان دختر فرج اله خان عیال فریدون خان پسر حاج عبدالرحمن و طلعت خانم دختر دیگر هژبر نظام عیال رستم خان پسر حاج خدایار محب پور است (زینب دختر اله نظر پسر اله کرم عیال فرج اله خان هژبر نظام بود). نعمت اله خان پسر حاج حاتم بیگ دختری دارد بنام سلطنت که ابتدا همسر آقا بزرگ خان و مادر چنگیزخان بود. بعد از فوت آقا بزرگ خان با کربلائی نوروزمحبی ازدواج نمود. فرزندی بنام افراسیاب (آقا) دارد که در واقع افراسیاب و چنگیزخان برادر بطنی هستند.

**علیشاهی** - علیشاه فرزند عربشاه فرزندان مختار آقا، سبزعلی، طهماسب، قره خان، آزادخان، کربلائی عوضعلی، نوشاد، هدایت، امیرخان بیک بود. فرزندان سبزعلی بهادرخان و نادرخان و طرلان و جانجان و زهرا بود. عیال بهادرخان جهان سلطان دختر حاج ابراهیم پسر حاج عبدالله فرزندان سبزعلی، محمدنسیم، آقچه گل. فرزندان سبز علی حاج داراب درجه دار بازنشسته شهربانی، کریم درجه دار شهربانی، بهادر که شغل رانندگی دارد. همسر حاج داراب شمسی جان دختر علی قباد فرزندان بنام نادر و طرلان دارد. عیال دیگر حاج داراب تاجی دختر مشهدی حسن حسن بیگی کریم آقائی فرزندان نیک بخش، بهنام، فریبا، نازیلا میباشد.

عیال محمد نسیم پسر بهادر خان سلطان دختر سهراب فرزندان سهراب و جهان سلطان. عیال سهراب زری دختر نظر علی فرزندان محمد، روزبه، رامین، سیمین است. جهان سلطان دختر محمد نسیم عیال محمد پسر ابوالقاسم از طایفه ایبوردی پاشائی فرزندان سرمست، علی، سلطان میباشد. آقچه گل دختر بهادرخان عیال یداله پسر ملاحیدرقلی برخوردار است.

عیال نادرخان پسر سبزعلی پسر علیشاه، جهان سلطان دختر حاج ابراهیم پسر حاج عبدالله (جهان سلطان بعد از فوت نادرخان عیال بهادرخان شده است) فرزندان شفیع خان و حبیبه که حبیبه عیال علی مینا پسر کرمعلی مرادی فرزندان نزاکت و کربلائی خاتون که نزاکت ابتدا عیال معصومعلی پسر خدانظر مرادی بود. فرزندی بنام گوهر دارد که عیال حاج امراله پسر مشهدی علی بای قلی است. بعداً با طمراس پسر ابوالقاسم پاشائی ایبوردی ازدواج نمود فرزندان



اله کرم، ابوالقاسم، نوش آفرین است. کربلائی خاتون عیال مشهدی علی پسر معصومعلی بای قلی است. فرزندانش حاج سیف اله، حاج امراله، حمایت اله، عین اله است.

طرلان عیال علیخان دختر سبز علی پسر علیشاه دختری بنام مریم داشت که عیال شیرزاد پسر حاج حسین (محمدآقائی) بود. دخترش ماه زینب عیال غلامحسین پسر ملک حسن محمدآقائی است. علی قباد پسر طهماسب پسر علیشاه عیال او نساء دختر ابوصالح فرزندانش علی نجات و علی و باباجان و شمسی جان و بتول و نوری جان میباشد. عیال علی نجات لطافت از اهالی منصورآباد و عیال علی دختر ملک حسین جمشیدی بنام سلطان میباشد. شمسی جان دختر علی قباد زن حاج داراب پسر سبز علی است.

هدایت پسر علیشاه فرزندش هادادخان و فرزندانش هادادخان یونسعلی، پرویز، خسرو، شریف، بیگم جان است. فرزندانش یونسعلی هدایت و کریم و نرگس خاتون. عیال هدایت زهرا دختر خسرو و عیال پرویز خدیجه فرزندانش شریف و زینت و نازی بی. عیال شریف دختر رضاقلی خویبیری و خواهر تیمور است. زینت دختر پرویز عیال گروهان نجفقلی کاظمی پسر حسینقلی است. فرزندانش بنام جعفر و حسین کارمند ذوب آهن و سیروس و رضا دارد. جعفر پسر گروهان کاظمی با دختر اردشیر کاظمی (دختر عموی خود) ازدواج نموده. خدیجه عیال پرویز خواهری هم بنام ماهجان دارد که عیال خانجان از افراد قشقائی بود (خانجان و وزیر دو برادر بودند که نزد مرحوم قوام دفتر و عبدالجمید خان خدمت میکردند) از علیشاهی ها سهراب فرزندش فاطمه میباشد.

**علی قنبری** - حسینعلی پسر ملاعباسعلی فرزندانش فتحعلی، خیرعلی که مادر آنها زهرا بود. زهرا بعد از حسینعلی عیال سیف اله پسر صفرعلی پسر احمد شد. فرزندانش سیف اله صفرعلی و قنبرعلی است. عیال صفرعلی رودابه دختر فرج اله محمد آقائی فرزندانش سیف اله، سپهدار، خرم تاج و منیره که سیف اله و سپهدار در خارج بادامه تحصیلات عالی مشغول و دانشجو هستند (پدر مشهدی محمد علی امیدی که مشهدی احمد است با پدر صفرعلی پسر عمو هستند و مادر حاج محمد دادخواه داماد مرحوم علی محمدخان ضیاء دیوان قهرمانی. علی قنبری باصری و خواهر سیف اله میباشد بنابراین حاج محمد دادخواه پسر عمه صفرعلی میشود).

**قهرمانی** - باباعلی بیگ کوسه احمدلوی افشار پسرش محمدعلیخان «قباخ قلیخان» پسرش حاج بیرمشاه خان (فارسانامه ناصری او را محمدصالح آقا نیز نوشته است) پسرش عربشاه خان فرزندانش عربشاه خان حاج قهرمانخان، سعدی خان، آقاخان یا عربشاه خان ثانی، نعمت اله خان، محمدحسینخان، هیبت اله خان فرزندانش حاج قهرمانخان عبارت بودند از عباسخان باتمانقلیج یا عباسقلی خان و عبدالرحیم خان و ماه نسا خانم.

هنگام لشکرکشی نادرشاه افشار در تعقیب اشرف افغان حکومت فارس با محمدتقی خان شیرازی بود، در نتیجه طغیان بدست محمدحسینخان قرقلوی افشار کشته میشود (۱۱۵۸ هجری قمری) بعد از او حکومت فارس به میرحسین بیگ داروغه اردوبازار شیراز منتقل شد. او هم توسط محمدحسینخان قرقلو بقتل میرسد. پس از میرحسین بیگ حکومت فارس را بعهد حاتم خان کردبادلو بر گذار مینماید. نامبرده هم چون نمیتواند از عهده خدمات محوله و وصول مالیات دیوانی برآید از حکومت عزل میگردد و فرمان ایالت فارس توام با لقب قباخ قلیخانی (از القاب ترکی آن زمان بوده و

یعنی پیش آهنگ و پیشرو قشون و جلودار شاه) بافتخار محمد علی بیگ قورت پسر باباعلی بیگ برادرزن نادرشاه صادر گردید ۱۱۵۹ هجری قمری.

فارسنامه ناصری درباره اصل و نسب خاندان خوانین ابوالوردی (ابیوردی) اینطور مینویسد: ایل اینانلو از ایلات ترکستان میباشد که از زمان سلاطین مغول بفارس آمده اند بیشتر از اوقات چندین هزار لشکر از سوار و پیاده در خدمت سلاطین بوده اند. قشلاق ایل اینانلو یعنی محل توقف زمستانه آنها بلوک خفر و داراب و فسا بوده است و بیلاق آنها بلوک رامجرد و مرودشت است. ضابطی این طوایف از زمان سلاطین صفوی (اوایل طلوع نادر) در سلسله خوانین ابوالوردی بوده جد اعلاى آنها محمد صالح آقای ابوالوردی (بیرمشاه خان) در اواخر سلطنت صفوی بضابطی و حکومت ایل اینانلو منصوب شد. بعد از وفات او پسرش عربشاه خان بجای پدر برقرار گردید و از اوایل دولت نادری تا اواخر سلطنت کریمخان زند بحکومت ایل اینانلو میپرداخت و بعد از وفات او پسرش حاج قهرمانخان بجای پدر نشست و در خدمت کریمخان زند احترامی بسزا داشت و چندین عمارت و خانه و حمام در محله اسحق بیگ شیراز احداث نموده و تاکنون حمام حاج قهرمانخان به آبادی باقی است و بعد از وفات او پسرش عبدالرحیم خان بضابطی ایل اینانلو برقرار گردید و در سال ۱۲۳۰ و اند وفات یافت و ضابطی ایل اینانلو چند سال به پسرش مهرعلیخان واگذار گردید و بعد از او ضابطی ایل اینانلو از این خانواده بیرون رفت. بهرام خان پسر عبدالرحیم خان چند سال بیاوری توپخانه مبارکه سرافراز بود و مصطفی قلیخان شجاع الملک پسر عباسقلی خان (یا عباس خان) باتمانقلیچ نوه حاج قهرمانخان ابوالوردی در توپخانه مبارکه بدرجه سرهنگی برقرار است و در جنگهای داخلی مخصوصاً در فتح قلعه تبر<sup>۱</sup> داراب شجاعت فوق العاده از خود ظاهر نموده. (فتح قلعه تبر بوسیله مصطفی قلیخان در زمان حکومت فرهاد میرزا معتمدالدوله چهارم محرم سال ۱۲۹۴ هجری قمری و بسررداری علی محمدخان قوام الملک بوده و در این باره محمدحسینخان پسر محمدعلیخان ایلخانی قشقائی تک بیته سروده که جالب است:

از تیشه فرهاد شکست تبر آمد شیرین تر از این کی بر خسرو خیر آمد

معروف است که در سال ۷۳ هجری هم خورشید نام حاکم جهرم از محمدبن یوسف ثقفی والی مملکت فارس برادر حجاج بن یوسف طاغی گشته بآنجاه پناه برده و همچنین در سال ۴۵۸ فضلیه شبانکاره نیز از شاه سلطان الب ارسلان سلجوقی فراری و به قلعه پناه میبرد و خواجه نظام الملک بفارس آمده او را محاصره و دستگیر و در قلعه استخر محبوسش مینماید) مزید آبرو و اعتبار او گردید. کلانتر ایل اینانلو در هر وقت از طایفه ای بود مانند اینکه سالها رحیم خان قورت بکلانتری ایل اینانلو برقرار گردید. از مندرجات تاریخهای دیگری نیز چنین بر می آید که ایل اینانلو از سالها قبل از نادرشاه در فارس بوده اند. منتها ضابطی این ایل از زمان نادرشاه بضمیمه حکومت فارس بعهد خوانین ابیوردی تفویض گردیده ابتدا قباخ قلیخان بعداً فرزند او حاج بیرمشاه خان و بعد عربشاه خان و پس از او حاج قهرمانخان دوام این نفوذ و قدرت را در فارس پی گیری نموده اند. عباس خان باتمانقلیچ پسر حاج قهرمانخان فرزندانش مصطفی قلیخان شجاع الممالک و حیدرقلیخان:

۱- قلعه تبر در بلوک جهرم در هشت فرسخی شرقی شهر جهرم است. کوهی برج مانند از سیصد تا چهارصد و پنجاه متر بلندی دارد. فضلعلی بیگ بهارلو در آنجا نسبت بدولت یاغی و طاغی بوده است.

مصطفی قلیخان از افسران رشید و رئیس توپخانه در دوران خود و شرکت در جنگها افتخاراتی شایان کسب و بدرجه سرتیپی (میرپنج) مفتخر چندین مدال و نشان گرفته است. عیال او حاجیه خاور خانم (سلطان الحاجیه) دختر محمد حسینخان پسر آقاباباخان برگشادی (آقاباباخان از مردان نامی و مازندرانی بوده آثاری از او بنام مدرسه و حمام آقاباباخان باقی است و در جنوب شهر شیراز باغی داشته است که سروهای کهن سال آن هنوز بنام سروهای آقاباباخانی معروف است) فرزندان مصطفی قلیخان شجاع الممالک، محمد حسن خان مسعودالممالک (سالار مسعود)، محمدحسینخان منتظرالممالک، محمد علیخان شجاع الممالک دوم، علی اکبرخان، فرنگیس خانم، شوکت السلطنه، قمرزمان (قمرخانم)، سلطنت خانم (رودابه) بوده است.

محمد حسن خان مسعودالممالک (سالار مسعود) از افسران لایق و رئیس توپخانه دارای مدارجی عالی اخیراً در شهرستانهای متعدد بحکومت منصوب و مردی متقی و متدین و متشخصی بود. عیال او طلعت الملوک دختر حاج حضرتقلی خان اصفهانی معروف به حاجی یاوری از مردان بنام اصفهان فرزندانش مصطفی، مرتضی، غلامرضا، علی، قمر، فاطمه، ملوک، فرخنده، طوبی، بلقیس. مصطفی خان پسر سالار مسعود با درجه سرهنگی افسر امور مالی و از افسران شایسته و لایق بود. عیال او یکی گوهر خانم دختر محمد حسن خان نصرت الممالک پسر حاج حضرتقلی خان یاوری که از او یک دختر بنام پروین دارد. عیال دیگر مصطفی خان زرین تاج دختر ناظم الشریعه امامی فرزندانش مهندس خسرو، پرویز افسر نیروی همائی و پروانه و فتانه و ژاله میباشد.

مرتضی خان پسر مرحوم مسعودالممالک از صاحب منصبان عالیقدر شرکت نفت بزبان انگلیسی مسلط نسبت بفامیل مهربان و مردی است شایسته. عیال او قدسی خانم دختر صادقخان گنجور فرزندی بنام مینا دارد که همسر غلامعلی فطانت است.

غلامرضا خان فرزند سالار مسعود از افسران شایسته ژاندارمری همیشه دارای پستهای فرماندهی با درجه سرهنگی بافتخار بازنشستگی نائل فعلا در سازمان دفاع غیر نظامی اهواز است. عیال او هلی خانم دختر مرحوم میرزا خانی شیبانی از سران محترم ایل عرب شیبانی که مدتی رئیس انجمن شهر (بلدیه) و شهردار شیراز بود. هلی خانم از طرف مادر دختر رقیه خانم دختر محمد صادق خان پسر علیقلی خان پسر محمدعلیخان پسر آقاخان پسر عربشاه خان پسر بیرمشاه خان پسر قباخ قلیخان (مرحوم محمد صادقخان مردی مهربان و فامیل دوست و مورد احترام مردم شیراز مخصوصاً ساکنین محله میدانشاه بود). سرهنگ غلامرضاخان فرزندی بنام مسعود، هاید، فریده، فهیمه، فتانه، فیروزه دارد. علیخان پسر سالار مسعود بازنشسته ژاندارمری و فعلا در امور اداری دانشگاه پهلوی اشتغال دارد. عیال او شمسی خان خوشنویس میباشد.

قمر خانم دختر سالار مسعود عیال مرحوم مهندس عبدالحسین قریب فرزند او اعظم خانم همسر سرهنگ فصیحی است. فاطمه دختر سالار مسعود عیال ماشاءاله ثابت قدم فرزندان او محمدرضا افسر ارتش و افسر خانم میباشد. ملوک خانم دختر سالار مسعود عیال عبدالحمید خان اسدی پسر کربلائی غلامحسین سامی وند ایوردی فرزندانش ایرج افسر ارتش و جمشید و مجید و منوچهر که عموماً دارای تحصیلات عالی هستند. خانم فرخنده دختر سالار مسعود عیال ایران نژاد فرزندش دکتر هوشنگ متخصص جراحی است. طوبی خانم دختر سالار مسعود عیال علی حقیقت فرزندانش عبدالله افسر شهربانی و هما و عالم تاج است.

محمد حسینخان (منتظر الممالک) فرزند مصطفی قلیخان از افسران رشید توپخانه تا درجه سرهنگی مفتخر گردیده. عیال او دختر آقا شیخ جلال و خواهر سروان حسین جلالی (از وکلای میرز دادگاه نظامی) از فامیل محترم امامی فرزندان محمد مهدی خان، قاسم خان.

سرهنگ محمد مهدی خان از افسران رشید و لایق توپخانه بسیار مهربان و خوش خلق همیشه طرف توجه اولیای ارتش و دارای پستهای فرماندهی بوده و مأموریت‌های مهم باو محول میگردد. عیال او طوبی خانم دختر مرحوم سالار مسعود که از او فرزندی نداشت. عیال دیگرش زرین تاج دختر ناظم الشریعه برادر امام جمعه شیراز فرزندان بنام دکتر ارسلان استاد دانشگاه و دکتر ایرج که هر دو نفر شایستگی و لیاقت را از پدر بارث برده اند. قاسم خان پسر مرحوم منتصر الممالک از افسران شایسته و با درجه سرهنگی بافتخار بازنشستگی نایل گردید. همیشه دارای پستهای حساس و حکومت انتظامی ایلات را بعهده داشته مردی است مهربان و فامیل دوست. عیال او سیما خانم دختر سروان حسین جلالی فرزندانش بهادر و بهنام و به رخ است.

محمد علیخان شجاع الممالک دوم پسر مصطفی قلیخان از افسران رشید توپخانه در میدانهای نبرد همیشه افتخارات مهمی کسب نموده. عیال او سلطان خانم دختر حاج چراغخان کرونی از محترمین فارس فرزندانش غلامحسین خان و عباسخان. عیال غلامحسین خان گلین خانم دختر حیدرخان پسر بهرامخان پسر عبدالرحیم خان فرزندی بنام محمدعلیخان دارد که در طهران زندگی میکند و دارای کامیون باری و گاراژ است. گلین خانم بعد از غلامحسین خان با عباسخان برادرش ازدواج مینماید. فرزندان بنام بهرامخان و بهمن خان دارد. پسران بهمن خان مسعود، سیروس و فریبرز است.

علی اکبر خان سرهنگ پسر مصطفی قلیخان از افسران لایق توپخانه و از همکاران صمیمی پدر خود در جنگها و مأموریت ها بوده است. عیال او حیات النفوس دختر حاج محمد علی امین الرعایا معروف به استاد فرزندان سرهنگ حبیب اله خان از افسران رشید توپخانه دارای مدارجی عالی مهربان و خوش هیکل. عیال او شمسی خانم دختر رحیم آقا صراف پسر کربلائی حاجی صراف شیرازی فرزندانش سیروس، مهرزاد، اسماعیل، ابراهیم، سیمین، شهین، آذر، سوسن، نسرين است. علی اکبرخان پسر دیگری بنام مصطفی خان داشت که جوانمرگ شد.

تاج الملوک دختر علی اکبر خان عیال محمد جعفرخان پسر محمد حسینخان بود. همدم الملوک عیال عبدالعلی خان ایزدپناه از صاحب منصبان عالی رتبه دارائی و اقتصاد و از محترمین فسا فرزندان بنام احمد، مهدی، حمید دارد (حاج امین الرعایا پدر زن علی اکبرخان دختر دیگری بنام گوهر الملوک دارد که دختر او مهین همسر دکتر ابوالقاسم صحت است).

فرنگیس خانم دختر مصطفی قلیخان عیال خانباباخان پسر مهدی قلیخان. شوکت السلطنه عیال میرزا احمدخان پسر میرزا حسن خان پسر حاج سید محمد بوده که فرزندان بنام محمد منفرد و زینت السادات دارد. عیال محمد منفرد دختر حاج محمد تقی تجلی شیرازی و فرزندان بنام حسن، احمد، علی و شوکت خانم دارد. محمد منفرد در کادر وزارت کشور و همیشه دارای پستهای حساس از قبیل بخشداری و شهرداری بوده. حسن فرزند او نیز شهردار سعادت آباد و احمد دیپلمه میباشد (عیال حاج سید محمد جد محمد منفرد خورشید خانم دختر آقاباباخان مازندرانی برگشادی است که در

واقع خورشید خانم عمه سلطان الحاجیه زن مصطفی قلیخان شجاع الممالک میشود). زینت السادات خواهر منفرد همسر خدرخان برادر امامقلی خان و حسن خان فیلی میباشد.

قمر خانم دختر مصطفی قلیخان عیال حسن خان پسر حیدر قلیخان و سلطنت خانم (رودابه) همسر امان اله خان اقتدار نظام بود.

حیدر قلیخان پسر عباس خان باتمانقلیج از افسران عالیقدر توپخانه مبارکه در جنگها و مأموریتها با برادر خود مصطفی قلیخان شرکت داشته. عیال او شاه بی بی دختر حاج نظر بیگ پسر قره محمد بیگ پسر عبدالرحیم خان بود فرزندان او امان اله خان اقتدار نظام، حسن خان، نصرت خان.

مرحوم امان اله خان اقتدار نظام سرهنگ از افسران بسیار مطلع، باسواد، رشید و برازنده مدتی جزو توپخانه مبارکه و نایب الحکومه بندرعباس و بعداً بخدمت پلیس وارد و رئیس پلیس شهربانی شیراز بود، خوشنویس و قریحه شعری عالی داشت، نسبت به فامیل مهربان و رؤوف و در حل معضلات یار و مددکار بود. عیال او یکی سلطنت خانم (رودابه) دختر مصطفی قلیخان که از او دو دختر بنام زری خانم و خانم زمان دارد. خانم زمان همسر محمد حسینخان پسر سلطان ابراهیم خان بود. عیال دیگر مرحوم اقتدار نظام مرضیه خانم دختر حسینعلی از او دختری بنام تاجی خانم است که عیال دکتر منصور فروزان عضو شرکت نفت میباشد فرزندان بنام سوسن، همایون، فرهاد دارد. حسن خان پسر حیدر قلیخان عیال او قمر خانم دختر مصطفی قلیخان فرزندی بنام فریدونخان دارد.

عبدالرحیم خان فرزند حاج قهرمانخان پسر عربشاه خان فرزندانش حسنعلی خان، بهرام خان، علی نقیخان، صفرعلیخان، مهرعلیخان، علیمحمدخان، قره محمدخان، ماهجان خانم، ملکی جان خانم. فرزند حسنعلی خان خانم آقا. فرزندان بهرام خان حیدرخان و ماه سلطان خانم. فرزندان حیدرخان عزیزخان گلین خانم که ابتدا عیال غلامحسین خان و بعد همسر عباسخان پسر محمدعلیخان شجاع الممالک شد. ماه سلطان خانم دختر بهرام خان عیال سلطان ابراهیم خان پسر محمد جعفرخان بزرگ بود.

علی نقی خان پسر عبدالرحیم خان فرزندش سلطان محمدخان مجلل نظام بوده عیال او فاطمه سلطان خانم دختر حاج ایازخان. صفر علی خان پسر عبدالرحیم خان فرزندانش حاج اعراض خان، حاج ایاز خان بودند. فرزند حاج اعراض خان زیور خانم است. فرزندان حاج ایاز خان عبارت بودند از محمد جعفرخان و فاطمه سلطان خانم.

محمد جعفرخان عیال او ماهجان خانم دختر عبدالرحیم خان (ماهجان خانم داستانی عجیب و شنیدنی دارد. زن خیلی متهور و رشیدی بوده است بطوریکه معروف است موقعی که عبدالرحیم خان را از ضابطی و ایلخانگری ایل اینانلو عزل کرده بودند جانشین او با دبدبه و کبکبه به ایل میرود. وقتی به نزدیک چادر عبدالرحیم خان میرسد نوکرها و خدمه او از او میپرسند چادر شما را کجا برپا کنیم. ضابط جدید که سری پرشور و دماغی پر باد و غروری بی حد داشته به نوکرهای خود پاسخ میدهد چون زمین نزدیک چادر عبدالرحیم خان نرم است برای کوبیدن میخ چادر مناسبت تر از همه جاست. ماهجان خانم که این حرف گوشه دار و طعن آمیز را می شنود عصبانی و متغیر شده دستور میدهد انبوهی هیزم خشک فراهم میکنند و بدون تأمل آتش بر پا میسازند و ضابط جدید را میان آتش و هیزم ها انداخته و آتش میزند و بدرک اسفل واصل و هیمنه اش را با هیمه انتقام میسوزانند. این خبر بگوش والی فارس میرسد و از جریان مطلع میشود از شهامت و مردانگی ماهجان خانم و غیرتی که بخرج داده خوشش میآید و تحسین میکند و حکم ضابطی و ایلخانگری را

بنام ماهجان خانم صادر مینماید و با خلعت برایش میفرستد. حقیقته اعجوبه ای بوده با این اقدام خود موجبات عبرت دیگران را فراهم و نام نیکی از خود باقی میگذارد).

فرزندان محمد جعفر خان سلطان ابراهیم خان و اسماعیل خان. عیال سلطان ابراهیم خان ماه سلطان خانم (ایران خانم) دختر بهرام خان فرزندانش محمد حسینخان و ماه جبین خانم و طوبی خانم. عیال محمد حسینخان زمان دختر مرحوم امان اله خان اقتدار نظام فرزندی بنام محمد جعفر خان داشت. محمد جعفر خان افسر شهربانی رشید و شجاع و مهربان و خوش قیافه و دارای مدارجی عالی. مدتی رئیس شهربانی جهرم بود، معضلات فامیل را گره گشائی میکرد. عیال او تاج الملوک دختر علی اکبر خان سرهنگ پسر مصطی قلیخان فرزندانش سرور اقدس، نزهت، منیر، رحمت اله خان. سرور اقدس همسر تیمسار سرلشکر ابراهیم آریا پسر نایب میرزا که از مجاهدین معروف و شهید راه میهن بود میباشد. سرلشکر آریا خود نیز از افسران رشید و خوشنام و مورد عنایت شاهنشاه آریامهر و بهمین مناسبت چند سال است در استانهای مختلف کشور سمت ریاست هیئت های بازرسی شاهنشاهی را دارد، رسته ایشان توپخانه و مدتی افسر انتظامی ایلات فارس بود. فرزندانی بنام میترا و آرزیتا دارد. نزهت خانم همسر سهرابخان پسر محمد تقی خان از محترمین جهرم است که مادر سهرابخان ایران خانم دختر محمد علیخان قهرمانی است. منیر خانم دختر محمد جعفر خان عیال علی اکبر خان منصوری از محترمین فسا میباشد فرزندانش فرزاد، ویدا، لیدا میباشد.

رحمت اله خان پسر محمد جعفر خان افسر ارتش و عیال او دختر مشیری وفائی است. ماه جبین خانم دختر سلطان ابراهیم خان عیال آقا سید علی اکبر بود فرزندی بنام اسداله خان امیر قهرمانی دارد. مردی است بسیار با هوش و با سواد متدین و نسبت به فامیل متعصب و مهربان. در طهران مورد توجه و علاقه اکثر رجال سرشناس کشور میباشد و فعالیت تجارتي دارد.

فرزندان اسمعیل خان پسر جعفر خان جوادخان، علیخان، منصورخان، زینت خانم میباشد که زینت خانم همسر عیسی خان قهرمانی است.

علیمحمدخان پسر عبدالرحیم خان پسر حاج قهرمانخان عیال او از محترمین و خوانین کرونی که با عیال محمدعلیخان شجاع الممالک دختر عمو میشوند. علیمحمدخان دختری بنام خورشید خانم داشت که همسر مرحوم ولی بیگ<sup>۱</sup> چابک سوار پسر خداکرم بیگ پسر علی کرم بیگ پسر شاه کرم بیگ بود. ولی بیگ در سواری ممتاز بوده و بهمین سبب به چابک سوار معروف شده است. از خورشید خانم دختر علیمحمدخان نوه حاج قهرمانخان پسری بنام غلامحسین خان داشت. مرحوم ولی بیگ غیر از خورشید خانم سه عیال دیگر اختیار نموده یکی مشهدی بی بی ناز دختر رحیم خان توللی (خواهر نصیربیگ) فرزندش محمد حسین بیگ و عیال دیگرش دختر حاتم بیگ گرائی از او فرزندی بنام میرزا غلامعلی

۱ - گفته شد که نادرشاه افشار هنگام تعقیب علیمرادخان بختیاری و شکست و قتل او عده ای از بختیاری ها را جزو سپاه خود نمود و خانواده آنها را بخراسان کوچ داد. بموازات این عمل عده ای از افراد ایل افشار و ایبوردی را در چغاخور و گندمان بختیاری سکونت داد. از این عده بعداً چندین خانوار بفارس مهاجرت مینمایند و به ایل اینانلو و ایبوردی فارس ملحق میشوند (معروف است در بین راه یکی از این طوایف ازدهائی میکشند که بعدها به ازدهاکش معروف میشوند) که این طایفه را بمناسبت نام چغاخور بختیاری چغاخوری یا جواخوری مینامند و هم اکنون در ایبوردیهای ایلیاتی تیره ای باین نام وجود دارد. جد ولی بیگ یعنی شاه کریم بیگ از این طایفه است. برادران ولی بیگ عبارتند از قره بیگ، ویس مرادبیگ، اسداله بیگ که پسر قره بیگ اماموردی بیگ بوده دختر اماموردی بیگ بنام طاوس عیال امیرخان و مادر نگهدار قهرمانی است.

یا کربلائی غلامعلی داشت (کربلائی غلامعلی مردی با سواد بوده و خط و ربطی خوب داشته و منشی اسفندیارخان پسر امامقلی پسر قبادخان قشقائی بوده که اسفندیارخان از لحاظ حاجیه هما بی بی دختر زاده محمد حسینخان برادر حاج قهرمانخان از نوه های عربشاه خان محسوب میشود) عیال دیگر ولی بیگ از اهالی محله دروازه کازرون شیراز و فرزندی بنام عبدالحسین دارد.

غلامحسین خان ولی بیگ مردی متدین، مهربان، فامیل دوست و شجاع بود. ابتدا در دستگاه مرحوم قوام الملک و بعد وارد دستگاه مرحوم صولت الدوله سردار عشایر گردید و در زمره مهربان مرحوم سردار در آمد. در جریان جنگ بین الملل اول در معیت محمد حسینخان برادرش و غلامحسن خان برادرزاده اش و جوادخان و مصطفی خان و مهدی خان فرزندان و میرزا نصراله خان معین دفتر و میرزا شاهرضاخان قوام دفتر با مرحوم صولت الدوله همکاری داشته اند که مرحوم غلامحسین خان مأموریت پیدا میکند نزد خوانین دشتی و دشتستان و تنگستان رفته و کمک بگیرد و او موفق میشود. در این مأموریت با جمال خان و رئیس عبدالحسن دشتی و زائر خضرخان تنگستانی و شیخ حسینخان چاه کوتاهی تماس بگیرد. رئیس عبدالحسن پسر خود را با هفتصد نفر سوار و جمال خان پسر خود مظفرخان را با پانصد نفر سوار رشید و دلیر باتفاق غلامحسین خان نزد سردار عشایر میفرستد و در فراشبند باردوی سردار ملحق میشوند. این اقدام غلامحسین خان موجب رضایت و امتنان مرحوم سردار عشایر گردیده و محبوبیتی بسزا کسب نموده و حتی مدتی بحکومت کازرون منصوب میگردد. در جنگ بین الملل مرض انفلوآنزا شایع میشود که تا لحظات آخر و در آن موقع هم مرحوم غلامحسین خان و سایرین (باستثنای مرحوم قوام دفتر که در همان ابتدای شیوع مرض بشیراز میآید) مقاومت مینماید و قوام دفتر هم چون حالش خیلی بد بوده نمی تواند تحمل نماید. عیال مرحوم غلامحسین خان ابتدا جیران خانم دختر حاج ابراهیم خان از محترمین و افراد بنام ایبوردی بوده از او فرزندان بنام جوادخان، مصطفی خان و مهدی خان و خانم بهیه دارد.

جوادخان مانند پدر مردی متدین و دوست داشتنی است. نسبت به فامیل فوق العاده مهربان و متعصب و باسواد و در دستگاه مرحوم سردار عشایر مورد اعتماد و احترام فعلاً در امور زراعت و کشاورزی مشغول. از هنر تار و موسیقی بهره وافی و کافی دارد. از شاگردان ممتاز حاج علی اکبرخان شهنازی استاد تار بود. دو عیال اختیار کرده یکی طلعت خانم دختر محمد جعفربیگ پسر حاج کریم. از او فرزندان بنام جهانشاه، جهانپور، آذر، نیکو و شکوه دارد. جهانشاه و جهانپور هر دو در کادر آموزشی و دبیر هستند. از لحاظ سجایای اخلاقی اگر پدای پدر نمی رسند ولی رویهمرفته از صفت عالی مهربانی پدر برخوردار هستند. جهانشاه در کار میکانیکی متبحر و جهانپور در ورزش و مخصوصاً دوچرخه سواری ماهر و در مسابقات اکثراً جایزه ممتاز گرفته است. عیال دیگر جوادخان نرگس بی بی دختر کاظم خان کلانتر صفی خانی است. فرزندان بنام مهین و شهین و ثریا و بیژن دارد.

مصطفی خان فرزند مرحوم غلامحسین خان از لحاظ وجهه اجتماعی از مفاخر فامیل محسوب همیشه در اجتماع مقامی والی داشته مدتی در دستگاه مرحوم سردار عشایر مشاغلی مهم از قبیل ضابطی فیروزآباد و فراشبند را داشت چندی عضو عالی رتبه وزارت کشاورزی و اخیراً چند دوره عضو انجمن شهر شیراز و نایب رئیس انجمن بوده. بسیار مهربان و فامیل دوست، مطلع و با سواد در بین مردم مخصوصاً سندیکاهای مختلف کارگران و اصناف محبوبیتی بسزا دارد. شرکت آجر فشاری قهرمانی را برای احتراز از بیکاری اداره میکند. در دوائر دولتی و نزد مدیران کل و حتی استانداران وقت

مورد احترام و طرف مشاوره میباشد. دو عیال اختیار کرده یکی خانم بهود دختر عزیز خان پسر اسماعیل بیگ پسر صیغوری بود. از او دخترانی بنام شهر آشوب و دکتر پریوش و کیوان دارد. شهر آشوب عیال ناصر عبداللهی پسر محمد حسینخان از محترمین بردج و دوده و داریون میباشد. کیوان همسر ناصر حسن زاده (در کادر آموزشی دبیر میباشد) و دکتر پریوش عیال دکتر علی سجادی است. عیال دیگر مصطفی خان اقدس خانم دختر جهانگیر خان مهرزاد (مرتجی سابق) و خواهر آقای ایرج مهرزاد نماینده مجلی شورای ملی است. از او فرزندان بنام غلامحسین و شیرین و نیلوفر دارد که شیرین همسر علی آشتیانی از محترمین کرمان است. مصطفی خان و خانم او بمکه معظمه مشرف و حاجی و حاجیه خانم هستند.

بهیه خانم دختر غلامحسین خان همسر آقا بهاءالدین محلاتی فرزند آیت اله حاج میرزا جمال الدین مجتهد محلاتی (خدایش غریق رحمت خود فرماید از اجله علمای اعلام شیراز عالمی نحیر و وارسته بود) فرزندان بنام فروغ الدین، نصیرالدین، سرورالدین، علاءالدین دارد که همه آنها دارای تحصیلات عالی در حد مهندس میباشند. مهدی خان پسر غلامحسین خان جوانی برازنده بود جوانمرگ شد. عیال دیگر مرحوم غلامحسین خان قهرمانی عصمت خانم دختر محمد حسن بیگ پسر حسینعلی بیگ ایکدر قشقائی فرزندان بنام دکتر رضاقلیخان فارغ التحصیل امریکا استاد دانشگاه اهواز بسیار مهربان و پزشکی حاذق است. عیال او امریکائی میباشد. ولیخان سرهنگ شهربانی در تشکیلات شهربانی همیشه دارای مشاغل حساس و مورد احترام میباشد.

منیر خانم دختر غلامحسین خان لیسانسیه و در آموزش و پرورش مقامی والا دارد. مدتی رئیس منطقه یک آموزش و پرورش و فعلاً در اداره کل فرهنگ و هنر است. عیال ناصر کجوری از خاندان جلیل و علمای اعلام کجوری است که جد ماجد ایشان از عرفای عالیقدر و مجتهدین بزرگ بنام علامه شیخ مهدی کجوری بوده است. ناصر کجوری قبلاً در شهرستانهای معتبر ایران رئیس آموزش و پرورش و فعلاً مدیر کل فرهنگ و هنر استان فارس است.

مهری خانم دختر غلامحسین خان نیز لیسانسیه و از کارمندان عالی رتبه آموزش و پرورش و فعلاً رئیس منطقه یک آموزش و پرورش شیراز میباشد. شوهر مهری خانم هوشنگ افراسیابی پسر ابوالقاسم خان پسر آقا اسکندر از سران محله دروازه کازرون میباشد. هوشنگ افراسیابی در شهرداری شیراز مدتی معاون شهرداری بود با مطبوعات همکاری داشته با ذوق و نویسندگی شایسته است.

زینت خانم دختر غلامحسین خان عیال حاج اکبر پسر حاج ابوالقاسم تشکر از مالکین معتبر شیراز است. خورشید خانم عیال بهرام کمالی است که ایشان نیز از محترمین سروستان دارای تحصیلات عالی لیسانس عضو عالی رتبه ثبت اسناد فارس و مدتی هم شهردار کازرون بود (عصمت خانم عیال مرحوم غلامحسین خان قبلاً همسر محمد حسین خان فرزند محمد جعفر بیگ بوده که از او فرزندی بنام حسنعلی خان داشت. خدایش بیامرزد جوانی مهربان و برازنده بود جوانمرگ شد و فرزند دیگری بنام اسداله خان بوستانی دارد که مدیر روزنامه اجتماع ملی است. با مطبوعات همیشه همکاری داشته و در انجمن های قلم و ادب شرکت دارد عضو شورای داوری و در بین مردم مورد احترام است. اخیراً بسمت نمایندگی انجمن شهر شیراز انتخاب گردیده).

محمد حسین بیگ پسر ولی بیگ عیال او دختر نصیر بیگ توللی فرزندی بنام غلامحسن خان دارد. مردی است بسیار مهربان و متدین و فامیل دوست. در اسب سواری ممتاز و همیشه در مسابقات اسب دوانی برنده جایزه های عالی و در



حین سوارکاری هنرنمائیهای عجیبی مینمود. مثلاً در تاخت زیر شکم اسب میرفت، از روی زمین دستمال بر میداشت و سرش را روی زمین میگذاشت و با انگشتان پا دستمال بازی میکرد. غلامحسن خان به پیاده روی خیلی علاقمند است. عادت اوست که صبحهای خیلی زود باید مسافت زیادی راه برود. در امور زراعتی با جوادخان و مصطفی خان شرکت دارد. در اینجا چون اسم غلامحسن خان آمد و همیشه هم این اسم با اسب و سوارکاری مترادف میباشد لذا حیفم می آید از نژاد و رنگ و اسم بعضی از اسبهای معروف توضیحات بیشتری ندهم:

(رنگ اسبها: کزنند، قزل، قزل مگسی، قره قزل، سرخون، کهر، کهرزانو، سیاه، قره کهر، قشقه، ابلق، سمند، کهر چهارقلم سفید، سفید یکدست.

نژاد اسبها: وزنان، نسمان، خراسان، کهیلان، حلیوان، باجلان، شراک، اشقر، شهپر، مله قوش، مجنون، چنارانی و ترکمن. نام اسبهای معروف: براق اسب حضرت پیغمبر، دلدل اسب حضرت علی، ذوالجناح اسب حضرت امام حسین، رخس رستم، شبذیز خسرو پرویز، شبرنگ بهزاد اسب سیاوش، جیران و ایلدرم و قرقی اسبهای نادر، قران اسب لطفعلی خان زند، بور، رفر (کره جیران را امیر کاوس به نادرشاه داده و رنگ آن سمند بوده است و ایلدرم اسب نادر سفید بوده) اسب را در قدیم باره میگفتند و بعربی فرس و به ترکی آت میگویند).

باری همسر غلامحسن خان زینت خانم دختر محمد کریم بیگ فرزندان بنام مهندس نوذر، بهادر، حسین، مینا، مریم، گیتی و پریچهر دارد. مینا خانم لیسانس و رئیس قسمت سپاه دانش فارس است. اخیراً با دکتر ایرج قهرمانی پسر امان اله خان ازدواج نموده است.

حاج نظر بیگ پسر قره محمد بیگ پسر عبدالرحیم خان پسر حاج قهرمانخان فرزندان بنام حاج حسینخان و حاج محمدبیگ و شاه بی بی و حاج محمد حسن بیگ داشته است. حاج حسینخان عیال او حسنی جان از باصریهای صالحی حسن آباد سرحد چهاردانگه فرزندان بنام علیمحمدخان و محمدعلیخان و کوچک خان و عبدالله خان و کوکب خانم داشت.

علیمحمدخان ضیاءدیوان پسر حاج حسینخان از صاحب منصبان عالیقدر وزارت کشور (وزارت داخله) از اساتید خط و انشاء مدتها رئیس کابینه ایالتی (دبیرخانه) فارس اکثراً احکام فرمانداران و حکام و ضابطین بخط زیبای آن مرحوم است. نزد زعمای دولت و ولایت قرب و منزلتی بسزا داشت. نسبت به فامیل مهربان و رئوف و مشکل آنان را حل مینمود. مدتی هم رئیس بلدیة (شهردار) مشهد بود. عیال او خانم پری رخ دختر نصیریگ نگهداری فرزندان بنام مصطفی، عصمت، نصرت، عزت (عزیزی)، عفت، قدسی، زینت، عکسی خانم دارد.

عصمت خانم همسر میرزا محمود خان پسر محمد علیخان و نصرت خانم عیال عبدالله حشمتی پسر سلیمان خان خانگهدانی خفری فرزندی بنام منیژه دارد که عیال عطاقلی احمدی اقلیدی است. فرزندان او ناهید، محمدرضا، فاطمه، احمدرضا، نازیلا، خدیجه، اعظم بانو میباشد.

عزت خانم عیال سالکی. عفت خانم عیال منصور بدیعی فرزندی بنام جمشید بدیعی دارد. قدسی خانم همسر داریوش صبری فرزندان بنام اشکان، مژگان، مرجان، افسون دارد. زینت خانم عیال فتح اله پسر ابراهیم از اهالی محله دروازه کازرون شیراز فرزندان بنام عنایت اله، عزیزاله، یداله دارد. حاجیه عکسی خانم همسر حاج محمدخان دادخواه پسر علی بیگ پسر نصراله بیگ باصری ظهرابی پسر احمد است (پدر حاج دادخواه با پدر حاج محمدعلی امیدی و پدر صفرعلی

علی قنبری پسر عمو هستند و مادر دادخواه دختر صفر علی و خواهر سیف اله میباشد) حاج محمدخان دادخواه عضو عالی رتبه شرکت نفت مردی است مهربان و رؤوف و مورد احترام اکثر محترمین و معارف شیراز و فعلا در کازرون نمایندگی و کارگزاری شرکت نفت را اراده میکند.

محمد علیخان پسر حاج حسینخان فرزندانش میرزا محمودخان، احمدخان (حاجیخان)، ایران خانم. میرزا محمودخان عضو عالی رتبه وزارت دارائی همیشه دارای مشاغل حساس و اخیراً رئیس اداره اعتبارات پیشکاری دارائی فارس بود. نسبت به فامیل مهربان و مدتی هم ضابط ایل ایوردی و جزو جمع دار مالیاتی طوایف آن و مورد احترام عموم ایلی ها بود. عیال او عصمت خانم دختر علیمحمدخان ضیاءدیوان فرزندان بنام دکتر محمدعلیخان (قهرمان) و منوچهر (شاپور) دارد که هر دو نفر افرادی شایسته و لایق میباشند. عیال دکتر محمدعلیخان فوزیه دختر احمد خان (حاجیخان) میباشد. احمدخان یا حاجی خان پسر محمدعلیخان نیز از صاحب منصبان عالیقدر دارائی و مدتها در شهرستانها امین و رئیس مالیه و دارائی و مردی مهربان و درستکار و طرف توجه پیشکاران وقت بود. فرزندانش عباسخان و محمدخان. عباسخان سرهنگ شهربانی بافتخار بازنشستگی نائل شده از افسران بسیار لایق همیشه دارای پستهای حساس و در شیراز رئیس شهربانی بود. عیال او عفت خانم دختر حاج محمد ابراهیم برومند فرزندان بنام رکسانا و احمد دارد. فرزند دیگر احمدخان محمدخان عضو عالی رتبه گمرک است.

ایران خانم دختر محمدعلیخان عیال محمد تقی خان از محترمین جهرم فرزندان بنام بهادر، سهراب، بهرام، نادر دارد. بهادرخان در کادر آموزش و پرورش و در قسمت تربیت بدنی و مورد احترام اکثریت فرهنگیان خصوصاً ورزشکاران است. عیال او گوهر خانم دختر مشکین قلم فرزندان بنام شاهرخ و شیوا دارد. سهراب خان مدیر داروخانه رحمت شیراز مردی است اجتماعی نسبت به فامیل مهربان و مورد احترام اهالی و جامعه پزشکان است. عیال او نزهت خانم دختر مرحوم محمدجعفرخان پسر محمدحسینخان نوه حاج قهرمانخان و فرزندان بنام حمید، رضا، عبدالرضا، مسعود، سعید دارد که همگی در تحصیلات مدارجی عالی دارند.

بهرام خان پسر ایران خانم با برادر خود در داروخانه رحمت همکاری دارد. عیال او خانم نگهداریان و فرزندانش فرهاد، ژاله، داریوش میباشد. نادرخان نیز با برادر خود در داروخانه رحمت است (عیال محمدعلیخان مادر ایران خانم بعد از محمدعلیخان با امامقلی خان رستم ممسنی ازدواج میکند از او دختری بنام بانو گشسب دارد).

کوچک خان پسر حاج حسینخان فرزندانش حسینخان، اکبر، اصغر، جهانگیر. کوبک خانم دختر حاج حسینخان دختری دارد که عیال چوبک بوشهری است. عبدالله خان پسر حاج حسینخان فرزندی بنام اسداله خان دارد که فرزندانش شاهرخ، شهرام، شهریار، شهدخت، شهره میباشد. عیال جهانگیر پسر کوچک خان دختر محمد حسینخان است. حاج محمدبیک پسر حاج نظربیک پسر قره محمدبیک پسر عبدالرحیم خان فرزند او محمد حسینخان و فرزندان محمد حسینخان دکتر غلامحسین قهرمانی (بهدین سابق) پزشکی حاذق و طبع شعری عالی داشت. مردی با ذوق و فامیل دوست مدتی رئیس بهداری کارخانجات قند مرودشت و فسا بود. فرزندان بنام دکتر جمشید قهرمانی و مینو و کیهان خانم دارد. فرزند دیگر محمد حسینخان حبیب اله خان او نیز در بهداری خدمت مینمود. دکتر غلامحسین قهرمانی خواهری هم دارد که عیال جهانگیر پسر کوچک خان است.

حاج علی پاشا و اله نظر ایبوردی از قهرمانی ها و دو برادر بوده اند. حاج علی پاشا پسرش امیرقلی خان و پسر امیرقلی خان امان اله خان که امان اله خان دو عیال اختیار کرده یکی بنام خانم دختر حیدرقلی پسر اله نظر که از او پسر بنام روح اله خان دارد. عضو عالی رتبه دارائی مردی است مهربان و مطلع و با سواد. عیال او تاجی خانم دختر حاج نادرخان پسر گرجی خان فرزندان بنام فریدون، فرخ، فرشید (محمد مهدی)، فریبا، فرزانه دارد. عیال دیگر امان اله خان کربلائی لیلا دختر قربانعلی خوییاری است (برادر کربلائی لیلا حاج بابا میباشد). فرزندانش عین اله خان عضو عالی رتبه وزارت بهداری (مبارزه با مواد مخدره) مردی است مهربان و معاون اداره میباشد. عیال او دختر حاج دادرش خان انصاری فرزندان محمد جواد، محمدهادی، علیمحمد، مرضیه، رضیه میباشد.

دکتر ایرج پسر امان اله خان طبیعی حاذق، مهربان، مردمدار نسبت به مرضا رؤف و دقیق در بذله گوئی و باذوقی معروف و در وزارت بهداری همیشه دارای مشاغلی حساس بوده اخیراً با مینا خانم دختر غلامحسن خان قهرمانی ازدواج نموده است.

صدراله خان پسر دیگر امان اله خان در کادر آموزش پرورش و مهربان و فامیل دوست است. برای طی دوره آموزشی مدتی در اطیش بوده است. دختری بنام لیلا دارد. دختر امان اله خان منیر خانم نیز در آموزش و پرورش و بسیار شایسته و لایق است. اله نظر برادر حاج علی پاشا پسرش حیدرقلی و پسر حیدرقلی شاهرضا بوده و دخترش بنام خانم میباشد که عیال امان اله خان و مادر روح اله خان است.

شاهرضاییگ دو دختر دارد یکی زن سهرابخان جهانگیری پسر خدرخان اردکپان قشقائی پسرانی بنام حسین افسر ارتش و دارا دارد. دختر دیگر شاهرضا نظر زن نجفقلی خان پسر رضاقلیخان عبدالرحمن لو (برادر حبیب اله خان رضازاده) فرزندان بنام ژوبین و مهران و سه دختر دارد که یکی بنام شهلا همسر یکنفر پاکستانی و دیگری عیال صمدانصاری و یکی هم در آمریکا دانشجوی میباشد.

دختر بس خواهر حاج علی پاشا عیال قربانعلی خوییاری ایبوردی و مادر حاج بابا پدر یعقوبعلی است. دیگر از معاریف فامیل قهرمانی بشرح زیر است:

۱. محمودخان پسر حسن خان که فرزندان او کاوس و هوشنگ میباشد (محمود خان کارمند ذی رتبه آگاهی شهربانی شیراز بود). محمدخان برادرزاده حسن خان که فرزندانش رحمت اله خان و قدرت اله خان قهرمانی است.

۲. نادرخان بیگ پسرش گرجی خان و پسران گرجی خان حاج نادرخان و جهانگیر خان. حاج نادرخان مردی اجتماعی و مهربان و مورد احترام رؤسای محلات و محترمین شیراز بود. فرزندانش تاجی خانم عیال روح اله خان. ملک خانم عیال هادی قاضی طهرانی و آذر خانم میباشد. پسر جهانگیر خان غلامعلی خان است که او نیز مردی مهربان و فامیل دوست و در کادر فنی شهرداری شیراز و از رانندگان درجه یک است.

۳. محمدآقاخان پسر امیر قلی خان (پدر امیرقلی خان دائی اسمعیل بیگ پسر صیفوریگ ایبوردی بوده که با بهودخانم همسر اولی مصطفی خان نسبت نزدیک دارند) فرزندانش ناصر، کاظم، رسول، امیرقلی، احمدعلی. کاظم خان مردی است مهربان و بازنشسته ارتش است دختری بنام زری خانم دارد که عیال هوشنگ قاسمخانی مرادی است. رسول خان افسر ژاندارمری. امیرقلی خان عضو عالی قدر دولت و دکتر احمدعلیخان از اطبای حاذق مورد احترام و مهربان و دکتر بهداری اداره راه میباشد.

۴. عطاخان پسر محمدحسینخان پسر آقا باباخان برگشادی (برادر عیال مصطفی قلیخان شجاع الممالک) فرزندان او رضاخان، عبدالله خان، جمشیدخان، که عبدالله خان و جمشیدخان از افسران شایسته و لایق و مورد احترام شهربانی است. عطاخان خود نیز از اعضاء عالیقدر آگاهی شهربانی و نسبت به فامیل مهربان و صمیمی بود.
۵. قاسم خان پسر رحیم خان پسر حسن خان مردی است اجتماعی، مردمدار، فعال، مهربان و در امور کشاورزی متبحر و کارشناس است. فرزندان بنام هاشم، منصور، ناصر، کاظم، فرج، زری دارد. قاسم خان از نظر مادر محمدقلی حاتم پور که عیال اله قلی بیگ بود با حاتم پورها منسوب نزدیک است.
۶. عیسی خان و شاه نظر و منوچهر و خانم ارم فرزندان کوچک خان پسر خدانظر. عیسی خان در امور شرکت آجرفشاری با مصطفی خان همکاری میکند. عیال او زینت خانم دختر اسمعیل خان پسر محمد جعفرخان فرزندان شیروس، اصغر، کاوس، مهری، روح انگیز میباشد. شاه نظر پسر کوچک خان در شیراز دوزندگی معتبر و معروفی داشت. فعلاً شغل خیاطی را ترک گفته در کارهای ساختمانی است. عیال او زری خانم دختر قاسم خان است. خانم ارم عیال ملافلامر زنی است مومنه و نسبت به فامیل مهربان و دلسوز. خدانظر غیر از کوچک خان پسری هم بنام محمدکریم داشت که پسر او علی آقا زمین پیمان بوده و در طهران زندگی میکرد.
۷. صفدرخان و حیدرخان پسران کربلائی آقا که فرزندان حیدر خسرو و شهناز و شهین و شهره میباشدند.
۸. سرهنگ ناصرخان پسر اکرم خان پسر نادرخان از افسران لایق و شایسته و اخیراً ریاست دادگاه نظام را بعهده داشت. بافتخار بازنشستگی نائل شده است. عیال او پروین خانم دختر شاهرضاییگ فرزندان نادر و مهندس بهادر است.
۹. سروان بازنشسته لطفعلی خان پدرش از محترمین قشقائی و از لحاظ قبادخان با فامیل قهرمانی منسوب است. دختر او همسر آقای سیدعیسی رفیعی از سادات محترم فسا و رئیس ثبت اسناد کازرون است.
۱۰. حاج محمدرضا قهرمانی از ایبوردیهایی ساکن پای خاتون و کارخانه آجری دارد.
۱۱. قربانعلی و صفر فرزندان حسینعلی که فرزندان صفرخان جانقلی و خانقلی است.
۱۲. حاجی خان قهرمانی فرزندان هوشنگ و نادر قهرمانی پدر حاجی خان خانمیرزا بود.
۱۳. نگهدار بازنشسته ارتش از افراد رشید و شایسته در طول خدمت چندین تقدیر و مدال گرفته. پدرش امیرخان پسر یوسف آقا پسر قدم آقا پسر نوروز آقا پسر عرج آقا از تیره قره جلی ایبوردی. عیال نگهدار نسبه نسیمی دختر محمدعلی پسر حاج حیدر از تیره سلمانی (خواهر جهانگیر) فرزندان فرج کارمند شرکت نفت و تورج کارمند بریجستون و داریوش و کورش و مهرافرز و مهرافرزا میباشد. مادر نگهدار (عیال امیرخان) طاوس دختر اماموردی پسر قره بیگ (برادر ملی بیگ چابک سوار) از تیره جواخوری یا چغاخوری ایبوردی است.
۱۴. باباخان قهرمانی فرزند مشهدی اله وردی عیال او سکینه (کوکب) دختر مشهدی محمد (مادر سکینه بی بی ماه دختر نصیریگ نگهداری و خواهر پری رخ عیال علی محمدخان ضیاء دیوان) فرزندش عوض که در پالایشگاه نفت شیراز عضوی موثر است. عیال او دختر فرج اله حقیقی فرزندان بنام غلامحسین، محمد مهدی، محسن، احسان، بی بی ماه و میترا دارد. باباخان دارای صدائی دلنشین و در کسوت روحانیت میباشد. بمرحوم غلامحسین خان قهرمانی و فرزندان او علاقمند و بستگی دارد. فرزند دیگر باباخان جعفر قلی است که او هم در پالایشگاه اشتغال دارد.

۱۵. در اسپاس سرحد چهاردانگه شاه کرم و خداکرم و اله کرم و کریم و صفی خان از طرف مادر از فامیل قهرمانی میباشند. همچنین پهلوان مشهور شیرازی سیروس قهرمانی که در شیراز باغ وحش تأسیس نموده از این فامیل است. ماه نسا خانم دختر حاج قهرمانخان پسر عربشاه خان عیال ملاعبداله پسر برخوردار بود که شرح اولاد و نواده و نبیره او ضمن شرح برخوردارای های کریم آقائی ذکر خواهد شد. مادر میرزا نصراله خان قهرمانی (معین دفتر) بنام خورشید خانم ماه نسا خانم بوده است که شدح زندگی معین دفتر در مقدمه کتاب و همچنین ضمن فامیل عبداللهی نوشته شده است.

آقاخان یا عربشاه خان دوم برادر حاج قهرمانخان و پسر عربشاه خان بوده. ذکر اولاد او ضمن شرح خانواده حاتم بیگ سامی وند نوشته شده است (برخی از اولاد او نام خانوادگی قباخ قلیخانی اختیار کرده اند). محمد حسین خان برادر حاج قهرمانخان بوده دخترش عیال مصطفی قلیخان سردار لشکر آرا پسر جانی خان ایل خانی قشقائی بوده که از او دختری بنام حاجیه هما بی بی بوجود می آید که خواهر صلبی داراب خان ایل بیگی پدر اسمعیل خان سردار عشایر میشود. حاجیه هما بی بی با مرحوم قبادخان پسر مرتضی قلیخان ایل بیگی پسر جانی خان ازدواج مینماید. فرزندان بنام مرتضی قلیخان (باباخان) و امامقلی خان داشته که عیال امامقلی خان دختر علی قلیخان جد خوانین جره میباشد و پسری بنام اسفندیار خان داشته است. قبادخان دو دختر هم بنام ملکی بی بی و رودابه بی بی داشته است.

در اینجا شرح نسب نامه خاندان قهرمانی را نوشتیم برای تنوع بدنیست بذكر مطلبی پردازیم که تا حدی جالب است: در خاندان خوانین ایبوردی یک نوع کباب تهیه میشده است بنام کباب سپر که این کباب با تشریفات خاص بوده است باین معنی که سیخ آن بطول تقریبی دو متر و بضخامت سه سانتیمتر مکعب دارای دسته چوبی و حلقه آهنی. یک عدد بره چاق و باصطلاح ترکی «املک» را یکجا و بدون آنکه در آن دخل و تصرفی بکنند بایستی با آن بسیخ بزندند. بدین ترتیب که شکم بره را خالی میکنند بعد آنرا پر از کشمش و مغز گردو و پسته و آلبالو و آلو دز کردی (برغنی) مینمایند. سیخ را از قسمت کمر بره بطور عمودی عبور میدهند. سینه و ران بره را به قطعات نسبتاً کوچک میبرند و پس از آن این قطعات را بصورت سپر به سیخهای معمولی میزنند و در طرفین بدن بره از قسمت سر به پائین طوری به نظم و ترتیب فرو میکنند که در قسمت سر بسیار کوتاه تا به قسمت ران میرسد و سیخ کباب بشکل سرو بیرون میآید. برای کباب آن مقداری ذغال در حدود پنجاه من لازم است و ذغالها را آتش میکنند. دو سه نفر مأمور گردانیدن سیخ با قوت هر چه تمامتر میشوند. با اینکه بره چاق و دارای چربی طبیعی است معهداً مرتباً با پر عقاب یا پر مرغ به آن آب لیمو و روغن حیوانی میزنند. سیخ را روی آتش با ملایمت میگردانند تا خوب روغن و آب لیمو در جسم بره نفوذ کند و مغز پخته شود. این چنین کباب با تشریفات که ذکر شد با حوصله و تخصص (اینکه گفته شد تخصص واقعیتی است که باید آنرا قبول کرد زیرا چند سال قبل (۱۳۳۱ هجری قمری) معین دفتر (پدر نگارنده) مرحوم حاج مخبرالسلطنه هدایت والی فارس را بمنزل خود در ایبورد شیراز دعوت میکند و برای اینکه پذیرائی از جناب والی را بحد شایسته ای انجام داده و تجلیلی نموده باشد این کباب منحصر به فامیل خود را در نظر گرفته و تهیه مینماید و برای تهیه آن از مرحوم علی اکبرخان سرهنگ نواده حاج قهرمانخان و پسر مصطفی قلیخان که تخصص تهیه آنرا داشته تقاضا مینماید که قبول زحمت نماید و در تهیه کباب نظارت داشته باشد چون غیر از او کسی از عهده اینکار بر نمی آمده است) آماده و با شکوه تمام وارد سفره میهمانان عالیقدر میگردد به قطعات کوچک بریده میشود و جناب والی و سایر مدعوین که آنها نیز از وجوه و

محترمین و همراهان والی بوده اند نوش جان میکنند و دوغ صحیح النسب ترکی را هم بدرقه اش میسازند (افسوس که در این دوره و زمان نه آن وسیله فراهم است و نه آن سلیقه و نه آن متخصص که این چنین کبابی تهیه شود نه تنها جای آن کباب خالی است بلکه حسرت کباب حسن ریش<sup>۱</sup> هم با آن پیازهای چرخین خوب بدلها مانده و بهر حال خواب در بختیاری و کباب در قشقائی هم در ردیف فسانه های کهن قرار گرفته است)

**کریم آقائی** - برخوردار فرزند عربشاه فرزندان او کریم آقا، عبدالرحمن بیگ، رحیم بیگ، حاجی حاتم بیگ، فرزندان کریم آقا حسن بیگ، ملاآقا محمد، ملاعلی، ملاعباسعلی، ملاعبداله، ماهجان. شرح اولاد حسن بیگ ضمن فامیل حسن بیگی ذکر گردید.

ملاآقا محمد پسر کریم آقا فرزندانش عبدالحسن و ابوالحسن. عیال ابوالحسن ماهی خانم دختر ملاعبداله پسرش سلطانمحمود و دخترش طرلان. عیال سلطانمحمود فاطمه بیگم دختر مشهدی علی شیرازی فرزندانش مسعود، اصغر، اعظم، اکرم، پری (پروین)، ماهی خانم. مسعود بازنشسته شهربانی عیال او مهرانگیز (ناهد) فرزند حاج سید رضا رضوی سطوتی از اهالی مشهد فرزندانش محمود، طرلان میباشد. عیال اصغر پسر سلطانمحمود منظر محبی دختر فتح اله پسر محبعلی. عیال اعظم پسر سلطانمحمود عالم بنان حقیقی دختر جمال طلوع فرزندانش حمیدرضا، زهرا. پروین دختر سلطان محمود عیال احمد پسر کربلائی حسینعلی محب پور و ماهی خانم عیال آزاد نام میباشد که برادر زن کاظم پسر مشهدی علی اصغر است، دو دختر دارد یکی بنام بی بی عیال سرهنگ پاکروان دخترانی بنام ناهید و زهره دارد و دختر دیگر ماهی خانم تاجی عیال کریم پسر سبزهعلی علیشاهی است. طرلان دختر ابوالحسن عیال کوچکعلی بود.

ملاعباسعلی پسر کریم آقا پسر برخوردار فرزندانش لطفعلی و ملاعباسقلی پسر لطفعلی آقا علی (نایب) بود و دختری هم بنام رقیه داشت. عیال آقا علی زهرا پسری بنام علی دارد. عیال علی جهان آرا دختر مشهدی علیجان پسر علی یار فرزندان بنام غلامرضا، محمدرضا، احمدرضا، سهیلا، زهرا دارد. رقیه دختر ملالطفعلی ابتدا عیال بیرامعلی پسر نجف بوده فرزندان عزت اله و خانم نسا بوده. عزت اله دو عیال اختیار کرده یکی زهرا که قبلا زن آقا علی بوده از او دختری بنام زبیده دارد که همسر غضنفر پسر علی عباس میباشد. عیال دیگر عزت اله کربلائی شهناز دختر محمود بود که از او فرزندی بنام احمدخان دارد. رقیه دختر ملالطفعلی بعداً عیال عسکر پسر بابک باصری میشود که از او پسری بنام حاج خیراله دارد که بازنشسته شهربانی است و عیال حاج خیراله خاتون دختر عرج (عرجعلی) پسر ابراهیم خویباری است. فرزندان بنام فتاح و عسکر و بهبود دارد. (حاج خیراله از دختر شیرخان پاشائی هم فرزندان بنام بهزاد، خداکرم، بابک، عبدالرحمن، فرهاد و از خواهرزاده شاهرضاییگ حاجیوندی فرزندی بنام نوبخت دارد)

ملاعباسقلی پسر ملاعباسعلی فرزندش ملاحیدرقلی و پسران ملاحیدرقلی امان اله و یداله میباشد. عیال یداله آقچه گل دختر بهادرخان علیشاهی فرزندانش قلیچ، رشید، حیدر، شمشیر میباشد که عیال قلیچ (بازنشسته شهربانی) ناز آفرین دختر کاظم پسر مشهدی علی اصغر فرزندانش مصرین، مهری، غلام، محمدحسین، امیرحسین، محمدکاظم است.

۱- حاج حسن آذری معروف به حسن ریش در خیابان زند کافه ای داشت کباب بسیار خوبی تهیه میکرد که گاهی بزم رندان را با شراب خلار رونق میداد. همینکه حسن بمکه رفت این دکه را بست.

ملا عبدالله پسر کریم آقا پسر برخوردار عیال او ماه نسا خانم دختر حاج قهرمانخان پسر عربشاه خان فرزندانش ملاعلی اکبر، ملاعلی اصغر، میرزاعلی، محمد، محمدعلی، خورشید، ماهی خانم، جیران. فرزندان ملاعلی اکبر محمد، ابراهیم، علیمحمدخان، عجب ناز، اسحق، عباس، محمداسماعیل، سلیمانخان، علی خان. عیال محمدابراهیم باختر دختر کوراوغلی و دختر زاده عبدالحسین محمدآقائی پسرش امیرقلی و پسر امیرقلی عطا و علیخان و پسر عطا محمدابراهیم عیال او زبیده دختر یعقوبعلی خوبیاری است.

علیمحمدخان پسر ملاعلی اکبر عیال او صاحب جان دختر اسماعیل از اهالی حنا سرحد چهاردانگه فرزندانش عبدالله و گوهر. عیال عبدالله بهجت دختر محمد اسماعیل فرزندش نزهت. گوهر عیال آقا حسین پسر امان اله پسر نجف پسر آزاد فرزندانش حمید، امان، شهین، ژاله، ژیللا، فرح، فخری است. عیال اسحق بیگ پسر ملاعلی اکبر افسر خانم دختر حاتم بیگ سامی وند و نوه دختری قباخ قلیخان فرزندانش علی اکبر، سیروس، حاتم، شوکت، توران، علی اکبر درجه دار ارتش و جوانی است متین و معقول. شوکت عیال خان بابا پسر خدانظر حاتم پور است. توران عیال همدم خان آغاجری کشکولی است. عیال عباس پسر ملاعلی اکبر طوبی و فرزندش عسکر (درویش).

مرحوم محمد اسماعیل پسر ملاعلی اکبر نسبت به فامیل بسیار مهربان و روزی بشام نمیرسید مگر اینکه او سری به قوم و خویشها نزنند و قوم و خویشهای ساکن شهر را نیز کاملاً میشناخت و آمد و رفت داشت و هیچکس را از یادآوری فراموش نمیکرد. فرزندانش بهجت و کرامت که بهجت عیال عبدالله پسر کربلائی علی محمدخان بود. فرزند دیگر ملاعبداله پسر کریم آقا، آقامیرزا علیمحمد بود. عیال او دختر ملابمانعلی شیرازی خواهر حاج میرزا رحیم نانوا فرزندانش میرزا مرتضی مردی مهربان و درویش مسلک بود. فرزندانش احمدآقا و محمودآقا و محمد. فرزندان محمود حسین و حسن و فرزند محمد رسول، احمد آقا پسر میرزا مرتضی نیز مردی مهربان و فامیل دوست است. فرزندانش کریم، عباس، هاشم.

فرزندان دیگر میرزا علی محمد محمدعلی (فرزندانش خلیل آقا و حبیب آقا)، حسنعلی، عوضعلی (عوضی)، محمدرضا و عزیزآقا که محمد علی مردی اجتماعی و در کارهای مرحوم میرزا محمد حسن دستغیب بود. پسر دیگر ملاعبداله محمد علی پسرش آقا بابا بیگ فرزندانش غلامحسین و فاطمه. غلامحسین عیال او گلاب دختر جیران فرزندانش آقا بابا بازنشسته ارتش و مسلم است که عیال او هما دختر خان بابا پسر خدانظر. عیال آقا بابا بهجت دختر محمداسماعیل فرزندش بهمن. آقا بابا از عیال کامفیروزی فرزندانی بنام بهنام، بهرام، بهمرد دارد.

ملاعلی اصغر فرزند ملاعبداله عیال او بیگم جان دختر حاج غلامرضا پسر حاج عبدالله بزرگ فرزندانش کربلائی امیر حمزه، ابوطالب، کربلائی ابوالفتح، کاظم، محمدکریم، کربلائی گلابتون و مریم. کربلائی امیر حمزه مردی فامیل دوست و مهربان و در ایل قشقائی دادو ستد داشت. عیال او سریه دختر مرحوم علی قلی بیگ فرزندانش محمدامین، حشمت اله، عنایت اله، محمدآقا، جهان سلطان. محمد امین خان مردی است اجتماعی و در بین مردم مورد احترام و در حل و فصل مشکلات محلی در دوائر دولتی وجودی مؤثر است. مدتی در نظام وظیفه خدمت مینمود. عیال او گل عنبر دختر حاج جانمحمد سامی وند فرزندانش کریم آقا، قهرمان، کاوس است. کریم آقا عضو عالی رتبه اداره کار و معاون مدیر کل میباشد. همیشه دارای مشاغل حساس و مخصوصاً در سندیکاهای کارگری محبوبیت

داشته مورد احترام رؤسای دوائر دولتی است. باسواد، مطلع، متین و مهربان است. عیال او سلطنت خانم دختر مرحوم کاکاخان بیگ اخوان فرزندان شهبین و شهناز که شهبین عیال مهندس بهرام خشامن پسر مشهدی محمد خان است. قهرمانخان پسر محمد امین خان در کادر بهداری ارتش عیال او روح انگیز دختر مشهدی روح اله سامی وند فرزندان بنام خسرو، کیانوش، کی منش، محمد، شعله، شکوه، فرح دارد. کاوس خان عضو فعال و مؤثر سازمان تأمین خدمات درمانی عیال او ملک تاج دختر سرهنگ حشمت اله خان کریم آقائی فرزندان غلامرضا و ثریا میباشد. سرهنگ حشمت اله خان فرزند کربلائی امیر حمزه بازنشسته ارتش افسری متین و لایق و مهربان عضو شورای داوری و اخیراً بسمت نمایندگی انجمن شهر شیراز انتخاب شده است. عیال او ماه جبین دختر ابوطالب فرزندان همایون، اصغر، ملک تاج، مصطفی، زهره میباشد. همایون در سازمان آب و برق و عیال او شعله دختر قهرمانخان فرزند بنام آرش دارد. اصغر آقا پسر حشمت اله خان در سازمان جهانگردی است. عیال او ژیلدا دختر محمد جانی یزدی فرزندش محمد است. ملک تاج عیال کاوس خان و زهره عیال یوسف پسر معصومعلی است. عنایت اله خان پسر کربلائی امیر حمزه عضو استانداری فارس بسیار مهربان بود. عیال او شریعت دختر کربلائی ابوالفتح فرزند بنام سیروس دارد عضو سازمان برق منطقه ای فرزند بنام مهرداد دارد. محمد آقا پسر کربلائی امیر حمزه نیز عضو استانداری و مردی مهربان و خوب بود. عیال او صغری کامیاب از اهالی قصرالدشت فرزندانش بهرام، بهمن، نازیلا، مزده، علی میباشد. جهان سلطان دختر کربلائی امیر حمزه ابتدا عیال مرحوم محمد صادقخان حاتم پور بود و بعد از او با مرحوم نعمت اله خان جهانشاهی ازدواج نمود. ابوطالب پسر ملا علی اصغر پسر ملاعبداله عیال او اسیه دختر حاج عبدالرضا پسر حاج غلامرضا فرزندانش ماه جبین عیال حشمت اله خان کریم آقائی و ماه نسا عیال مشهدی عبدالرحیم پسر حاج نوراله عبداللهی است. کربلائی ابوالفتح پسر ملاعلی اصغر عیال او بلیس دختر آقا رضا پسر حاج غلامرضا فرزندانش جمشید، رضا، حاج نادر (شاپور) جهان آرا، جیران است. جمشید درجه دار بازنشسته ارتش در امور فنی مخصوصاً کارهای الکتریکی وارد است. عیال او خانم بی بی دختر حاج نوراله عبداللهی فرزندانش بهمن، مهری، عالم، سعید، جوان، نیکزاد، بهنام، حمید است. حاج نادر پسر کربلائی ابوالفتح در سازمان خدمات درمانی عیال او پریچهر دختر حاج حبیب اله خان جهانشاهی فرزندانش آقا رضا، سیامک، سیاوش، رؤیا، اردشیر. جهان آرا دختر کربلائی ابوالفتح عیال معصومعلی پسر لطف اله و جیران عیال دادرس (نوشاد) پسر مشهدی روح اله سامی است. کاظم پسر مشهدی علی اصغر عیال او با رفتن یک دختر بنام ناز آفرین دارد که عیال قلیچ پسر یداله پسر ملاحیدرقلی است. کربلائی گلابتون دختر مشهدی علی اصغر عیال حاج شاه محمد پسر جمعه سامی وند بوده است. خورشید خانم دختر ملاعبداله عیال مشهدی حبیب اله پسر حاج عبدالله (مادر پدر نگارنده بود). ماهی خانم دختر ملاعبداله عیال ابوالحسن پسر ملا آقا محمد پسر کریم آقا و جیران دختر ملاعبداله عیال حاج عبدالرحمن پسر اکبریگ پسر عبدالرحمن بیگ پسر عربشاه بود. حاجی حاتم بیگ فرزند برخوردار فرزند عربشاه شرح او ضمن فامیل عربشاهی است. عبدالرحمن بیگ فرزند برخوردار فرزندش اکبریگ فرزندان کربلائی خان بابا و حاج عبدالرحمن. فرزندان کربلائی خان بابا، خدانظر و رحمن و فرزندان خدانظر، خان بابا و ماه پسند. عیال خان بابا شوکت دختر اسحق بیگ کریم آقائی فرزندانش امان اله، زبیده، هما، شکوه، مجیدرضا، ماه پسند. دختر خدانظر عیال فرج اله محمد آقائی است.



حاج عبدالرحمن پسر اکبر بیک پسر عبدالرحمن بیگ پسر برخوردار دو عیال اختیار کرده یکی شیرین جان دختر علی صالح پسر شاه محمد صالح (خواهر مرحوم شجاع نظام) از او یک پسر بنام علی قلی بیگ داشت و یک دختر بنام کربلائی صغری.

مرحوم علی قلی خان کلانتر محل ایبورد از اشخاص مطلع و متشخص و سرشناس و بتاریخ علاقمند و مورد احترام بود. عیال او اصلی خانم دختر حاج غلامرضا پسر حاج عبدالله سه دختر داشت بنامهای معصومه و سربیه و سکینه. معصومه عیال کربلائی فتح اله جهانشاهی و مادر آقایان حاج حبیب اله و سرهنگ نواز اله و رحمت اله و سرهنگ امیر بهادر جهانشاهی بود. سربیه (ثریا) عیال کربلائی امیر حمزه و مادر آقایان محمد امین، سرهنگ حشمت اله، عنایت اله، و محمد آقا کریم آقائی بود. سکینه عیال کربلائی علیمراد جهانشاهی مادر آقایان ناصر، منصور، محسن، یزدان بخش جهانشاهی بود. مرحوم علی قلی بیگ یک پسر هم بنام مرتضی قلی داشته است.

عیال دیگر حاج عبدالرحمن جیران دختر ملاعبداله فرزندان محمد، حسن، فریدون، اکبر، کلثوم، شهربانو بود. محمد حسن خان مردی مهربان و در حل معضلات اهالی در دوائر دولتی کوشا و جدی عیال او مریم دختر مشهدی علی اصغر بود. فریدونخان پسر حاج عبدالرحمن عیال او فرخ سلطان دختر فرج اله خان هژبر نظام فرزندان اسماعیل، تیمور. مرحوم اسماعیل خان درجه دار ارتش مردی اجتماعی و فامیل دوست و همیشه در غم و شادی اهالی شریک مخصوصاً در عروسی ها مجالس را نظم و رونق میداد. عیال او فرخ لقا دختر اکبریگ فرزندان بنام فریدون، فرخ تاج، اکبر (به مرد) دارد که فرخ تاج عیال چنگیزخان عربشاهی است. تیمور در بیمارستان نمازی کار میکند. عیال او صغری فرزندان حاجی و سه دختر میباشد. اکبریگ فرزند حاج عبدالرحمن عیال او مریم دختر مشهدی علی اصغر (بعداً با محمد حسن خان ازدواج نموده). فرزندش فرخ لقا که عیال اسمعیل خان است. کلثوم دختر حاج عبدالرحمن عیال زیادخان آدمیت و شهربانو عیال فرج اله محمد آقائی و کربلائی صغری دختر حاج عبدالرحمن عیال خداکرم پسر رئیس نبی سامی وند و مادر نجفقلی خان بود.

اله کرم عیال او شهربانو دختر حسینعلی (خواهر حاج خدایار محب پور) پسرانش علی یار و اله نظر. عیال علی یار ناز بی بی پسرانش حاج جمعه و مشهدی علی جان که حاج جمعه از مردان متدین و خیر بود و بنیان مسجد ایبورد از اوست. عیال او کربلائی شهنواز دختر محمود. پسران مشهدی علیجان علی یار و قریب که عیال مشهدی علی یار شاه پسند دختر روزعلی فرزندان بنام علی برز (حاجی) و یوسف و شمسی و پروین و شهین و زینب که یوسف درجه دار ژاندارمری است. عیال مشهدی قریب حسنی دختر عباسقلی پس کوهکی فرزندان حجت، علیجان، حکمت، حشمت، کیهان، افسانه، فهیمه، ماریا، تهمنه میباشد. کیهان دختر مشهدی قریب عیال عزیز علیشاهی پسر هدایت فرزندان ژینوس، ژاکلین، فلورا میباشد. افسانه عیال جهانشیر باباخانی پسر بهادر از طایفه سلمانی ایبوردی فرزندی بنام مریم دارد. اله نظر پسر اله کرم عیال او ناز بی بی دخترانش نرگس، زینب، کلثوم که نرگس عیال روز علی فرزندان نظرعلی و شاه پسند. عیال نظرعلی بی بی جان دختر علی قباد فرزندان روزعلی و نسرین و زری است. فرزندان روز علی فیروز، طیبه، مهری، حسین، گلشن میباشد و از عیال دیگر هم فرزندی بنام حسین دارد و شاه پسند عیال مشهدی علی یار. زینب دختر اله نظر عیال قربانعلی فرزندی بنام غلامعلی دارد که قربانعلی خواهری بنام سارا داشت.

**محب پور** - آقا حسینعلی پسر رستم پسر محب عیال او اصلی خانم دختر حاج عبدالله بزرگ پسرانش حاج خدایار و علی پاشا، حاج خدایار فرزندان کربلایی حسینعلی، رستم، حیدر، عیال کربلایی حسینعلی بتول دختر مشهدی علی شیرازی (مادر بتول حاجیه بیگم بود) فرزندان کربلایی حسنعلی حاج عطاء اله، حاج محمدآقا، حاج آقا، احمد، محب، طهمورث، کیهان (مادر طهمورث از چزغانیها و کیهان هم از عیال دیگر کربلایی حسینعلی است). عیال حاج عطاء اله حاجیه سکینه دختر مشهدی کیامرث مرادی فرزندان علی اکبر، اثر، اصغر، حسینعلی، ایرج، بتول، صغری، مهناز، فرح، شهین است. بتول عیال رستم پسر حاج نوراله عبداللهی و صغری عیال کمالی پور افسر ارتش فرزند او حمید. شهین دختر حاج عطاء اله عیال صمد پسر مشهدی امیرقلی مرادی. عیال حاج محمدآقا حاجیه خیرالنسا دختر حاج محمد حسین کریم آقائی (حسن بیگی) فرزندان حکمت، امیرحسین، علی حسین، علیرضا، سیمین تاج، ثریا، زرین تاج است. سیمین تاج عیال حسین ژبان سیرت پسر دائی حاج محمدآقا است. زرین تاج عیال فلامرزاخوان پسر کاکاخان بیگ است. ثریا عیال حسین پسر گرجی میباشد. عیال حاج آقا دختر میرزا محمد حسین ژبان سیرت فرزندانش شهلا، خسرو، پرویز، زهرا، گیتا. عیال احمد پروین دختر سلطانمحمود کریم آقائی فرزندانش عباس، مریم، منیژه. محب پسر کربلایی حسینعلی افسر ارتش عیال او دختر کمالی و عیال طهمورث فخری دختر آقا حسین کریم آقائی است.

رستم خان پسر حاج خدایار مردی بود اجتماعی و مورد احترام اهالی. به شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی خیلی علاقمند و خانه او همیشه بروی مشتاقان شعر و شاعری باز و محضری گرم و نیکو داشت. دو عیال اختیار کرد یکی طلعت خانم دختر فرج اله خان هژبرنظام و یکی معصومه خانم دختر کاکاجان صغری.

حیدرخان پسر حاج خدایار نیز به شعر و شاعری علاقمند و خود نیز اشعار ترکی (بزبان محلی ایبورد) می سرود. دو عیال اختیار کرد یکی باختار دختر کوراوغلی (دختر زاده عبدالحسین محمدآقائی) از او پسری بنام قلندر دارد که در کادر آموزش است. خوشنویس، نقاش، شاعر و خیلی باذوق و هنرمند است. عیال او پروین دختر فرج اله محمدآقائی فرزندانش سهراب، سپهر، آریا، حیدر، آروین است. عیال دیگر حیدر زیور دختر کاکاجان اقلیدی (خواهر مشهدی محمدخان خشامن) فرزندش گودرز محب پور فوق دیپلم نقشه بردار فنی کارمند شهرداری شیراز عیال او دختر ابراهیم پسر کاکاجان اقلیدی است.

علی پاشا پسر حسینعلی پسر رستم پسر محب فرزندان آقاعلی و علی ذوالفقار که فرزندان آقاعلی کربلایی نوروز و عسکر بود. کربلایی نوروز دو عیال اختیار کرد یکی کربلایی نرگس خاتون دختر کربلایی اکبر پسر حاج رضاخان و دیگری سلطنت فتحی دختر نعمت اله خان پسر حاج حاتم بیگ از او پسری بنام افراسیاب (آقا) دارد. افراسیاب با برادر مادری خود چنگیزخان در امور پیمانکاری است. عیال او حوری دختر مشهدی حسن کریم آقائی (حسن بیگی) فرزندان بنام ارژنگ، نوروز، جمیله، حمیرا، نرگس دارد. عیال عسکر پسر آقاعلی اصلی خانم دختر علی ذوالفقار فرزندش اصلی خان بعد از عسکر با قدرت اله پسر کربلایی داراب بابائی ایبوردی ازدواج نمود. فرزندان بنام سلیم، داراب، عالم بها و قزی دارد. عیال سلیم ناهید دختر مشهدی عبدالرحیم عبداللهی میباشد. فرزندان بنام ماریا و گیتا دارد.

کربلایی اکبر پسر حاج رضاخان عیال او ملکی جان دختر حاج غلامرضا پسر حاج عبدالله فرزندانش حاجی خان و نرگس خاتون عیال حاجیخان. عشرت دختر اسد پسر حاج رضاخان فرزند بنام اکبر آقا دارد. عیال اکبر آقا تاجی دختر حاج محمدتقی خوبیاری فرزندان رضا و ثریا میباشد.

غزلی از اشعار قلندر محب پور پسر مرحوم حیدر را ذیلا درج مینمائیم:

غم هجر تو را جانا از دور میدیدم  
من آندم بی خبر بودم چو بودی در کنار من  
ملامت مینمودم هر کجا بد عاشقی بیدل  
بدم غافل ز سر عشق و می پنداشتم بازی  
بسختیهای دوران چاره ام بودی شکیبائی  
خیال قد چون سروت چو بر چشمم مجسم شد  
بود مسرور آنکس کو تهی از عشق دل دارد  
اگر چون زلف پر چینت پریشان گشت حال من  
نکردم شکوه از دستت گناه از تو ندانستم

ز عشقت بهر گلدان دلم یک گل نمی چیدم  
فراق اکنون اثر دارد که از نزد تو ببریدم  
سزایم گریه میباشد که بر عشاق خندیدم  
جدائی کرد بیدارم کنون آگاه گردیدم  
نشد بی تو مرا ممکن بهر اندازه کوشیدم  
من از باد خزان غم بسان بید لرزیدم  
که من تا آشنا گشتم برون از حدالم دیدم  
و از یاد لب لعلت سرشک از دیده باریدم  
شکایتها زدل کردم زدست دیده نالیدم

گرم پرسند همراهان محب پور از چه پژمردی

جواب اینسان دهم چون دور ازان رخسار خورشیدم

**محبی** - محبعلی پسر آقا نصراله عیال او ماهجان دختر کریم آقا پسر برخوردار فرزنداناش فتح اله و صدراله. فتح اله فرزنداناش غلامعلی و افروز. فتح اله عیال دیگری هم از طایفه دره شوری داشت فرزندی بنام عطا دارد و از فرنگیس فرزندان بنام قریب و جهان و نظر دارد. عیال غلامعلی سارا دختر حاج نورمحمد صالحی حسن آبادی فرزنداناش دکتر گودرز محبی، بهرام، لهراسب، رخسار، افروز، گشتاسب میباشد. افروز دختر فتح اله عیال مشهدی رسول حسن بیگی کریم آقائی بود. عیال عطا پسر فتح اله گل اندام دختر مشهدی علی پسر معصومعلی است. جهان دختر فتح اله عیال علی بخش پسر صدراله. نظر عیال اصغر پسر سلطانمحمود.

دکتر گودرز عیال او طیبه دختر حاج محمدحسین کریم آقائی (حسن بیگی). رخسار دختر غلامعلی عیال حاج عبدالحسین زلفی شاهسوند. فرزندان صدراله پسر محبعلی، علی بخش و خوش اندام و یکی از دخترهای صدراله عیال محمد پسر کربلائی خانمیرزا خالقی است.

**مرادی** - از محل دوه چی تبریز آمده اند و احتمال قریب به یقین است از طوایف افشار آذربایجان بوده باشند که با قزلباشها بفارس آمده اند. مایل جد آنها دو فرزند داشته بنام فرهاد و قاسم. فرزند فرهاد مراد. عیال مراد ماه بیگم دختر محمد پسر اله وردی که عیال اله وردی گلستان دختر حاج عبدالله بزرگ (عبداللهی) بوده. فرزندان مایل، عادل، فرهاد، قباد، خدانظر، پیرمراد.

فرزندان مایل پسر گنجعلی فرامرز، کرمعلی، شیرعلی، هرمز، کهزاد، خیرعلی، کیامرث، پرویز، الیاس، احمد (ده باشی). فرزند عادل فرزند مراد رحیم و فرزندان فرهاد خانمراد و جانمراد و فرزندان قباد مراد و زیاد. فرزندان خدانظر جعفرعلی، امیرقلی، حیدر، معصومعلی، فاطمه، مشهدی نوری جان (مادرشان خاله عبدالمناف شجاعی (هم نیاز) بوده است). فرزندان پیرمراد یارمراد، آقامراد، حسین مراد، حسن مراد. فرزندان فرامرز پسر مایل شمسعلی و اباذر و بهمن که مادرشان خانم ارم دختر کوچک خان پسر خدا نظر (خواهر عیسی خان قهرمانی) است. اباذر مهندس کشاورزی و

رئیس منطقه کشاورزی علی آباد کمین میباشد و در امور مربوط به کشاورزی و دامداری تخصص دارد و مورد توجه اولیای وزارت کشاورزی است. عیال او مهری خانم دختر عیسی خان فرزندانش آریا و اوستا. فرزند شمسعلی پسر فرامرز فریدون. عیال بهمن پسر فرامرز (فلامرز) حاجیه دختر حاج ابراهیم پسر احمد (ده باشی) فرزند بنام علیرضا دارد. فرزندان پرویز فرزند مایل، شاه، علی، عبدالعلی، منصور، غریبعلی، نورعلی است. فرزند الیاس فرزند مایل کیامرث، احمد (ده باشی) فرزند مایل عیال او زیور دختر مشهدی علی شیرازی فرزندش حاج ابراهیم. فرزندان رحیم فرزند عادل صفیه و عادل عیال رحیم دختر علی حسین پسر غلامحسین (دخترزاده عبدالحسین محمد آقائی). عیال زیاد پسر قباد شاه پسند دختر حسینعلی فرزندانش فرهاد، مراد، قباد. فرزندان امیر قلی فرزند خدانظر، کرامت، صمد، نظر، درسلطان. فرزندان یامراد فرزند پیرمراد، مراد حاصل، خدامراد، هدایت. فرزندان آقامراد پسر پیرمراد حسن مراد و شکراله و حاجیه حلیمه (مادرشان بیگ زاده). عیال شاه علی فرزند پرویز، قمر دختر بهزاد فرزندانش جهانبخش، حاصل، خدر. عیال مشهدی عبدالعلی فرزند پرویز قزی خانم دختر مراد شاهسون فرزندانش علی بخش، خدابخش، سیاوش، گل نسا، ماه نسا، مروارید، سیما، دختربس، شاه نسا، مهوش.

عیال منصور فرزند پرویز درسلطان دختر امیرقلی فرزندانش ناصر عضو دفتر فنی استانداری، بهادر دانشجوی فنی، خسرو و کاظم دانشجو در آمریکا و سهراب. عیال نورعلی فرزند پرویز حاجیه ماه پسند دختر حسینعلی فرزندانش مایل خان دبیر آموزش و پرورش مردی است اجتماعی باسواد و متین و مهربان. نادر پسر مشهدی نورعلی نیز جوانی است فعال و محبوب عضو تعاون روستائی در ناحیه دشتستان. عیال کیامرث فرزند الیاس، مشهدی نوری جان دختر خدانظر فرزندانش نجف و الیاس که نجف عضو بیمارستان نمازی و الیاس درجه دار ارتش است. دختر کیامرث سکینه عیال حاج عطا محب پور است. عیال حاج ابراهیم فرزند احمد، پوران دختر حسینعلی فرزندانش احمد، محمود، هاشم، واحد، جمال، حاجیه میباشد. (برادر عیال حاج ابراهیم بنام کرامت که در اداره آب کارمند فنی میباشد نام خانوادگی ایبوردی دارد). عیال حاج عادل خان فرزند رحیم، حاجیه حلیمه دختر آقا مراد فرزندش رحیم. حاج عادل خان مردی است متدین، مهربان، و در اجتماع مورد احترام و مطلع و بتاریخ علاقمند و دارای حافظه ای قوی میباشد. در بین طوایف قشقائی مخصوصاً دره شوریهها محبوبیت دارد. مادر حاج عادل خان دختر زاده عبدالحسین محمد آقائی (خواهر زاده فرج اله) میباشد.

عیال کرامت فرزند امیرقلی زهرا دختر احمد معافیان فرزندش شهرام است. عیال قباد پسر زیادخان زیبا دختر حاج مسیح سامی فرزندش ایزدبخش. عیال فرهاد پسر زیاد ملکی دختر غضنفر فرزندانش فرزاد، فرشاد، محبوبه. عیال جهانبخش فرزند شاه علی سلطنت دختر صادق فرزندانش جهانگیر و مهران. فرزندان حاصل فرزند شاه علی مهرزاد و فرج. عیال خدر فرزند شاه علی، فردوس فرزندش محسن. عیال ناصر پسر منصور شاه نسا دختر مشهدی عبدالعلی فرزندانش کامران، مجتبی، نیلوفر، نازیلا. عیال بهادر فرزند منصور. مینا دختر مایل خان فرزندانش میترا و مرجان. علی بخش پسر مشهدی عبدالعلی در کادر آموزش فرهنگ و از دبیران خوب و متین و مورد توجه اولیای آموزش و پرورش میباشد. عیال او ایران دختر مظفر قهرمانی فرزندانش نازلی و محمد علی است. خدابخش پسر مشهدی عبدالعلی در بیمارستان خلیلی تکنسین و جوانی است لایق و محبوب. عیال او پروین دختر زالی خان پسر کربلائی ولی خان از طایفه سلمانی ایبوردی میباشد فرزندش سوزان عیال مایل خان پسر مشهدی نورعلی. ماه نسا دختر مشهدی عبدالعلی

فرزندانش مهرداد، پرویز، بهنام، هومان، مینا. عیال نجف پسر کیامرث فاطمه دختر غلامحسین فرزندانش آرش، سیامک، اردلان. عیال الیاس پسر کیامرث از اهالی سنندج کردستان فرزندانش رضا و علیرضا میباشد.

رحیم پسر حاج عادل خان درجه دار ارتش جوانی است متین و محبوب. عیال او گل تاج دختر مشهدی غلامحسین پسر حاج یارویس فرزندش شکراله میباشد. عیال معصومعلی پسر خدانظر نزاکت و یک دختر بنام گوهر دارد که عیال حاج امراله پسر مشهدی علی پسر معصومعلی میباشد (فرزندان حاج امراله محمدرضا و علیرضا و حاجی رضا و فرزندان حاج سیف اله علی و فضل اله و حاجی آقا و طیبه و حبیبه و پروانه و فرزند عین اله روانبخش و فرزندان حمایت نوربخش و شکوفه میباشد).

قاسم فرزند مایل فرزندانش عباسعلی، محمدعلی، حاج قوجه. فرزند عباسعلی هاشم فرزندان محمدعلی پسر قاسم فتحعلی و لطفعلی. فرزندان حاج قوجه کرملی حسینعلی، فرزندان هاشم، قاسم و عباسعلی. فرزند فتحعلی علی محمد. فرزندان کرملی خانجان، علی مینا، علی سینا، حسینعلی، حسنعلی. فرزند عباسعلی هوشنگ. فرزندان خانجان علیجان و صادق که بازنشسته شهربانی و مردی است متدین و مرید محراب و منبر. فرزند حسینعلی کرامت. فرزند حسنعلی الیاس (هوشنگ یزدان مهر فرزند عباسعلی عضو مخابرات جوانی است فعال و متین عیال او زری خانم دختر کاظم خان پسر محمد آقاخان قهرمانی است).

**توپز لوها** - کرم معروف به توپز فرزند او حاجی خداداد فرزندانش گرجی، علی مراد، اسمعیل. فرزندان گرجی اسماعیل، حسین، مراد، ایمان، جهانبخش. دیگر از اشخاص معروف این فامیل علی اصغر و علی اکبر برادرزاده های حاج خداداد. فرزند علی اصغر میرزا حسین و فرزند میرزا حسین علی حسین.

فرزندان اسماعیل پسر گرجی ریاست، ابراهیم، آرزیتا، ایرج. عیال حسین پسر گرجی ثریا دختر حاج محمد آقا محب پور. عیال مراد مدینه دختر حاج محمد تقی خویباری. عیال ایمان هم شاه عنبر دختر حاج محمدتقی. عیال جهانبخش مصرین دختر قلیچ پسر یداله پسر ملاحیدرقلی کریم آقائی.

**شاهسوند (زلفی)** - از ایل شاهسوند و متوطن در ایبورد. جد آنها مراد عیال او پری زاد دختر سلطانعلی از اهالی کوشک. خلیل فرزندانش عبدالرسول، عبدالخالق، خانم قز. عیال عبدالرسول زینت دختر حسین کازرونی فرزندانش نوروز، بهروز، حمید، مراد، مجید. عیال دیگر عبدالرسول مخمل درودزنی شیرازی فرزندانش همد، افسانه، پری زاد، بهنام، منوچهر. عیال نوروز فریده حیدری فرزندانش فهیمه، زیبا. عیال بهروز مریم از اهالی درودزن ابرج فرزندش رؤیا. عیال حمید افسر دختر محمدآقا سامی. عیال عبدالخالق پسر مراد زینت دختر حسین کازرونی فرزندانش خلیل، علی حسین، حاج عبدالحسین. عیال خلیل مروارید دختر مشهدی عبدالعلی فرزندانش عظیم، رضا، فرزاد، مهرزاد.

عیال علی حسین فلک دختر حاج لطف اله فرزندانش رضا، خدیجه، محبوبه، نازیلا، آرزیتا. عیال حاج عبدالحسین رخسار دختر غلامعلی محبی فرزندانش رحمن، علیرضا، زهرا.